



وحدت اسلامی

پیشخوان شماره ۵

در کلام حضرت آیت الله خامنه ای



KHAMENEI.IR

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۷/ منظور از وحدت، تکیه بر نقاط اشتراک است
مسلمانان از ملت ایران
- ۱۵/ سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها، علیه
۶۵/ ضرورت وحدت برای حل مصائب دنیای اسلام
- وحدت مسلمین
۶۹/ وحدت دنیای اسلام در گرو حرکت ره‌نمایانه‌ی نخبگان
و مسئولین
- ۲۱/ اهمیت و تاریخ تقریب اسلامی
۲۹/ وحدت امت اسلام هدف استراتژیک جمهوری اسلامی
۷۳/ ضرورت تهیه منشور وحدت دنیای اسلام
- ۳۵/ رفع اختلافات و حاکمیت اسلام، دو جهت‌گیری
۸۱/ غدیر وسیله‌ی ائتلاف و برادری مسلمانها
- اساسی در شعار وحدت مسلمین
۸۷/ موانع همدلی و اتحاد در دنیای اسلام
- ۴۱/ تقریب در عقیده، فقه و عمل
۹۳/ عوامل درونی و بیرونی ضد وحدت / میلاد پیامبر(ص)
- ۴۷/ تمام دنیای اسلام از وحدت منتفع خواهند شد
رمز اتحاد مسلمین
- ۵۳/ وجود مقدس نبی مکرم اسلام محور وحدت امت اسلام
۹۹/ امت اسلامی نیازمند باز تولید حقائق اسلامی
- ۵۹/ هدف از اختلاف افکنی دشمن، جداسازی ملت‌های
۱۰۵/ اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، فریضه‌ی فوری امروز





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایت‌های سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایت‌های گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بُروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.



منظور از وحدت، تکیه بر نقاط اشتراک است

❖ مقصود از وحدت مسلمانان

❖ تحقق نیافتن اهداف دشمن در عدم وحدت مسلمین

❖ پیام هفته وحدت

❖ حرفی شبیه توطئه در مسئله وحدت

❖ دو جریان شیعه و سنی زندگی خود را کنند و

باهم دشمنی نکنند

❖ امروز نباید آتش افروزی کرد

❖ وحدت مسلمین، یکی از پیام های انقلاب

❖ به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنید

❖ شعارهای علیه آمریکا و اسرائیل در حج تفرقه

افکن نیست

❖ توصیه ای به ملت برادر پاکستان

❖ هفته ی وحدت، هفته ی حقیقتاً پر محتوا و پر مغز

❖ حفظ وحدت بر محور اصول انقلاب

منظور از وحدت، تکیه بر نقاط اشتراک است*

مقصود از وحدت مسلمانان

مسأله‌یی که لازم است در آستانه‌ی هفته‌ی وحدت به همه‌ی ملت ایران و همچنین به مسلمانان عالم عرض کنم، اهمیت وحدت بین مسلمین و ارتباط برادرانه میان برادران مسلمان در همه جا و در همه‌ی شرایط است. در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می‌کنیم، مقصود ما این نیست که فرّق مسلمین - اعم از شیعه و سنی - یا فرّقی که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خود دست بردارند و به عقیده‌ی سومی یا به عقیده‌ی طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه‌ی هر کسی وابسته است و بینه و بین الله تکلیف اوست. بحث ما این نیست.

بحث ما این است که می‌خواهیم به همه‌ی مسلمانان - از شیعه و سنی - بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. در بعضی چیزها، با هم شریکید و یک طور فکر و عمل می‌کنید و در بعضی چیزها، هر فرقه روش خود را دارد.

نکته این است که اولاً، آن نقاط اشتراک بیشتر از نقاط افتراق است. یعنی همه‌ی مسلمین، به خدای واحد و قبله‌ی واحد و پیامبر واحد و احکام و نماز و روزه و زکات و حج اعتقاد دارند. شما دو نفر مسلمان را پیدا نمی‌کنید که وقتی صبح می‌شود، برای نماز بلند نشود؛ مگر این که بخواهد به تکلیفش عمل نکند، و الا همه‌ی مسلمین عالم معتقدند که صبح و ظهر و عصر و شب، باید نماز خواند و مستحب است که در

نیمه‌ی شب، نماز شب بجا آورد. همه‌ی مسلمین عالم معتقدند که نماز را باید به طرف کعبه و به زبان قرآن و از آیات قرآن خواند. همه‌ی مسلمین عالم، ماه رمضان که فرا می‌رسد، آن وقتی که فهمیدند روز اول ماه است، روزه می‌گیرند؛ مگر کسی که نخواهد به تکلیفش عمل کند و بخواهد فسق کند، و آلهمه‌ی مسلمین عالم به این امور اعتقاد دارند.

هم اکنون بیش از یک میلیارد نفر مسلمان در نقاط مختلف عالم زندگی می‌کنند که نقطه‌ی تراکم آنها، همین منطقه‌ی بین شرق و غرب است که از لحاظ استراتژیکی و موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی و آب و هوایی، حساسترین مناطق عالم دست اینهاست. قدیمیترین تمدنها و عمیقترین فرهنگها، در همین منطقه‌ی بوده که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند. آن وقتی که دیگر مردم در وحشیگری بودند، همین مردم مسلمان بودند که دنیا را با علم و معرفتشان اداره می‌کردند. مسلمانان، جمعیتی متشکل و منسجم هستند، کشورهایشان نزدیک به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقارند و در تمام نقاط دنیا کسانی را از خود دارند که همه‌ی آنها مسلمانند.

تحقق نیافتن اهداف دشمن در عدم وحدت مسلمین

ما می‌گوییم ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر با هم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد. امروز، دچار تشتت و ضعف و عقب‌ماندگی هستید. کشورهای اسلامی - غالباً یا عموماً - فقیر و وابسته و اسیرند. دشمنان اسلام می‌خواهند اسلام را از میان کشورهای اسلامی بزور بیرون برانند. قلب آحاد مردم مسلمان، با اسلام و خداست. آنها به اسلام علاقه‌مندند. سیاستها و قدرتهای بزرگ جهانی سعی می‌کنند به وسیله‌ی دولتهای دست‌نشانده، مردم را از اسلام دور نمایند. اگر شما با هم باشید و با هم دعوا نکنید و نیروی خود را - که عنصر عظیمی است و برای بهتر کردن دین و دنیاتان، می‌شود از آن استفاده کنید - علیه یکدیگر مصرف نکنید، اهداف پلید دشمن محقق نخواهد شد.

پیام هفته وحدت

ما نمی‌گوییم که سنیهای عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه‌های عالم دست از عقیده‌شان بردارند. البته، اگر یک سنی یا هر کسی تحقیق و تفحص کرد، عقیده‌اش هر چه شد، باید بر طبق عقیده و تحقیق خودش عمل کند. تکلیف او با خدایش است. حرف ما در هفته‌ی وحدت و به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد.

از سالها قبل از انقلاب که این حرف به صورت رقیقی گفته می‌شد، دستگاههای وابسته به استکبار

جهانی، با آن مخالفت کردند. از وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد، مستکبران عالم فهمیدند که اگر این حرف - یعنی اتحاد مسلمین - پا بگیرد، مسلمانان به پایگاه و مرکز و کانون و امّ القرای اسلام - یعنی ایران اسلامی - متوجه خواهند شد. لذا از اول پیروزی انقلاب، پولهای زیادی از طرف دولتهای مرتجع و وابستگان به استکبار، برای ایجاد اختلاف خرج می‌شود. در کشورهای مختلف، اعم از کشورهای عربی یا اردو زبان و با حتی در خود کشور اسلامی، به طرق نامرئی و با دستهای پنهان، می‌خواهند نگذارند این وحدتی که پیام انقلاب و اسلام است، پا بگیرد. ما می‌گوییم این وحدت را باید مهم شمرد. حرف ما این است.

حرفی شبیه توطئه در مسئله وحدت

البته، بعضی در بیان مطلب اشتباه می‌کنند. وقتی که آنها این حرفها را می‌زنند، شاید خیلی هم ساده نباشد. وقتی می‌خواهند وحدت اسلامی را بیان کنند، می‌گویند که در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنی بود؛ پس شیعه و سنی غلط است! نه، این حرف نادرست و سستی است. بحث سر این نیست که در صدر اسلام، آیا شیعه و سنی وجود داشت یا نه. بالاخره بعد از پیامبر، آرای مسلمین متفاوت شد. یک عده در مسأله‌ی امامت نظری داشتند و عده‌ی نظر متفاوت دیگری داشتند. بعضی منبع احکام الهی را یک چیز و بعضی چیز دیگری دانستند. بنابراین، در اصول و فروع، از همان اول اختلافاتی بین مسلمانان به وجود آمد. این که ما بگوییم در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنی بود، حرف غلطی است. امروز این حرف، در حقیقت به معنای نفی کردن و از بین بردن معارف و فقه و محصول فرهنگی همه‌ی فرق مسلمین است. روی هر چه دست بگذارند، می‌گویند در صدر اسلام نبوده، پس این غلط است! این، خودش حرفی شبیه توطئه است.

دو جریان شیعه و سنی زندگی خود را کنند و باهم دشمنی نکنند

اوایل انقلاب، در ایران هم بعضی آدمهای کج سلیقه یا واقعاً سوء نیت‌دار بودند که از این حرفها می‌زدند. حالا هم در دنیا، بعضی آدمهایی که اصلاً چیزی از اسلام سرشان نمی‌شود، از این حرفها می‌زنند. ما آن مطالب را نمی‌گوییم؛ ما می‌گوییم بالاخره این دو جریان عمده - یعنی تسنن و تشیع - وجود دارد که جریان عمل به فقه اسلام از طریق اهل بیت، تشیع است و جریان عمل به شریعت اسلام از غیر طریق اهل بیت، برادران اهل تسنن پیرو آن هستند. البته، آنها هم اهل بیت را قبول دارند، منتها مثل ما انتهای سلسله را اهل بیت نمی‌دانند؛ بلکه آنها را به عنوان راوی‌یی که ممکن است سخنی را از پیامبر نقل بکنند، ملاک قرار می‌دهند. ما این‌طور معتقد نیستیم. ما هر چه را که اهل بیت رسول اکرم فرمودند، آن را حکم خدا و مثل بیان پیامبر (ص) می‌دانیم. ما آنها را معصوم می‌دانیم. حالا هر کسی مبنایی دارد. ما می‌گوییم این دو جریان که از اوایل اسلام و بعد از رحلت پیامبر (ص) بودند و تا حالا هم هستند، هر کدام زندگی خود را بکنند و با هم دشمنی نکنند.

🌸 امروز نباید آتش افروزی کرد

امروز، پولهای نفت برای نوشتن کتاب ضد شیعه مصرف می‌شود. دلارهای امریکایی برای رد تشیع به کار می‌رود و به زبان عربی و اردو کتاب نوشته و ترجمه می‌شود. اینها، دستهای شیطانند. اینها، انسانهای سالمی نیستند که این چیزها را می‌نویسند. هر جا باشند، همین‌طورند. ما می‌گوییم امروز نباید آتش افروزی کرد. هر کسی عقیده‌ی خود را داشته باشد و آن را اثبات هم بکند. ما نمی‌گوییم وقتی گویندگان مذاهب مختلف اسلامی، بر منابر خود قرار می‌گیرند، استدلال نکنند و عقیده‌ی خود را اثبات نمایند. نه، استدلال و اثبات بکنند، اما اثبات عقیده بحثی است و دشمنی کردن با طرف مقابل و همصدا شدن با استکبار جهانی و نیروها را صرف جنگ داخلی بین مسلمین کردن، بحث دیگری است.

🌸 وحدت مسلمین، یکی از پیام‌های انقلاب

لذا یکی از پیامهای عمده‌ی انقلاب ما، وحدت مسلمین است. ما در همه‌جای دنیای اسلام، این حرف را می‌زنیم و به کسانی که در کشورهای مختلف، همه‌ی همتشان را برای مقابله با انقلاب اسلامی و وارد آوردن تهمت و بستن دروغ به آن یا به رهبر فقید عظیم الشان انقلاب یا نقد آرای ملت مسلمانی که در این جا با همه‌ی وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه می‌کنند، گذاشتند؛ نصیحت می‌کنیم. در همان روزهای جنگ تحمیلی که ملت ما با همه‌ی وجود، فشار امریکا و استکبار را حس می‌کرد و آن را تحمل می‌نمود و زیر بار تحمیل امریکا نمی‌رفت، یک عده قلمها و دستها و حنجره‌های مزدور در دنیا پیدا شدند و شروع به مناقشه و خدشه و اهانت به آراء و عقاید این ملت شجاع و مبارز و قهرمان و ایثارگر و فدایی راه خدا و اسلام کردند. ما می‌گوییم این حنجره‌های ناسالمی که امروز در دنیا علیه انقلاب اسلامی و ملت ایران و مذهب و راه آنها کار می‌کنند و شعار می‌دهند و حرف می‌زنند، مزدورند. البته، ما یکجانبه حرف نمی‌زنیم. ما به همه‌ی مسلمین عالم - هم سنی و هم شیعه - این سفارش را می‌کنیم. داخل کشور خودمان، برادران شیعه و سنی را در کنار هم در نماز جماعت و صحنه‌ی خونین جنگ و عرصه‌ی مبارزات سیاسی و حضور در صحنه‌های گوناگون انقلاب و در انتخابات و در مجلس شورای اسلامی و در همه جا، با یکدیگر دیدیم و می‌بینیم و هستند. آنها با هم مهربانند و مشکلی هم ندارند.

🌸 به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنید

ما به همه می‌گوییم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه‌ی عقیده‌ی بخواد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. بایستی همه با هم کمک کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوء استفاده بکند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه‌ی خوبی دارد و نه با سنی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به

آن کینه می‌ورزد. همان اسلامی که سنی یا شیعه دارد، مبعوض امریکا و مرتجعان است. اختلافات داخلی را برای آن زمانی بگذاریم که از طرف هیچ دشمن جهانی تهدید نشویم. اگر چنین روزی پیش آمد، آن وقت مقابل هم بنشینند و سنگهایشان را با هم حک کنند. امروز، وقت این حرفها نیست. لذا من توصیه می‌کنم هفته‌ی وحدت را - که به مناسبت میلاد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از روز دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول ادامه دارد - همه‌ی آحاد مردم، مخصوصاً علما و فضلا و گویندگان و دانشمندان و افراد صاحب نفوذ گرامی بدارند و این مسأله را به عنوان یک شعار جمهوری اسلامی همیشه نگه دارند.

🔷 شعارهای علیه آمریکا و اسرائیل در حج تفرقه افکن نیست

امروز، این کشورهای مرتجع منطقه، بدطوری به شعارهای تفرقه‌افکن و اختلاف‌انگیز چسبیده‌اند. اگر ملت مادر مراسم حج، علیه امریکا و اسرائیل شعار بدهد، آنها اعتراض می‌کنند و می‌گویند چرا شما در بین مسلمین حرف جدیدی آورده‌اید؟! این را تفرقه‌تلقی می‌کنند؛ در حالی که ایجاد تفرقه نیست، بلکه انجام وظیفه است. مسلمانان دیگر هم باید شعار دادن علیه امریکا و اسرائیل را از ملت ایران یاد بگیرند. پولها، قلمها، امکانات، بلندگوها و عناصر مزدور پست کشورهای مرتجع، مرتب علیه انقلاب و ایران اسلامی و ملت فداکار عمل می‌کنند. این، تفرقه و ایجاد شکاف و اختلاف است. لعنت خدا بر آن دستهایی که به این ترتیب بین مسلمین ایجاد شکاف و اختلاف می‌کنند.

🔷 توصیه ای به ملت برادر پاکستان

ما به همه‌ی مسلمانان و متن ملتها این توصیه را داریم و به ملت برادرمان پاکستان هم مؤکداً این سفارش را می‌کنیم که نگذارند بعضی از روحانی‌نماها و وعاظ وابسته به دربارها و استکبار جهانی، با طرح شعارهای تفرقه‌انگیز که بعضاً مشاهده می‌شود، بین برادران اختلاف بیندازند. جامعه‌ی تشیع در پاکستان، جامعه‌ی مظلوم و بسیارنجیبی است. آنها در جهت تفرقه حرکت نمی‌کنند. رهبرانشان، آنها را به برادری اسلامی توصیه می‌کنند. خداوند شهید بزرگوار مرحوم سید عارف حسین را رحمت کند که در طول مدت مجاهدت و فداکاریش، همیشه مردم را به وحدت و متحد شدن در مقابل استکبار جهانی دعوت می‌کرد و سرانجام، استکبار با ایادی مرموز و پنهانش او را به شهادت رساند. ما از حرکتی که برای محاکمه‌ی متهمان به قتل آن شهید عزیز انجام می‌گیرد، قویاً حمایت می‌کنیم. باید مسأله دنبال بشود و معلوم گردد که چه دستهای مرموز و مزدوری، این سید بزرگوار را به شهادت رساندند. این، حق مردم پاکستان است.



🕌 هفته‌ی وحدت، هفته‌ی حقیقتاً پر محتوا و پر مغز

وحدت را مهم بشمارید و هفته‌ی وحدت را یک هفته‌ی حقیقتاً پر محتوا و پر مغز قرار بدهید. در امور دیگر هم، ما این مسأله‌ی وحدت را مورد تأیید و به‌عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی، مورد تأکید قرار می‌دهیم. وقتی می‌گوییم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی، برای هدفهای اسلامی اتحاد باشد، پس به طریق اولی، قشرهای مختلف مردم فداکار و مبارز ایران، اهل هر شهر و استانی، متکلمان با هر زبان و لهجه‌ی هستند، موظفند وحدت را حفظ کنند.

🕌 حفظ وحدت بر محور اصول انقلاب

مبادا دستهای تفرقه‌افکن و مغرض و یا نادان - که گاهی ضرر آدمهای نادان از آدمهای مغرض کمتر نیست - با حرف و شعار و نطقی، ایجاد اختلاف کنند. مغرض و جاهل، در نتیجه‌ی عمل یکسانند. همه - مخصوصاً کسانی که زبان و حنجره‌شان برای گفتن و حرف زدن باز است - مراقب باشند با هیچ حرکت و اشاره‌ی، موجب اختلاف بین مردم نشوند. همه باید وحدت را بر محور اصول انقلاب و جریان صحیح نظام اسلامی و ولایت فقیه حفظ کنند. این، اساس قضیه است. اگر وحدت با انسجام و استحکامی که تا کنون بوده است، محفوظ بماند، مطمئناً این ملت و کشور به هدفهای انقلاب خواهد رسید.

سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها، علیه وحدت مسلمین

پیامبر^(ص)، بزرگ‌ترین مایه‌ی وحدت در همه‌ی

ادوار اسلامی

کار زیاد بر روی ابعاد شخصیت پیامبر^(ص)

یکی از راه‌های مبارزه با اسلام

بزرگ‌ترین تبلیغ برای اسلام

سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها

علیه وحدت اسلامی

تلاش تمام دستگاههای تبلیغاتی استکبار علیه

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی، محور وحدت اسلامی

مذاهب اختراعی و جعلی ناقض وحدت مسلمین

ایجاد «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه»

وظیفه علما، فقها، متکلمین و فلاسفه‌ی اسلامی

سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها، علیه وحدت مسلمین*

پیامبر (ص)، بزرگ‌ترین مایه‌ی وحدت در همه‌ی ادوار اسلامی

وجود نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، بزرگ‌ترین مایه‌ی وحدت در همه‌ی ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می‌تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و عشق توأم است و لذا آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه‌ی مسلمانهاست و همین محوریت، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمین و نزدیکی فریق اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید.

کار زیاد بر روی ابعاد شخصیت پیامبر (ص)

ابعاد شخصیت نبی اکرم را هیچ انسانی قادر نیست به نحو کامل بیان کند و تصویر نزدیک به واقعی از شخصیت آن بزرگوار ارایه نماید. آنچه ما از برگزیده‌ی پروردگار عالم و سرور پیامبران سراسر تاریخ شناخته و دانسته‌ایم، سایه و شبیحی از وجود معنوی و باطنی و حقیقی آن بزرگوار است؛ اما همین مقدار معرفت هم برای مسلمانان کافی است تا اولاً، حرکت آنها را به سمت کمال تضمین کند و قله‌ی انسانیت و اوج تکامل بشری را در مقابل چشم آنان قرار بدهد و ثانیاً، آنها را به وحدت اسلامی و تجمع حول آن محور تشویق کند. بنابراین، توصیه‌ی ما به همه‌ی مسلمانان عالم این است که روی ابعاد شخصیت پیامبر و زندگی و سیره و اخلاق آن حضرت و تعالیمی که از آن بزرگوار مأثور و منصوص است، کار زیادی بشود.

یکی از راه‌های مبارزه با اسلام

بعد از دوران قرون وسطی که در دنیای مغرب زمین و مسیحیت، تهاجم تبلیغاتی وسیعی نسبت به شخصیت رسول اکرم (ص) انجام گرفت و دشمنان سوگند خورده‌ی اسلام فهمیدند که یکی از راه‌های مبارزه با اسلام این است که چهره‌ی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را مخدوش بکنند و کارهای زیادی هم در این زمینه انجام گرفت، تا امروز که دشمن به نحو مستمر و با شیوه‌های مختلف، روی امحای شخصیت پیامبر از ذهن‌های آزادگان عالم کار کرده است، مردم بسیاری در دنیا هستند که اگر پیامبر اسلام را به همان اندازه‌ی که مسلمانها می‌شناسند یا حتی کمتر از آن بشناسند - یعنی حقیقتاً فقط شبیحی از آن چهره‌ی منور بر دل‌های آنان آشکار بشود - عقیده و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسأله کار کنیم.

بزرگترین تبلیغ برای اسلام

بزرگترین تبلیغ برای اسلام، شاید همین باشد که ما چهره‌ی پیامبر اسلام را برای بینندگان و جویندگان عالم روشن کنیم و بسیار بجاست قبل از آن که دشمنان و مخالفان، با روش‌های و شیوه‌های فرهنگی و هنری پیچیده‌ی خود، چهره‌ی آن بزرگوار را در اذهان مردم بی‌خبر عالم مخدوش کنند، مسلمانان هنرمند و مطلع و وارد به شیوه‌های گوناگون در عالم، با بیان و تبلیغ و تبیین راجع به آن شخصیت معظم و مکرم، کار علمی و فرهنگی و هنری و تبلیغی بکنند. اینها کارهای لازمی است.

شما در همین اواخر ملاحظه کردید که وقتی استکبار جهانی به برکت انقلاب اسلامی، با رشد معنوی اسلام مواجه شد و در جبهه‌ی نظامی و سیاسی نتوانستند انقلاب و جمهوری اسلامی را - که امروز مظهر و نمودار اسلام عملی است - بکوبند و شکست بدهند و خواستند به تهاجم فرهنگی دست بزنند، مزدور خودشان را وادار کردند تا به شخصیت رسول اکرم و نبی معظم اهانت بکند و شیطان صفتی، به دستور شیاطین زر و زور عالم، آن کتاب شیطانی را بنویسد که البته با پاسخ و عکس‌العمل قاطع مسلمین عالم و در مقدم آنان، امام بزرگوار و رهبر عظیم‌الشأن و فقید ما مواجه شدند که به هدر بودن خون آن شیطان صفت و اعدام او حکم کردند.

پس، یک مطلب این است که باید روی معرفی شخصیت رسول اکرم کار کنیم، و نه فقط شخصیت آن بزرگوار به معنای زندگی آن حضرت، بلکه ابعاد گوناگون وجود آن بزرگوار مثل: اخلاقیات و روش حکومت و مردم‌داری و عبادت و سیاست و جهاد و تعلیمات خاص را مورد توجه قرار دهیم. نه فقط هم کتاب بنویسیم، بلکه باید کار هنری و تبلیغی را با شیوه‌های جدید و با استفاده از تکنیک‌های موجود شروع کنیم و نه فقط در جمهوری اسلامی، بلکه در همه‌ی انحاء جهان اسلام، آن را انجام دهیم.

سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها علیه وحدت اسلامی

و اما راجع به مسأله‌ی وحدت مسلمین و هفته‌ی وحدت باید بگویم که اگر وحدت و نزدیکی فَرْقِ اسلامی چیزی است که در خدمت اسلام می‌باشد و اگر قبول داریم که اتحاد مسلمین به حال مسلمین مفید است و در جهت عظمت اسلام می‌باشد، یقیناً باید معتقد باشیم که از سوی دشمنان اسلام، سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها، علیه این وحدت و اتحاد در جریان است. این دو از هم غیرقابل انفکاک است. امروز، هر چیزی که برای اسلام نافعتر است، از نظر دشمنان اسلام مبعوضتر می‌باشد. امروز، هر چیزی که بیشتر در جهت عظمت اسلام باشد، بیشتر هم مورد تهاجم دشمنان اسلام است. این، یک معادله‌ی قطعی است.

شما ببینید که امروز فشار دشمنان اسلام، روی کدام نقطه از دنیای اسلام بیشتر است؟ همان قدرتها و دشمنانی که به بعضی از سلاطین و رؤسای کشورهای مسلمان، دست دوستی و صمیمیت داده‌اند و با همه‌ی وجود از آنها دفاع می‌کنند و پول و سلاح و تجهیزات و تبلیغات را در خدمت آنها قرار داده‌اند، امروز با تمام وجود خود، علیه جمهوری اسلامی و نظام و ایران اسلامی، در حال تلاش و کوششند. چرا؟ چون فهمیده‌اند که در جمهوری اسلامی و نظام ما، عظمت اسلام تضمین و تعقیب خواهد شد.

هر کاری که امروز در خدمت اسلام است، مورد نقیمت دشمنان اسلام می‌باشد. وحدت میان مسلمین، یکی از مصادیق این قاعده‌ی کلی است. اگر حقیقتاً لازم است که مسلمین عالم با یکدیگر اتحاد پیدا نکنند و اگر این اتحاد به حال اسلام و مسلمین مفید است - که ظاهراً در نظر عقلا و مصلحان عالم اسلام، جای شکی در این حرف نیست - پس باید مطمئن بود که امروز توطئه‌ی دشمن علیه این وحدت، از همیشه بیشتر است.

تلاش تمام دستگاههای تبلیغاتی استکبار علیه جمهوری اسلامی

من، به همه‌ی برادران مسلمانی که در سراسر عالم هستند، توجه و تذکر می‌دهم که تبلیغات استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی را که از طریق خبر گزاریه‌ها و مطبوعات و رادیوها و اظهارات رسمی سیاسیون منتشر می‌شود، با این منطق و قاعده‌ی کلی بسنجند و معنا کنند که تمام دستگاههای تبلیغاتی استکبار و در رأس آنها امریکا، امروز بسیج شده‌اند تا جمهوری اسلامی و ایران و ملت اسلام را برخلاف آنچه که هست، در چشم مردم عالم معرفی کنند و نشان بدهند. این، مسأله‌ی بسیار مهمی است.

جمهوری اسلامی، محور وحدت اسلامی

امروز، پولهای دستگاه استکبار و ایادی آنها، در دنیا و بیشتر از همه در دنیای اسلام، برای ایجاد تفرقه بین مسلمین خرج می‌شود تا اگر بتوانند - که نخواهند توانست - بین ایران اسلامی و مسلمانان عالم، اختلاف ایجاد کنند و فاصله بیندازند. جنگ دشمن ساخته‌ی شیعه و سنی، به برکت انقلاب اسلامی بحمدالله رو به

خمود و خاموشی رفت و برادران شیعه و سنی در میدانهای مختلف در کنار هم قرار گرفتند و به یکدیگر کمک کردند و برادروار با هم حرکت کردند - که حق هم همین بود - ولی امروز تبلیغات جهانی سعی می کند باز هم این شعله را مشتعلتر و این آتش را برافروخته تر کند و این اختلاف را که رو به از بین رفتن است، دوباره زنده نماید. چرا؟ چون می دانند که امروز وحدت اسلامی - یعنی تجمع مسلمین - حول محور ایران اسلامی است. می دانند که دلهای مسلمین، امروز به امّ القرای اسلام - یعنی ایران اسلامی - متوجه است. می دانند که امروز در دنیای اسلام و در سراسر عالم، آن جایی که قرآن رسماً و عملاً حاکمیت دارد، ایران اسلامی است.

ایران، مثل بسیاری از کشورهای مسلمان نام نیست که علی الظاهر یک کشور اسلامی باشد و سران و رهبران آن دم از اسلام بزنند، اما عمل خود آن سران، بیشتر از همه‌ی آحاد مردم یا اکثر آنها، از اسلام دور و بیگانه باشد. در این جا، کسانی که در رأس امور هستند، شرط قبول و تحمل مسؤولیت برای آنها، ایمان و تقواست. این جا، مثل بعضی از دیگر کشورهای اسلامی نیست که مسؤولان و رهبران، فسق و فجور کنند و محرّمات کبیره را - که قرآن ناطق به حرمت آنهاست - عملاً انجام بدهند و شرب خمر و تجاوز و تعدی از حدود الهی بکنند و نوکری دشمنان خدا و دشمنی با بندگان صالح او بکنند و بر مؤمنین و متقین و علما فشار وارد آورند و در عین حال، نام خودشان را مسلمان بگذارند.

تنها نقطه‌ی در عالم اسلام که مسؤولان کشور و اداره کنندگان و مدیران، باید از نظر مردم به تقوا و ایمان و تعبد شناخته شده باشند، ایران اسلامی است. این را مردم دنیا می بینند و حس می کنند که بقیه‌ی کشورها، ادعای اسلام می کنند و زمامدارانشان فستاق و فجاری در رأس امور قرار می دهند و مردم مسلمان هم مشاهده و تحمل می کنند و چاره‌ی هم ندارند.

شما بعضی از کشورهای اسلامی مدعی اسلامیت و ترویج اسلام را ببینید؛ بعضیها آن قدر پُرو و وقیح هستند که خودشان را بانی و صاحب و مروّج اسلام هم به حساب می آورند و معرفی می کنند در عین حال که کپسول فساد و انحطاط و منشأ محرّمات و گناهان کبیره هستند!! این را مردم دنیا می بینند. مسلمانانی که بصیرند، اینها را می فهمند و می دانند که در این صورت، اگر پرچم وحدت اسلامی بلند شد، دلهای مسلمانان به طور قهری به آن جایی متوجه خواهد شد که حقیقتاً اسلام حاکم است و ملاکها و معیارها از اسلام گرفته شده و ملاک حاکمیت و مدیریت و مسؤولیت، مسلمان بودن است و این آیه‌ی شریفه که: «الذین ان مکتاهم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر» صادق است. مردم دنیا، این را می بینند و دلهاشان متوجه ایران اسلامی خواهد شد.

مذاهب اختراعی و جعلی ناقض وحدت مسلمین

لذا امروز، تمام تشکیلات تبلیغاتی وابسته به استعمار و استکبار و ایادی آنها در همین منطقه‌ی اسلامی، دست به دست هم داده‌اند تا با تبلیغات مضر، وحدتی را که مورد نظر اسلام است و نظام اسلامی



کمر بسته‌ی آن می‌باشد، بشکنند. علمای اسلام باید مواظب باشند. مراقب این مذاهب اختراعی و جعلی - که نقض وحدت است - باشید. مواظب این دلارهای نفتی که برای ایجاد تفرقه به کار می‌رود، باشید. مواظب این دستهای پلید و مزدور که سعی می‌کنند «عروۃ‌الوثقی»ی وحدت بین مسلمین را بگسلند و پاره کنند، باشید. با اینها برخورد کنید. این، لازمه‌ی علاقه به وحدت و پیمودن راه وحدت اسلامی است. بدون این، ممکن نیست.

🏠 ایجاد «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه»

ما در مسأله‌ی وحدت، جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده‌ایم. اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرّق‌گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول این که فرّق‌گوناگون اسلامی (فرّق سنی و فرّق شیعه) - که هر کدام فرّق مختلف کلامی و فقهی دارند - حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم این که فرّق‌گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را باهم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقه‌ها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود.

لذا ما جداً علاقه‌مند هستیم که «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را ایجاد کنیم. ما مایلیم این کار انجام بگیرد. البته، در گذشته این کار شروع شده و تلاشهای مخلصانه‌ی هم داشته؛ اما اکنون مدت مدیدی است که ما حرکت حقیقی‌یی مشاهده نمی‌کنیم. احساس می‌کنیم که این کار باید انجام بگیرد و مردم مخلص و مؤمن و شخصیت‌های عالمی از همه‌ی دنیای اسلام همکاری کنند. ما آماده هستیم و مایلیم که میزبان این مجموعه باشیم و زحمات و خدمت‌های این کار را برعهده بگیریم.

🏠 وظیفه علما، فقه‌ها، متکلمین و فلاسفه‌ی اسلامی

علمای اسلامی باید کوشش کنند. فقه‌ها و متکلمین و فلاسفه‌ی اسلامی بنشینند آراء را با یکدیگر تطبیق کنند و آنها را در مجموعه‌هایی جمع نمایند تا نظرات فرّق مختلف اسلامی در مجموعه‌ی واحد و با نگاه مساعد به یکدیگر، در اختیار همه‌ی مسلمین قرار بگیرد. این، از جمله کارهای بسیار لازم و ضروری است و امیدواریم که همّت صاحب همتان، این کار را به انجام برساند.

سخت‌ترین تلاشها و پیچیده‌ترین توطئه‌ها، علیه...

اهمیت و تاریخ تقریب اسلامی

- ❁ بسته شدن نطفه اصلی هفته وحدت در قبل از انقلاب
- ❁ مسأله وحدت، مسأله ای حیاتی
- ❁ تلاش استکبار برای ایجاد اختلاف
- ❁ افزایش شدت اختلاف افکنی بعد از انقلاب
- ❁ یکی از راههای مبارزه دشمن با وحدت اسلامی
- ❁ مسئولیت سنگین علمای اهل سنت
- ❁ دو وظیفه علمای اهل سنت:
- ❁ ۱- تقویت و تبیین و تشریح هر چه بیشتر اسلام برای مردم خود
- ❁ ۲- تأکید روز افزون بر مسأله ای وحدت
- ❁ صرف نظر از گذشته برای رسیدن به وحدت
- ❁ تشکیل پایه های اصلی دارالتقريب توسط علمای شیعه و سنی
- ❁ توجه مردم به عاملان شکننده وحدت
- ❁ یک میزان برای شناخت دشمنان و دوستان وحدت
- ❁ مبنای وهابیت، ایجاد اختلاف میان مسلمانان

اهمیت و تاریخ تقریب اسلامی*

بسته شدن نطفه اصلی هفته وحدت در قبل از انقلاب

ما با بعضی از شما سوابق دوستی زیادی هم داریم و از سالهای قبل، با هم نشستیم و برخاستیم و درباره‌ی مسایل دنیای اسلام بحث کردیم. بد نیست این نکته را در این جا بگویم که نطفه‌ی اصلی هفته‌ی وحدت - که حالا بحمدالله سالهاست تشکیل می‌شود - قبل از پیروزی انقلاب شکل گرفت. ما در سال ۵۷ قبل از پیروزی انقلاب، با این آقای مولوی قمرالدین در ایرانشهر مذاکره کردیم که بیاییم یک عید دو طرفه داشته باشیم و از دوازدهم تا هفدهم ربیع را جشن بگیریم. مذاکره‌اش در آن وقت انجام شد که اتفاقاً همان روزها هم بود که در ایرانشهر سیل آمد و جشن و همه چیز ما را برد. البته، آن سیل هم یکی از الطاف خفیه‌ی الهی بود و ما را با وضع زندگی مردم بیشتر آشنا کرد. داخل کپر‌ها و خانه‌ها رفتیم و وضع زندگی مردم را از نزدیک دیدیم. قبل از آن، چند ماه در ایرانشهر بودیم؛ اما ظاهر قضیه را می‌دیدیم. مردم، ما را نمی‌شناختند و ما هم مردم را نمی‌شناختیم. بعد که سیل آمد، هم ما مردم را شناختیم و هم مردم قدری با ما آشنا شدند.

مسأله وحدت، مسأله‌ی حیاتی

این مسأله‌ی وحدت که در این دیدار صمیمی و دوستانه می‌خواهم بیشتر از همه روی آن تأکید کنم، یک مسأله‌ی حیاتی است. نه این که بگوییم برای جمهوری اسلامی حیاتی است - البته اهمیتش برای جمهوری اسلامی جای شک نیست - اما حقیقتاً برای اسلام و دنیای اسلام حیاتی است. شما ملاحظه

کنید، امروز دنیا به سمت بلوک‌بندی می‌رود؛ یعنی هر چند کشور در گوشه‌یی، به ادنی مناسبتی با هم اتحاد و اتفاق پیدا می‌کنند. مثلاً کشورهای عضو پیمان آ.سه. آن در شرق آسیا، جامعه‌ی مشترک اروپا، اتحاد ورشو (تا وقتی که اروپای شرقی قبل از حوادث اخیر هویتی داشت)، اتحاد کشورهای حول و حوش خلیج مکزیک، سازمان ملل، غیرمتعهدها و تمام این واحدهای پراکنده در همه‌ی دنیا، به واحدهای پیوسته تبدیل می‌شوند. علت هم این است که در این دنیا می‌فهمند که هر واحدی، به تنهایی قادر بر تأمین نیازهای خودش - از جمله نیاز دفاع از خود - نیست و باید با هم دست به یکی کنند.

🌸 تلاش استکبار برای ایجاد اختلاف

در عین این که دولتها و قدرتها و اداره‌کنندگان جهان، برای مصالح دولتها و مسایل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، تمام تلاشهای استکبار در جهت تضعیف ملت‌ها و بخصوص ملت اسلام و ایجاد اختلاف بین اینها به کار می‌رود. شیعه و سنی که مسأله‌ی امروز نیست؛ قرن‌هاست که در اسلام، شیعه و سنی‌یی وجود دارد. در خود مذهب سنی، اشعری و معتزلی و مذاهب مختلف وجود دارد. در شیعه، شش امامی و دوازده امامی و اخباری و اصولی وجود دارد. همان دسته‌بندی‌هایی که در تسنن هست، همانها در تشیع هم وجود دارد. انواع و اقسام دسته‌بندیها و فرقه‌بندیها، یا بر اثر سوء سیاست و یا بر اثر سوء فهم و یا با دست مغرض و یا بر اثر جهالت به وجود آمده است. اینها که جدید نیست؛ اما شما ببینید که امروز در دنیای اسلام، علیه وحدت مسلمین چه قدر تلاش می‌شود.

همین الان من در کتابخانه‌ی خودم، یک قفسه از کتابهایی که با چاپهای اعلا و با اسمهای محترم مثلاً استاد فلان دانشگاه، در پنج شش سال اخیر در نهایت تلاش و لجاجت علیه شیعه نوشته شده است، دارم. نقطه‌ی مقابلش هم از این طرف شده است. شاید بعضی از آقایانی که با من سوابق نشست و برخاست دارند، می‌دانند که من هیچ بنا ندارم که در قضایا، یک طرفه قضاوت کنم. اینها علیه آنها و آنها علیه اینها می‌نویسند که هیچ کدامش هم سالم نیست.

وقتی بعضی از پدیده‌های داخل شیعه را که چیزهایی در آن بود و گزنده می‌نمود، تعقیب می‌کنیم، به جاهای مشکوک می‌رسیم و کاملاً روشن است که به نقاط مشکوک ارتباط پیدا می‌کند. در سنی هم همین طور است. در همین علمای بلوچستان، زیدی یک مقدار کارهایی می‌کرد که وقتی بعداً تحقیق کردیم، به یک جاهای مشکوک و وابسته رسید. بنابراین، می‌بینید که دستهای استکبار و استعمار و سیاستهای جهانی تلاش می‌کنند که در بین جامعه‌ی مسلمین اختلاف بیندازند.

🌸 افزایش شدت اختلاف افکنی بعد از انقلاب

البته بعد از پیروزی انقلاب، اختلاف افکنی شدت پیدا کرده است؛ چون از انقلاب اسلامی و حیات مجدد اسلام می‌ترسند. اسلام قوی است. قوت و معنویت اسلام آن چنان است که اگر به شرایطش عمل بشود

و واقعاً اسلام پیاده گردد، قدرتهای دنیا و تختها را می لرزاند. آنها از این می ترسند و به همین خاطر نمی خواهند بگذارند قوت و معنویت اسلام زنده بشود. می بینند که در این کشور، اسلام حیات پیدا کرده است و ما مجدداً به مبانی و احکام اسلامی برگشته ایم و زندگیمان را اسلامی می کنیم. آنها از این می ترسند و می خواهند که نباشد.

یکی از راههای مبارزه دشمن با وحدت اسلامی

یکی از طرق مبارزه با این پدیده‌ی که برای آنها به شدت ترسناک می باشد، همین است که این جا را از بقیه‌ی مسلمانان غیر شیعی دنیا ایزوله کنند و انقلاب ما را به عنوان یک انقلاب شیعی وانمود نمایند و دعوی بین شیعه و سنی را هم تقویت کنند تا نتیجه این بشود که مسلمانان دنیا که امروز به نام ما شعار می دهند، آن را متوقف کنند. آقای مولوی مدنی، در بعضی از کشورهایی که ما رفتیم، تشریف داشتند و می دانند که وقتی مسلمان فلان کشور می بیند رئیس یک کشور اسلامی آمده است، اصلاً یادش نیست که این شخص شیعه یا سنی است. فقط یادش است که این شخص، مسلمان است. به همین خاطر، احساس عزت می کند و شعار می دهد. می خواهند این را که مسلمانان دنیا به نام اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شعار می دهند، متوقف کنند و یا از بین ببرند. چه چیزی بهتر از این که بگویند شما از انقلاب اسلامی ایران جدا هستید. او یک چیز دیگر است و شما یک چیز دیگر هستید!

او که با اصل اسلام دشمن است، در خصوصت، برایش شیعه و سنی فرقی نمی کند. دیدیم که استکبار چگونه روی انقلابیون سنی در فلسطین و مصر فشار می آورد. اینها که شیعه‌ی دوازده امامی نیستند. همه‌ی اینها برادران اهل سنت ما هستند. می بینید که چه فشاری روی اینها می آورند. برای استکبار که فرقی نمی کند. اما او که با اسلام و شعب اسلام و ملت اسلام - از هر شکلش - مخالف است، حالا در موضع یکی از این فرقه‌ها قرار می گیرد و علیه یک فرقه‌ی دیگر تلاش می نماید و پول خرج می کند. ما باید هوشیار باشیم.

مسئولیت سنگین علمای اهل سنت

برادران! از دشمن، انتظار دوستی نیست. دشمن، دشمن است. دوست است که باید چشمش را باز کند و آگاه باشد. به نظر من، شما علمای اهل سنت، امروز مسئولیت سنگین و زیادی دارید. آن مسئولیت این است که در حیطه‌ی زندگی و در آن بلدی که شما زندگی می کنید، خدای متعال مقرر کرده است که حاکمی به سبک اسلام در آن جا باشد. قبلاً این طور نبوده که حاکمی بر مبنای دین انتخاب شود؛ ولی الان در کشور ما این گونه است. آن چیزی را که انتخاب می کنند، بر مبنای دین انتخاب می کنند؛ نه بر مبنای امور دیگر. کشور ما کشوری است که در آن، احکام بر مبنای قرآن انتخاب می شود. آقایان نمایندگانی که در مجلس تشریف دارند، این موارد را می بینند. اگر چنانچه حکمی در آن جا بیاید که بر

خلاف احکام اسلام باشد، رد می‌شود؛ بروبرگرد هم ندارد. هر چه بر خلاف فقه باشد، «فاطر حوه علی الجدار» می‌شود؛ ولو تصویب هم شده باشد.

شما در کشوری زندگی می‌کنید که اراده‌اش بر این است که به شؤون صدر اسلام و به همان صفا و بساطت و عدالت و قاطعیت در راه دین و به همان خصوصیات «اذلّة علی المؤمنین اعزّة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله»^۱ و از این قبیل مشخصات و ممیزات برگردد. کشوری که می‌تواند ان شاء الله قاعده‌یی برای تجدید حیات اسلام بشود. چنین فضایی، خیلی مهم است و زندگی در این محیط و فضا، خیلی مسؤولیت دارد.

🕌 دو وظیفه علمای اهل سنت:

🕌 ۱- تقویت و تبیین و تشریح هر چه بیشتر اسلام برای مردم خود

به نظر من، دو امر را شما آقایان اهمیت بدهید: امر اول، عبارت از تقویت و تبیین و تشریح هر چه بیشتر اسلام برای مردم خودتان است؛ همان که از شما حرف می‌شنود و استفسار می‌کند. مردم را با احکام دین آشنا کنید و دین هم از سیاست جدا نیست. یکی از احکام دین، احکام اداره‌ی امور کشور و احکام سلطانیه است. در فقه، بابی است که ابواب احکام سلطانیه است. پس، احکام سلطانیه هم از دین است. کسانی که اینها را از هم جدا می‌کنند، دشمن دین و غارتگر میدان سیاستند.

توجه کنید که به امور تکراری و سطحی و برای مردم عادی شده، اکتفا نکنید. خیر، از توحید و نبوت و حکومت و اعتقادات و جهاد اسلام، از تعلیم و تربیت در اسلام، از رشد استعدادها در مسلمین، از سابقه‌ی اسلام که چه حکومتی در دنیا داشت، برای مردم بگویید و آنها را نسبت به اسلام حالت اعتزاز ببخشید تا هر کسی - بخصوص جوان - احساس اعتزاز کند که مسلمان است. یک وقت بود که تفکر کمونیستی شایع بود؛ ولی حالا که دیگر به خودی خود این تفکر بر افتاده است و کذب و غلطش ثابت شده و بحمدالله آن «کفی الله المؤمنین القتال»^۲ در مقابله با کمونیسم، برتری خود را به اثبات رسانده است. البته، راه شکوک بر ذهنها بسته نیست؛ بایستی شکوک را از ذهنها زدود.

🕌 ۲- تأکید روز افزون بر مسأله‌ی وحدت

امر دوم، تأکید روز افزون بر مسأله‌ی وحدت است. سالها پیش از انقلاب که با بعضی از برادران اهل سنت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه این که شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگری هم مسلمان است و

حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به همین ترتیب عمل نماید. من می‌گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این‌طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد.

🏠 صرف نظر از گذشته برای رسیدن به وحدت

اگر کسی مخلصاً لله احساس می‌کند که باید امروز بین برادران، برادری واقعی و عملی باشد، باید کوشش کند که گذشته را به یادها نیاورد؛ و الا او می‌رود کتاب «احقاق الحق» را می‌آورد و به رخ این می‌کشد و این هم می‌رود کتاب «تحفه‌انسی عشریه» را می‌آورد و به رخ آن می‌کشد! هر دو هم به قدر کافی کتاب پُر از طعن و دفع علیه همدیگر نوشته‌اند! اگر ما بخواهیم گذشته را مطرح کنیم، نمی‌شود به وحدت رسید. باید نگاه کنیم، بگوییم: گذشته، گذشته است. «رحم الله معشر الماضین». ما کاری به کار آنها نداریم. اگر آنها هر کاری کرده‌اند، ما امروز می‌خواهیم تکلیف خودمان را - بیننا و بین الله - نگاه کنیم. بیننا و بین الله، امروز ما باید با همدیگر توحید کلمه و رفاقت و برادری داشته باشیم. اگر بخواهیم این را عمل بکنیم، باید از گذشته صرف نظر کنیم.

🏠 تشکیل پایه‌های اصلی دارالتقرب توسط علمای شیعه و سنی

این دارالتقرب هم که ما مطرح کردیم، برای این است. دارالتقربیی که در مصر بود، از نظر ما عزیز و بسیار محترم بود؛ الان هم محترم است. متأسفانه نمی‌گذارند و نگذاشتند کار کند. فقط در یک برهه از زمان که مجلات «رساله‌الاسلام» منتشر می‌شد و مرحوم «شلتوت» و «شیخ سلیم» و رؤسای شریف از هر حیات داشتند، دارالتقرب خوب حرکت می‌کرد. مرحوم «آیه‌الله بروجردی» که مرجع تقلید ما بود، پشتیبان دارالتقرب مصر بود. رئیس ازهر، اول «شیخ سلیم» بود که پایه‌گذار و در حقیقت زمینه‌ساز دارالتقرب بود و بعد مرحوم «شیخ محمود شلتوت» رئیس ازهر شد که مفتی دیار مصریه بود. او هم خودش رئیس این دارالتقرب بود. اینها پشتیبان تقرب بودند. اینها که از طرفین رفتند، نه در تشیع و نه در تسنن، دیگر آن عالمی که روی این مسأله خیلی پافشاری کند، دیده نشد. البته، بعد از مرحوم «آیه‌الله بروجردی» آقایان علمایی بودند. نه این که قبول نداشته باشند؛ همه معتقد بودند، لیکن آن انگیزه‌یی را که مرحوم «آیه‌الله بروجردی» روی مسأله‌ی تقرب داشت، آنها نداشتند. در بین تسنن هم همین‌طور بود. بعضی از آنها به مشهد آمده بودند و من بعضی از آقایان بعد از مرحوم «شلتوت» را دیده بودم. علمای ازهر به ایران می‌آمدند و با علمای شیعه هم تماس می‌گرفتند؛ لیکن آن انگیزه‌ی فعال و جوشانی را که دنبال این قضیه بودند، نداشتند؛ لذا «دارالتقرب»، اسم بی‌مسمایی شده بود.

ما که نمی‌توانیم منتظر بنشینیم که در قاهره یا در فلان شهر دیگر دنیای اسلام، یک وقت یک نفر به فکر تقرب بیفتد. خودمان بایستی این دارالتقرب را به وجود آوریم؛ البته بر مبنای هماهنگی و همکاری فکری و فقهی با هر مرکزی که در دنیا برای تقرب وجود داشته باشد. یعنی در این جا، بایستی کسانی از علمای ایران - چه اهل سنت و چه شیعه - پایه‌های اصلی این دارالتقرب را تشکیل بدهند. ما بحمدالله در این جا علمای خوبی از برادران اهل سنت - چه علمای حنفیه و چه علمای شافعی - داریم که فاضل و عالم و فقیه‌اند. ما با اینها صحبت کرده‌ایم. اینها با مسایل اسلامی و قرآنی آشنا هستند و می‌دانیم که وارد و مطلعند. ما هم اینها و هم علمای شیعه را - که بزرگانشان در این جا هستند - قاعده‌ی کار قرار می‌دهیم و بنا داریم که از علمای دنیای اسلام - اعم از شیعه و سنی - دعوت کنیم که هر کس خواست، همکاری کند. الان هم برادران ما در این جا، برای این کار تمهید مقدمات می‌کنند. هر کس هم در این زمینه پیشنهادی داشته باشد، آن را به آقایانی که در این جا هستند، بدهد تا ان شاءالله در تنظیم و ترتیب این کار، کاملاً جدیت و کوشایی بخرج داده شود و نظرات آقایان دخالت داده شود.

توجه مردم به عاملان شکننده وحدت

مردم را به دستهایی که امروز وحدت را می‌شکنند، توجه بدهید. با مردم هم صریح حرف بزنید. امروز، آن دستی که امریکا علیه وحدت تجهیز کرده، عبارت از همین دست پلید و هابیت است. این را صریح به مردم بیان کنید؛ پرده‌پوشی نکنید. از اول، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی - مثل اسرائیل - در بین جامعه‌ی مسلمانها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای این که پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت وهابیت و این رؤسای نجد را به وجود آوردند تا داخل جامعه‌ی اسلامی، مرکز امنی داشته باشند که به خودشان وابسته باشد و می‌بینید هم که وابسته‌اند.

یک میزان برای شناخت دشمنان و دوستان وحدت

الان این سلاطینی که در بقعة الاسلام وهابی هستند، از این که به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاستهای دشمنان اسلام - یعنی امریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی‌دارند. اگر کسی بگوید شما با امریکا مخالفید، بدشان می‌آید! اگر کسی بگوید شما با امریکا موافق و همدستید، بدشان نمی‌آید! این، درست یک میزان و ملاک و معیار است. شما باید مسلمان و حاکم اسلامی واقعی را هم از این جا بشناسید.

آن که با دشمنان اسلام دشمن است، او در خط اسلام است و آن که با دشمنان اسلام دوست می‌باشد و مباحی به این دوستی است، او در خط کفر است. دوستی او به معنای همپیمانی و وابستگی و به معنای این که منافع او را در حد «اشدرعاية» رعایت کند، است. وقتی که در کشور و شهر او بگویند: «مرگ بر امریکا»، او بدش بیاید! یک وقت، مردم خودش می‌گویند: «مرگ بر امریکا»، که ممکن است امریکاییها

بگویند چرا مردم خودت این شعار را می دهند؟ اما یک وقت، میهمانان یا مسافرانی از جای دیگر به این جا آمده اند و می گویند: «مرگ بر امریکا»؛ تو چرا سینه سپر می کنی؟! این نیست، مگر همکاری و همراهی شدید با دشمن خدا و اسلام. این، همان ریشه‌ی وهابیت است که امروز ثمره‌ی پلید و خبیثه‌ی خودش را نشان می دهد.

🕌 مبنای وهابیت، ایجاد اختلاف میان مسلمانان

وهابیت، بر مبنای ایجاد اختلاف بین مسلمین به وجود آمده است. همین الان ما اطلاع داریم و می شناسیم که علمای حنابله‌ی غیر وهابی در عربستان سعودی، دلشان از این وهابیه‌ها خون است. اینها حنابله‌ی هستند که وهابی نشدند. فقه، همان فقه و مبنای فقهی، همان مبنای فقه حنبلی است؛ اما موازین و اصول وهابیت را قبول نکردند. اینها غالباً هم مطرودند؛ یعنی عموماً این افراد، داخل در حکومت هم نیستند. نه افتاب‌ی، نه امامتی و نه هیچ منصب دیگر هم در اختیارشان قرار نمی گیرد. تعداد این افراد هم زیاد است.

اینها در ولادت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مولودیه می خوانند. در نظر سعودیه‌ها، خواندن مولودیه و امثال آن حرام است! نباید به پیامبر (ص) «سیدنا رسول الله» گفت! نباید قبر پیامبر (ص) را بوسید؛ چون حرام است! چرا اینها در شبهای میلاد پیامبر (ص) در خانه‌های خود - حتی در مکه و بعضی جاهای دیگر - مخفیانه مولودیه می خوانند؟ طبیعی است که این حکومت، دشمن اسلام است. الان هم در هر جای دنیای اسلام که نگاه کنید، با پول بی حسابی که در اختیارشان است، مسجدسازی و مدرسه‌سازی و کتابخانه‌سازی و کارهای فریبنده‌ی دیگر می کنند. پول هم که چشم افراد را می گیرد. آنها با این کارها وارد می شوند و در طریق اهداف سیاسی خود استفاده می کنند که البته این، خیانت قطعی است و اگر کسی چنین حرکتی بکند، قطعاً خیانت کرده است و حتماً بایستی با او به عنوان یک خائن برخورد کرد. مردم را نسبت به این قضیه آشنا و متوجه کنید.

وحدت امت اسلام هدف استراتژیک جمهوری اسلامی

هدف از شعار وحدت مسلمین

خسارتی بزرگ در شعار درست وحدت مسلمین

شعار وحدت شیعی

ایران مرکز شیعه در دنیا

دو نکته مهم در اجتماع تشیع:

۱- مد نظر داشتن هدف اصلی

۲- نقض نشدن مسأله وحدت اسلامی

شیعه یکی از طرفهای مسأله وحدت

تذکر خطرات تفرقه در کنفرانسها

داشتن حرف حساب در سمینارها

ایران محل انجام کارهای فقهی

وحدت امت اسلام هدف استراتژیک جمهوری اسلامی*

هدف از شعار وحدت مسلمین

اولاً از آقایان که زحمت کشیدند و با این که ماه رمضان است، این جلسه را تشکیل دادند - مخصوصاً از جناب آقای مسعودی که قاعدتاً از قم تشریف آورده‌اند - خیلی متشکرم؛ همچنان که به خاطر قبول مسؤولیت در بخش‌های مختلف این کار دسته‌جمعی تشکر می‌کنم. ثانیاً هدف از این حرکت باید همیشه به‌طور دقیق در مقابل چشم باشد؛ و الاً ممکن است خدای نکرده تصمیمی بگیریم، چیزی را اضافه یا کم کنیم که اصل هدف را خراب کند.

البته این فکر را دوستان متعددی در طول زمان با من مطرح کردند؛ بخصوص بعضی از آنان روی این قضیه خیلی هم تأکید می‌کردند. از مدتها پیش این معنا در ذهنم آمده بود و قصد داشتم که آن وقتها خدمت امام هم مطرح کنم و می‌دانستم که ایشان هم این‌طور کارها را می‌پسندند.

هدف از این کار آن است که با شعار وحدت مسلمین، که شعار درست و ضروری‌یی هم است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسأله‌ی استراتژیک می‌دانم - یک مسأله‌ی تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیر شیعه ارتباط داشته باشیم - مسلمانان، بتدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌یی را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه‌ی صحیح، مسأله‌ی وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسأله‌ی اساسی قرار داده‌ایم. امام بارها فرمودند، ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی نیز بر این اساس برنامه‌ریزی و طراحی و تلاش کردند و ماها هم سخنرانی کردیم.

❁ خسارتی بزرگ در شعار درست وحدت مسلمین

این کار درست و دسته‌جمعی موجب شد که ما از یک چیز واضح غفلت کنیم و آن، این است که شیعه را - که در دنیا جمعیت عظیمی هستند و در امور سیاسی و اجتماعی مناطقی از عالم تأثیر دارند و خودشان را به جمهوری اسلامی و به ایران شیعی متصل می‌دانند - بتدریج با خودمان بیگانه کنیم. یعنی کسانی در دنیا پیدا می‌شوند که به نام شیعه و به‌عنوان داعیه و مرکزیت شیعه حرف بزنند و کسانی از ضعاف هم به آنها توجه کنند؛ این خسارت است.

مرکز شیعه این جاست. علم شیعه، فقه شیعه، معارف شیعه، علمای شیعه، و حالا که بحمدالله حکومت شیعه و این سیاست به این عظمت و این قدرت هم در این جاست - یعنی اقلیت قطعی شیعه - آن وقت در عین حال افراد و یا احیاناً سازمانهای کوچکی در گوشه و کنار عالم پیدا بشوند و به نام شیعه حرف بزنند و قبض و بسط کنند و به خیال خودشان از حقوق ضایع شده‌یی که آنها ادعا می‌کنند، دفاع کنند و تصور برود که در منظر و مرئای جمهوری اسلامی، این حقوق ضایع می‌شود. اگر چنین تصور و توهمی بشود، اصلاً خسارت بزرگی است.

❁ شعار وحدت شیعی

ما وظیفه داریم در کنار آن شعار و عمل به وحدت - که یک برنامه و یک عمل قطعی است - شیعه را در همه جای عالم، به‌عنوان یک مجموعه‌ی متصل و ملحق به جمهوری اسلامی جمع کنیم. وقتی که ما شعار وحدت اسلامی می‌دهیم، چرا شعار وحدت شیعی ندهیم و در داخل شیعه، به فکر ایجاد یک وحدت نباشیم؟

البته شیعه در نگاه وسیعتر، شیعه‌ی اثنی‌عشری، شیعه‌ی زیدی و شیعه‌ی اسماعیلی را شامل می‌شود که اینها در دنیا هستند و مشترکات زیاد و تأثیرات سیاسی هم دارند؛ ولی متفرقند. البته در بین آنان، آدمهای ناباب و بد نیز هستند؛ کمالین که در داخل جمهوری اسلامی هم که افراد شیعه‌ی دوازده امامی خاص و خالصی زندگی می‌کنند، آدمهای بدی هم وجود دارند که با انقلاب و نظام و سیاست بدند؛ اما با دشمن اسلام خوبند! چنین کسانی، هر جا و هر طور باشند، از ما نیستند. آن بحث دیگری است.

❁ ایران مرکز شیعه در دنیا

لیکن شیعه در دنیا باید مرکزیت خودش را پیدا کند. الان در هند و پاکستان و کشورهای عربی، میلیونها شیعه وجود دارد و غالباً اقلیتهایی هستند که به آنان فشار می‌آید؛ چه آن جاهایی که مسلمین در فشارند، چه آن جاهایی که حتی مسلمین در فشار نیستند، اما آنان در فشارند. بنابراین، جایی لازم است که از آنها حمایت بکنند و آن، این جاست. ما اگر بخواهیم این مرکزیت را تثبیت و تحکیم بکنیم، باید با شیعه‌ی دنیا تعارف داشته باشیم، آنان را بشناسیم، بیایند، بروند و بدانند که با جایی ارتباط دارند. ما از اوایل انقلاب،

حتماً از این کار غفلت داشتیم. این کاری که الان انجام می‌گیرد، کاری است که خیلی دیر دارد انجام می‌گیرد.

پس، ما هدف جمع و اجتماع و جذب داریم؛ اما هدف دفع و پراکندن بیش از آنچه که هست، نداریم. هر برنامه‌یی که انجام می‌گیرد، بایستی به‌طور کامل، یا نزدیک به کامل و به شکل متکامل، این اهداف را تضمین کند. یعنی اگر ما اجتماعی درست می‌کنیم، بایستی این اجتماع موجب بشود که جذب گردند؛ نه این که گروه‌هایی از شیعه دفع بشوند، تبعیضی بشود، بی‌اعتنایی و تحقیری صورت گیرد و خدای نکرده تفکر و حرف ضعیفی مطرح بشود و احساس کنند که در این جا عمق نیست؛ در حالی که عمیقترین معارف اسلامی - نه فقط معارف شیعی - در ایران است.

🔗 دو نکته مهم در اجتماع تشیع:

🔗 ۱- مد نظر داشتن هدف اصلی

شاید برادران به این نکته توجه داشته باشند، آنچه که الان متفکران ایرانی در باب مسایل اسلامی بحث کرده‌اند - معارف کلی اسلامی، مثل تفکرات مرحوم شهید مطهری - به مراتب عمیقتر و قویتر است از آنچه که متفکران روشنفکر معروف دنیا، از اخوان المسلمین، سید قطب، رشید رضا، عبده و دیگران مطرح کرده‌اند. تفکرات مرحوم طباطبایی و مرحوم مطهری - این متفکران شیعه - در زمینه‌های اجتماعی و مباحث عمومی اسلام، عمیقتر از همه است؛ مباحث تخصصی، مثل فقه و عرفان و فلسفه و اینها که جای خود دارد. نباید این گونه باشد که ما در باب مسایل شیعه، ناگهان بحثی را ارایه کنیم که بحث سبک و کم‌مایه و رقیقی باشد؛ بحث خیلی عمیقی نباشد. این کار ممکن است به جای جذب، موجب دفع بشود. پس، نکته‌ی اول این است که هدف از این اجتماع بایستی دائماً مورد نظر باشد.

🔗 ۲- نقض نشدن مسأله وحدت اسلامی

نکته‌ی دوم این است که هر کار مثبت، آن جنبه‌ی اثباتیش مورد نظر است؛ جنبه‌ی نفی‌ی آن - یعنی نفی افراد و چیزهای دیگر - اصلاً باید در آن نیاید. مثلاً در برگزاری همین کنفرانس، هیچ نیایستی مسأله‌ی وحدت اسلامی که این همه روی آن سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و واقعاً هم امر بسیار مهمی است و در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، نقض بشود.

🔗 شیعه یکی از طرفهای مسأله وحدت

به این معنا توجه بکنید که در سمینار، در مباحث، در شعارها، در سخنرانیهایی که انجام خواهد گرفت و در قطعنامه‌ی سمینار، مرتب باید بر روی وحدت اسلامی تکیه بشود. شاید بتوان این را یکی از اهداف سمینار



قرار داد و در جمع اعلامش کرد. ما باید بگوییم که می‌خواهیم در این تجمع، شیعه را که یکی از اطراف قضیه‌ی وحدت است، برای وحدت آماده‌تر کنیم. ما در خانواده‌ی اسلامی، یک عضو حجیم هستیم. تأثیر ما شیعیان در ایجاد وحدت، تأثیر زیادی است. ما می‌توانیم تأثیر زیادی در همه‌جای دنیا بگذاریم.

تذکر خطرات تفرقه در کنفرانسها

این مجموعه دور هم جمع شده‌اند که درباره‌ی وحدت - از جمله، وحدت اسلامی - تصمیم خودشان را بگیرند. در سخنرانیهای این سمینار، مرتب باید خطرات تفرقه و اطماع استکباری دشمن را از ایجاد تفرقه و تقویت گرایشهای طایفه‌ی تذکر بدهیم. مرتب می‌خواهند گرایشهای منفی را رواج بدهند. ما هم گرایشهای مثبت داریم، هم گرایشهای منفی. گرایش مثبت این است که من خودم را وابسته‌ی به مجموعه‌ی می‌دانم. گرایش منفی یا نافی این است که وابستگی خودم را به معنای لگد زدن به دیگران بدانم؛ مثل ناسیونالیسم منفی یا نافی.

ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هر کس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است؛ اما به این معنا که چون من اهل این جا هستم، پس بایستی علیه همه‌ی ملت‌های دیگر توطئه کنم و بدخواه آنان باشم و علیه آنان کید و مکر داشته باشم، این بد است؛ یعنی اثبات وابستگی من به این جا، جزیت من از خانواده‌ی عمومی و جهانی را نفی کند. معمولاً این ناسیونالیستها، وقتی که گرایش ناسیونالیستی در یک جا خیلی قوی می‌شود، این‌طوری هستند. علی‌ای‌حال، توجه بکنید که این، آن را نقض نکند؛ یعنی در برنامه‌ها مورد توجه باشد...^۱

داشتن حرف حساب در سمینارها

نکته‌ی آخر این است که اگر سمینار مایه داشت، یعنی حرف حسابی در آن وجود داشت، اینهایی را که آمده‌اند، بیش از هدیه و پول و پذیرایی و هتل و از این قبیل، خوشحال خواهد کرد؛ و الا اگر برای آنان هتل خیلی عالی گرفتید و آمدند و بعد هم وقت رفتن، مقداری هدایا و کیف یادگاری و تجملات و خودکار و امثال آن به آنان دادید، می‌روند و می‌گویند که هدایای زیادی دادند؛ اما سمینار، سمینار پوچی بود. آدم‌های حسابی آنها، این‌گونه خواهند گفت. مثل این که گاهی شماها خودتان به یک‌جای دنیا می‌روید و می‌گویید حرفی نداشتند؛ حرف مفت بود. این، آبروریزی است.

اما اگر یک چیز پرمغز و درست و حسابی بود، و لو کیف یادگاری و نظیر آن هم به آنها ندادید، مثلاً می‌گویند علمشان زیاد است، اخلاقشان خوب است، ولی گدا هستند، یا به قول ایشان یک خرده کنسکند! البته من نمی‌خواهم که به اسلام و به جمهوری اسلامی کنسک هم بگویند؛ این هم مصلحت نیست. کنسک نبودن یک چیز است، و لخرج بی عقل بودن هم یک چیز دیگر است. به این نکته هم باید توجه

۱. از آن جا که این سخنرانی در جمع محدودی ایراد شده و قسمتی از آن طبقه‌بندی شده است، لذا در حال حاضر این قسمت حذف می‌شود و در زمان مناسب، اقدام به درج آن خواهد شد.^۱

بکنید که این طور نشود که بگویند پول دستشان است، اما نمی فهمند چه کار بکنند. همه کار بمیزان باشد؛ منتها در کنار این کار، بایستی کارهای درست و حسابی دربیاید. من از قبل هم این صحبت را با آقایان کرده ام که ما بعداً به یک مجمع دروس فقهی احتیاج داریم که بایستی ان شاء الله در کنار این کنفرانس ایجاد بشود. این کنفرانس باید هر چند وقت یک بار تشکیل بشود؛ اما در کنار آن، باید یک مجمع تحقیقات دروس فقهی به وجود بیاید.

ایران محل انجام کارهای فقهی

این کارهایی که بعضی از کشورهای دیگر می کنند، کارهایی است که اصلاً کار ماست؛ یعنی آنها ظرفیتش را ندارند. این مباحث فقهی که در دنیا مطرح است و باید حل فقهی بشود، اگر بتواند از لحاظ علمی در جایی در دنیا حل بشود، آن جا ایران است. جاهای دیگر واقعاً حل نمی شود؛ آقایان این را بدانند. از لحاظ علمی، یعنی از لحاظ فن فقاہت و توانایی قدرت استنباط از کتاب و سنت، رب النوع آن این جا پیش ماست؛ انبارش ایران است. اگر یک وقت هم در گوشه و کنار، آدم با استعدادی در فلان دانشگاه دینی یا علمی فلان کشور باشد، یک مورد نمونه است؛ قدرت حل علمی مسایل را ندارند.

واقعاً اگر یک فقیه خوب ما به مجمع آنها برود، از همه ی آنها سراسر است. این، یک چیز واقعی است که شاید بعضی از آقایان ندانند؛ لیکن بدانید که این طور است. در این جا علما و فقهای ما، خیلی بالاتر از فقهای خوب آنها هستند. آنهایی که سواد ندارند که هیچ؛ از با سوادهای آنها هم خیلی بالاتر و بهترند. فرض کنید که شما بخواهید یکی از فضلاء قم را با مفتی دیار مصر مقایسه کنید. قطعاً فضلاء دست به کار فعلی قم ما، به مراتب بهتر از آن آقا هستند. نه این که یک ذره بهترند؛ خیلی بهترند؛ درس خوانده و فاضل و خوش فکر و قوی و اهل استنباطند.

خلاصه، این کارهای فقهی باید در این جا انجام بگیرد؛ جایش تهران و قم و ایران ماست. اگر آنها مجامعی تشکیل داده اند و توانسته اند چنین کارهایی بکنند، چون زمینه خالی بوده و کسی نبوده است؛ ولی باید ما این کارها را انجام بدهیم. بایستی ان شاء الله زمینه ی این کار هم در این جا فراهم بشود، و این نمی شود، مگر این که این سمینار از لحاظ علمی، سمینار موفق پُراستخوان پُرمغزی باشد. ما همیشه اصرار هم داریم که هر چه می توانید، این چیزها را کم خرجتر در بیاورید. این، بهتر و با مصلحت واقعی مغتنمتر است.



رفع اختلافات و حاکمیت اسلام،
دو جهت گیری اساسی در شعار وحدت مسلمین

❦ دو جهت گیری اساسی در مسأله وحدت:

❦ ۱- رفع اختلافات، تناقضها، درگیریها، تضادها و
کارشکنیها

❦ ۲- در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد
❦ شباهت در دسرهای جمهوری اسلامی با
حکومت پیامبر (ص)

❦ سنگ پرانی دشمن جهت جلوگیری از حرکت اسلام

❦ جنجال دشمن از مناقشه‌ی برادرانه

❦ شرط موفقیت وحدت در کشورهای اسلامی

رفع اختلافات و حاکمیت اسلام، دو جهت‌گیری اساسی در شعار وحدت*

🕌 دو جهت‌گیری اساسی در مسأله وحدت:

در مسأله‌ی وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حایز اهمیتند. وقتی ما شعار وحدت را می‌دهیم، این دو نکته‌ی اساسی باید مورد توجه ما باشد و همین‌هاست که برای زندگی عملی مسلمین، کارساز است:

🕌 ۱- رفع اختلافات، تناقضها، درگیریها، تضادها و کارشکنیها

یکی از این دو نکته، عبارت از رفع اختلافات و تناقضها و درگیریها و تضادها و کارشکنیهاست که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرقه‌ی مسلمین وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمین تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمام و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارضها و تناقضها، به دستگاہهای قدرت مادی برمی‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهید دید که از اختلافات اولیه - یعنی مسأله‌ی خلق قرآن و امثال آن - تا بقیه‌ی اختلافهایی که در طول زمان، بین فرقه‌ی اسلامی - مخصوصاً در زمانهای بیشتری بین شیعه و سنی - اتفاق افتاده است، تقریباً سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرتهاست.

البته جهالت‌های عمومی و تعصبهای غیرمتکی به منطق و تحریک احساسات یکدیگر اثر دارد، اما اینها زمینه است و هیچکدام، آن حوادث خونین بزرگی را که ما در تاریخ مشاهده می‌کنیم، به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاہ ارباب قدرت برمی‌گردد که از این اختلاف، دنبال فایده‌ی می‌گشتند.

استعمار که وارد کشورهای اسلامی شد - بعضی مستقیم و بعضی غیر مستقیم - واضح شد که او هم دنبال همین قضیه است.

رفتار بعضی از شخصیت‌های معروف اروپایی - چه سیاسی و چه فرهنگی - خیلی عبرت‌انگیز است. به مصر که می‌رفتند، یک‌طور صحبت می‌کردند؛ به باب عالی کشور عثمانی که می‌رفتند، یک‌طور صحبت می‌کردند؛ به ایران شیعی که می‌آمدند، طور دیگر صحبت می‌کردند. هدفشان هم به‌هم‌ریختن نظام وحدت بود که استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتی، از آن می‌ترسیدند؛ حق هم داشتند که بترسند. کار خودشان را هم کردند و بین مسلمین، اختلاف عمیق و عجیبی را به وجود آوردند.

وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شعار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، اولین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارضها و تناقضها و اختلافها و درگیرها باشد، که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا، از آن خشنودند. باید مقدمات و زمینه‌های این کار فراهم بشود. اختلاف عقیدتی دارند، داشته باشند؛ اختلاف قومی دارند، داشته باشند؛ تغایر نژادی دارند، داشته باشند. اینها، مستلزم و مستوجب تنافس و تعارض و درگیری و جدال بین مسلمین نشود. باید همه مخلصانه کار کنند. علمای بزرگ، متفکران، روشنفکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، واقعاً این را واجب الهی بدانند. این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن: «واعتصموا بحبل الله جميعاً»^۱ و آیات دیگر، خطاب به ما و همه‌ی مسلمین در مقابل دشمنان اسلام است. به این آیات عمل کنیم.

۲- در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد

نکته‌ی دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ و آلا پوچ و بی‌معنی خواهد بود. اگر علمای اسلام قبول می‌کنند که قرآن فرموده است: «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»^۲، پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسانها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد. اگر علمای اسلام قبول دارند که قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»^۳، اقامه‌ی قسط و عدل و رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است.

پانزده سال قبل، تردید بود که آیا اصلاً حاکمیت اسلام، ممکن است یا نه؟ انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی در ایران، حرکت حیاتبخش و عظیم امام (رضوان الله تعالی علیه)، قدرتی که آن مرد الهی و ملکوتی، در مقابل قدرتهای مادی از خود نشان داد و ثابت کرد که قدرت دین و معنویت، از قدرت مادیت و پول و سلاح بیشتر است، باید تردید را از ذهنها زدوده باشد. بله، تشکیل نظام اسلامی در اقطار عالم اسلامی، امری ممکن است.

۱. آل عمران: ۱۰۳

۲. نساء: ۶۴

۳. حدید: ۲۵

شباهت در دسرهای جمهوری اسلامی با حکومت پیامبر (ص)

البته جامعه‌ی اسلامی و حکومت اسلامی، در دسرهایی دارد. زندگی، دردسر دارد. زندگی بی‌دردسر در دنیا که ممکن نیست. این دردسر، بهای چیست؟ اگر بهای آزادی و استقلال و عزت و قرب به خدا و عمل به احکام و تعالیم اسلامی است، باشد. نظام جمهوری اسلامی، این دوازده سال را با عزت و عظمت و قدرت ایستاد، مبارزه کرد و طبیعتاً مشکلاتی هم داشت. کشورهایی هم بودند که در ظل سنگین و نامیمون حکومت و نفوذ قدرتهای خارجی زندگی کردند. مگر مردم آنها، کمتر از ملت ایران مشکل و دردسر داشتند؟ اگر بیشتر نداشتند، کمتر نداشتند. تازه در مقابل چه چیزی مشکلات داشتند؟ در مقابل این که امروز را به شب برسانند، شب را به صبح برسانند و زندگی روزمره و بی‌هدف و بی‌عزت و بی‌نور خود را سپری کنند. در دسرهای جمهوری اسلامی، همان در دسرهایی است که نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در طول حکومت مبارک خود تحمل کرد. تبلیغات و محاصره و تهاجم دشمن بود، ولی از اینها پیروز بیرون آمد؛ ما هم پیروز بیرون آمدیم.

سنگ پرانی دشمن جهت جلوگیری از حرکت اسلام

البته دشمنان نمی‌خواهند دست بردارند و به همین خاطر، این سنگ پرانی را می‌کنند. این حرکتی است که کاروان اسلام می‌کند و از پشت سر، سنگی هم پرتاب می‌کنند که ساق پای را هم مجروح خواهد کرد؛ ولی جلوی راه را نمی‌توانند بگیرند. در طول این دوازده سال، دشمنان علیه ما تبلیغ کردند؛ سعی نمودند که چهره‌ی زشتی از اسلام و نظام جمهوری اسلامی نشان دهند؛ تلاش کردند که چیزهایی را قلب کنند و معمولاتی را در بین مردم دنیا منتشر نمایند؛ ولی واقعیتها غیر از اینهاست. واقعیت، عبارت از یک کشور قوی مصمم بزرگ آبادی هر چه بیشتر و در زیر سایه‌ی اسلام و به سمت عدل اسلامی و عزت و قدرت ناشی از اعلای کلمه‌ی اسلام و مورد توجه و تعطف عامه‌ی مسلمین در اکناف عالم است. حالا دشمن تبلیغی هم بکند، حرف بی‌ربطی هم بزند، تعرضی هم بکند، یک جا یک نیش اقتصادی یا سیاسی هم بزند، چه تأثیری می‌کند؟ دایم از این کارها کردند، باز هم می‌کنند.

جنجال دشمن از مناقشه‌ی برادرانه

دو نفر برادر در جمهوری اسلامی، سر قضیه‌ی با هم مجادله‌ی لفظی می‌کنند که خیلی چیز عادی است و نبودنش عجیب و مایه‌ی بهت و سوءظن است و ناشی از خمودگی خواهد بود. سر قضیه‌ی خبرگان، سر قضیه‌ی امور سیاسی، سر قضیه‌ی امور اقتصادی، برادران در مجلس و در جای دیگر می‌ایستند، یکی این می‌گوید، یکی آن می‌گوید. اختلاف نظر و مجادله، برای پیدا کردن حق است. گفتگو، برای روشن شدن راه است. هر کدام، نظر خودشان را بیان می‌کنند. هیچ چیزی هم نیست، برادر هم هستند. هر کس هم که می‌خواهد امتحان کند، امتحان کند. اندک تعرضی به نظام جمهوری اسلامی بشود، همین برادرانی

که سر قضیه‌یی با هم مجادله می‌کنند، دست در دست هم، مشت‌ها گره کرده، به استقبال خطر خواهند رفت، تا از اسلام و نظام اسلامی دفاع کنند.

همین مجادله و مناقشه‌ی برادرانه را ببینید، رادیوها جنجالی درست می‌کنند که حادثه‌ی مهمی در جریان است!! نخیر، آن حادثه‌یی که در ایران در جریان است، عبارت از تصمیم قاطع ملت ایران به تعقیب اهداف نظام اسلامی است؛ آن چنانی که امام عزیز ما ترسیم کرده‌اند. آن حادثه‌یی که در ایران در حال انجام است، ان‌شاءالله حرکت سریعتر و دقیقتر به سمت هدفهای اسلامی است. آن حوادثی که آنها و دل‌های کین‌ورز و مریض می‌خواهند، از محیط اسلامی ما بحمدالله دور بوده و دور خواهد ماند. اینها در دسره‌های نظام اسلامی است؛ اینها چیزی نیست.

شرط موفقیت وحدت در کشورهای اسلامی

اگر در جوامع و کشورهای اسلامی، علما و روشنفکران و متفکران و بزرگان و پیشگامان وحدت، جهت حرکتشان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفق‌تری است؛ و الا اگر این‌طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و حکومت‌های سرسپرده و بی‌عرضه، تابع و تسلیم باشند، معلوم است که وحدت تضمینی نخواهد داشت. شما از این طرف، شعار وحدت بدهید، جوش بزنید، غصه بخورید؛ از آن طرف، پول‌های به ناحق بذل و خرج شده و یک عده آدم سست‌عنصر قلم‌به‌مزد نوکرسفت هم پیدا می‌شوند و اندوخته‌های شما را به باد خواهند داد و رشته‌ها را پنبه خواهند کرد. این «مجمع‌التقریب بین‌المذاهب الاسلامیة» که ما این‌جا در صدد هستیم و برادران ما همت کردند - و من از کسانی که همکاری کردند و خواهند کرد، صمیمانه متشکرم - باید زمینه‌های تقریب را در جنبه‌های اعتقادی، کلامی، فکری، فقهی، اصولی و علمی فراهم بکند؛ لیکن آن هدف اساسی باید به یاد متفکران اسلام باشد. دشمنان اسلام، این را نمی‌خواهند؛ اما آنچه که خدا می‌خواهد، آن خواهد شد. «والله غالب علی امره»^۴

تقریب در عقیده، فقه و عمل

❖ غلط بودن تلاش برای کوبیدن و معارضه با

طرف مقابل

❖ تلاش تاریخی دشمن برای به جان هم انداختن

مسلمین

❖ فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت اسلام

❖ نیاز دنیای اسلام به تقریب

❖ تقریب عملی، امری ممکن و سهل‌التناولی

❖ دوش شرط برای تقریب در عقیده، فقه و عمل

❖ فعالیت مرحوم بروجردی برای تقریب

❖ تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز

❖ وجود دست‌های سیاسی جدید در تفرقه افکنی

❏ غلط بودن تلاش برای کوبیدن و معارضه با طرف مقابل

من به این کار، به چشم دروازه‌یی به عالم و مرحله‌ی جدیدی نگاه می‌کنم. حقاً وضع مسلمین از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسفانگیز است. بسیاری از تواناییهای باارزش علمی و فکری مسلمین در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است. اشتباه نشود؛ اگر کسی برای اثبات مذهب خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمی‌کنم. هم شیعه، هم سنی، هم هر مؤمن به نحله‌یی، به عقیده‌یی و به طریقه‌یی، حق دارد طریقه‌ی خودش را اثبات کند. این، چیز دیگری است؛ ما آن را رد نمی‌کنیم. آنچه که ما رد می‌کنیم، تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است؛ این غلط است. در بحث علمی، طبیعی است که هر کس عقیده‌یی دارد، اثبات آن عقیده، به معنای نفی و رد عقاید دیگری، و استدلال بر عقیده‌ی خود است. همه‌ی اینها مفهوم، قابل درک و قابل تحمل است. همین بحثها هم همیشه دامنه‌ی تفکر را گسترش می‌دهد، تعمیق می‌کند و پیش می‌برد؛ مانعی ندارد؛ لیکن آن جایی که دو گروه، هر دو منتسب به اسلام، و هر دو معتقد به مبانی اساسی واحد، در مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند، تا یکدیگر را محو کنند، یا ضربه بزنند، یا جریحه‌دار کنند، این فاجعه است؛ ما از این کار بایستی جلوگیری کنیم.

❏ تلاش تاریخی دشمن برای به جان هم انداختن مسلمین

تا آن جایی که من در تاریخ یادم می‌آید، در گیریه‌ها و تعارضات و جنگهای مذهبی بین مسلمین، به وسیله‌ی

قدرتمندان هدایت‌شده است. از زمان بنی‌عباس و آن جنگهایی که بین مکاتب کلامی تازه تأسیس شده‌ی آن روزگار اتفاق افتاد و آن کشتارهای متقابل - گاهی این خلیفه بود، طرفدار این فکر بود؛ گاهی خلیفه‌ی دیگر بود، طرفدار فکر دیگری بود - تا زمانهای بعد، همواره دستهایی طرفداران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دستها نبوده، آنها با هم سالها در صلح و آرامش زندگی کردند و هیچ مشکلی نداشتند. نمونه‌اش همین کشورهای اسلامی است که در آن، فرق مختلف اسلامی با هم مشغول زندگی هستند؛ یک نمونه‌اش ایران، یک نمونه‌اش عراق، یک نمونه‌اش کشورهای دیگر است. چه موقع خود مردم و معتقدان به اسلام در مقابل هم صف‌آرایی داشتند؟ چه زمانی با هم جنگیدند؟ به هر حال ما باید گذشته را در حفاظ فراموشی بگذاریم و آن را کآن‌لم‌یکن فرض کنیم.

فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت اسلام

در زمان حال، برای این که مسلمین با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاشهای مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاشها بخصوص در وقتی تشدید پیدا کرده، که نیاز مسلمین به وحدت، بیش از همیشه است. به تصور خیلی نزدیک به واقعیت، انگیزه‌ی تلاشهای دشمنان این است که از تحقق آرزوی سیادت و حاکمیت اسلام - که امروز به مراحل عملی نزدیک می‌شود - جلوگیری کنند. طبیعی است که اگر اسلام بخواهد حاکمیت پیدا کند و مسلمین در دنیای اسلام بخواهند به اسلام تمسک کنند، با این اختلافات امکانپذیر نیست. فاجعه‌آمیزترین مانع در راه حاکمیت و سیادت اسلام این است که مسلمین را در درون جوامع اسلامی - چه در یک کشور، چه در کشورهای متعدد اسلامی؛ فرقی نمی‌کند - به جان هم بیندازند.

اگر امروز مطبوعات یک کشور شروع به حمله به یک مذهب از مذاهب اسلامی کنند، و مطبوعات کشور دیگر نیز متقابلاً به مذهب آنها حمله نمایند - یعنی همین دعوای سیاسی را در قلمرو فکر مذهبی و دینی وارد کردن، و با پشتوانه‌ی فکر و تعصب دینی، گروهها را به جان هم انداختن - این بزرگترین مانع است برای این که مسلمین، به فکر سیادت اسلام جامه‌ی عمل بپوشانند و بتوانند آن را تحقق ببخشند.

نیاز دنیای اسلام به تقریب

پس، امروز «تقریب» یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود. این خلأ زمان است - بیش از همه‌ی زمانهای دیگر - ما باید آن را پُر کنیم. خوشا به حال انسانهایی که بتوانند خلأ زمان خودشان را پُر کنند؛ خواست لحظه را بفهمند و آن را برآورده نمایند. بعضی کارها اگر در لحظه‌ی خاصی انجام بگیرد، مفید است؛ اگر در آن لحظه انجام نگیرد، ای بسا آن فایده را نخواهد داشت. امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب - همان‌طور که مکرر گفته شده - غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرق

نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهمها بر طرف، و بعضی از عقاید تعدیل، و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود. بنابراین، باید از طرح مسائل تفرقه‌انگیز خودداری بشود.

🔗 تقریب عملی، امری ممکن و سهل‌التناولی

در مرحله‌ی فقهی نیز تبادل نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی، به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضی از فرق اسلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ی دارند؛ دیگران می‌توانند از آنها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنت، نوآوری‌هایی در اختیار بعضی از فرق اسلامی باشد؛ دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشترکی خواهند رسید. ما می‌بینیم گاهی فتوایی را از مذهبی نقل می‌کنند، در حالی که آن فتوا، فتوایی غریب در آن مذهب است. ممکن است اهل آن مذهب، از آن فتوا تحاشی بکنند، یا اصراری به آن نداشته باشند. چرا ما نگردیم تا فتاوی مشترک را پیدا کنیم؟ در نهایت و شاید مهمتر از همه‌ی نتایج تقریب، تقریب عملی است؛ یعنی همکاری مسلمین با یکدیگر، منهای احساس جدایی عقیدتی فرقه‌یی. اگر دشمنان بگذارند، و اگر ما عاقل باشیم، این امر بسیار ممکن و سهل‌التناولی است.

ما در میان خودمان و در جوامع دیگر، بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مکرر این را دیده‌ایم که برادران شیعه و سنی کنار هم می‌نشینند و در مسائل عملی و سیاسی و مسائل مربوط به سرنوشت اسلام، طوری با هم تبادل نظر می‌کنند که اصلاً به یادشان نیست که این مذهب چیست و آن مذهب چیست. ما همواره این احساس را در خودمان مشاهده کرده‌ایم و در بسیاری از معاشرانمان از اصحاب مذاهب مختلف، این را دیده‌ایم.

🔗 دوشرط برای تقریب در عقیده، فقه و عمل

پس، این سه مرحله است: هم در مرحله‌ی اعتقاد، هم در مرحله‌ی احکام فقهی، و هم در مرحله‌ی همکاری عملی. آنچه که اینها را تضمین می‌کند، این است که اولاً به توطئه‌ی دشمن هوشمندانه نگاه کنند؛ ثانیاً به آن مواردی از اسلام که این تقریب را تضمین می‌کند، بیشتر فکر کنند.

🔗 فعالیت مرحوم بروجردی برای تقریب

در صدر فعالیت‌های مرحوم آیه‌الله بروجردی (رضوان‌الله تعالی علیه) برای تقریب - آن‌طور که من شنیدم و تا حدودی اطلاع دارم - توجه به «حدیث ثقلین» بود که بین مذاهب مختلف اسلامی مورد اتفاق است و

متواتر آن را نقل کرده‌اند. به همان شکلی که شیعه آن را نقل کرده، کتب برادران اهل سنت هم پُر است؛ اگرچه به شکل دیگری هم نقل کرده‌اند. به هر حال، مسأله‌ی اهل بیت و نظیر آن را که مورد قبول همه‌ی مسلمین است و همه‌ی مسلمین به آنان ارادت دارند و آنان را دوست می‌دارند و هر کدام به نحوی به آنان عقیده‌ی دینی دارند، محور قرار بدهند. در خود اسلام می‌شود مواردی را از متون اسلامی پیدا کرد که پایه‌های تقریب باشد.

🌸 تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز

این مجمع در مقام عمل هم باید گروه‌های تحقیقات علمی - چه در سایه‌ی همان دانشگاهی که ان‌شاءالله تأسیس خواهد شد، و چه به شکل دیگر به وجود بیاورد که بتوانند درباره‌ی مسائل قابل بحث در تقریب، تحقیق و بررسی کنند.

البته یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز است؛ چه در محیط شیعی، چه در محیط سنی. الان برای ایجاد بغض و کینه، آثاری نوشته می‌شود و پولهایی خرج می‌شود. اگر بتوانیم، باید جلوی اینها را بگیریم. این گونه آثار، همه‌جا هم منتشر می‌شود. ما نمی‌گوییم که در ایران مطلقاً منتشر نمی‌شود؛ نخیر، در ایران هم متأسفانه مواردی مشاهده می‌شود. آثار کینه‌برانگیز و تفرقه‌انگیزی از طرفین منتشر می‌شود. یکی از موارد توجه این مجمع، باید همین مورد باشد. بحث مذهبی بکنند، کتابهای متعدد بنویسند، استدلال‌ات کلامی بکنند و فضایل مورد نظر خودشان را در کتابها بیاورند - این مقوله‌ی دیگری است - اما آثاری را که موجب تفرقه، کینه و تعمیق بغض است، منتشر نکنند؛ روی این نکته باید فکر بشود. ببینیم این مجمع واقعاً چگونه می‌تواند به شکل مناسبی بر این معنا اشراف و نظارتی پیدا کند.

برای من کتابهای متعددی از نقاط مختلف عالم می‌رسد، که پیداست اصلاً سعی افرادی بر این بوده که این کتابها برای ایجاد کینه و کدورت و بغض و نگرانی نوشته بشود. حالا که در جمهوری اسلامی بحمدالله پرچم اسلام و قرآن بلند است، و حالا که شعارها، شعارهای اسلامی و پُر جاذبه است، سعی می‌کنند از طریق دیگری کینه‌ی این کشور، این ملت و این حکومت را در دل برادران مسلمان در نقاط مختلف عالم وارد کنند؛ کتابهایی مخصوص این کار می‌نویسند؛ دشمن که بی‌کار ننشسته است.

🌸 وجود دستهای سیاسی جدید در تفرقه افکنی

به هر حال، ما توفیق آقایان را از خدای متعال می‌خواهیم. من از شما برادران عزیزی که همت فرمودید و این شورای عالی را تشکیل دادید، از جناب آقای واعظزاده^۲ که برای این راه صرف همت و فکر و عمر و تلاش می‌کنند، و از همه‌ی کسانی که با شما همکاری می‌کنند، صمیمانه تشکر می‌کنم. از خدای متعال مبتهلاً و متضرعاً می‌خواهیم که ان‌شاءالله شماها را کمک کند، تا بتوانید این راه را با استقامت و با قدرت

بپیمایید، و ما ان شاء الله نتایج آن را در آینده‌ی نزدیک ببینیم. شاید بخشی از نتایج کار شما هم به ارواح آن کسانی برسد که دارالتقریب را در پنجاه، شصت سال پیش برای اولین بار پایه‌گذاری کردند و این گام را برداشتند؛ «الفضل لمن سبق». ما دنباله‌رو آنها هستیم؛ منتها آن یک سبک کار بود، و ممکن است این سبک دیگری باشد. تشکیل آن مرکز در شرایطی بود که بیشتر به مسائل علمی و فکری نظر داشت؛ اما امروز شرایط دیگری است؛ چون متأسفانه سیاست هم در این مسأله به اشد وجه دخالت کرده است. آن روز دستهای سیاسی، آن گونه تفرقه‌انگیزی نمی‌کردند؛ ولی امروز عناصر جدیدی پیدا شده، و برای مقتدران و قدرتمندان سیاسی انگیزه‌ها زیاد است؛ لذا کارهای زیادی انجام می‌دهند.

تمام دنیای اسلام از وحدت منتفع خواهند شد

- ❏ امام(ره)، منادی وحدت بین مسلمین
- ❏ هوشیاری نسبت به فعالیت‌های دشمن در ایجاد اختلاف
- ❏ مصداق اهتمام به امور مسلمین
- ❏ ابراز احساسات کشورهای اسلامی نسبت به مسائل بین‌المللی اسلامی
- ❏ کسانی که از اجتماع مسلمین متضررند
- ❏ وحدت برای انتفاع دولتهای اسلامی
- ❏ توصیه به دولتهای خلیج فارس و همسایه‌ها
- ❏ الزامات رسیدن به وحدت

تمام دنیای اسلام از وحدت منتفع خواهند شد*

❏ امام(ره)، منادی وحدت بین مسلمین

ما ملت ایران، این هفته را «هفته وحدت» قرار دادیم و امام بزرگوار ما رضوان الله تعالی علیه که همیشه منادی وحدت بین مسلمین بودند، در این هفته، ندای وحدت را به گوش همه مسلمانان عالم، بلکه همه حق طلبان عالم رساندند.

❏ هوشیاری نسبت به فعالیت‌های دشمن در ایجاد اختلاف

«هفته وحدت»، اسم مناسبی است. بحمدالله وحدت بین احاد ملت ایران، بین قشرهای مردم، در هر راه و رسم و حدی که هستند و به هر کاری که مشغولند، وجود دارد. احاد ملت ما، علی‌رغم توطئه‌ها و بذر نفاق افکنیها، با هم متحدند و در یک جهت حرکت می‌کنند: در جهت اسلام؛ در جهت قرآن؛ در جهت حاکمیت دین؛ بدون فرقی بین شیعه و سنی و قومیت‌های مختلف (فارس و عرب و ترک و ترکمن و بلوچ و کرد و غیر اینها)؛ یک ملت یکپارچه. واقعاً ملت ایران، به برکت اسلام، یک نمونه است. بین ملت‌های مسلمان، یک الگوی موفق است. خداوند از شما ملت ایران، به خاطر صادقانه پاسخ گفتنتان به دعوت دین و ندای امام بزرگوارتان راضی باشد. این را باید حفظ کنید. همین وحدت با ارزشی که به برکت آن، شما توانسته‌اید این همه پیروزی را به دست بیاورید، دشمنهایی در کمین دارد. باید هوشیار باشید و نگذارید اختلافات به وجود آید. در آن جایی که بهانه اختلاف هست و دشمن می‌تواند آن‌جا مستمسکی برای اختلاف درست کند، بیشتر مواظب باشید. در مسأله مذهب و اختلافات مذهبی، که قرنهای متمادی دشمنان از آن

سوء استفاده کردند، بیشتر باید مواظب باشند. هم شیعه باید مواظب باشد، هم سنی. در قضیه قومیتها، که دشمنان کمین گرفته‌اند؛ پشت خم کرده‌اند تا بلکه بتوانند به نحوی بین قومیت‌های ایرانی که در طول تاریخ در کنار هم زندگی کردند، اختلاف ایجاد کنند، باید هوشیار تر و مواظب تر باشید. اینها آن نقطه‌هایی است که دشمن می‌خواهد از شان استفاده کند. باید در مقابل اینها ایستاد. دشمن می‌خواهد ایران نباشد. دشمن می‌خواهد یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران نباشد. دشمن می‌خواهد پرچم اسلام بالای سر این ملت در اهتزاز نباشد. دشمن می‌خواهد در رأس این حکومت، کسانی مثل رژیم گذشته - نوکرها و دست نشانده‌های خودش - بر سر کار باشند. البته که دشمنان جهانخوار حاضر نیستند یک ملت مستقل را با اتکا به نفس، با اعتماد به خدا، با تکیه به دین اسلام ببینند؛ آن هم در چنین منطقه حساسی از عالم و با این احساس عظمتی که در این ملت هست و احساس همدردی‌ای که نسبت به مسلمانان دارند!

🕌 مصداق اهتمام به امور مسلمین

آن روز که شما برای مردم بوسنی هرزگوین آن راهپیمایی عظیم را در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای کشور راه انداختید، خیال می‌کنید کسانی که جلادان بوسنی هرزگوین محسوب می‌شوند و پشت سر آن جلادان ایستاده‌اند، آن اجتماع عظیم را ندیدند؟! متأثر نشدند از این که ملت ایران چگونه با عزمی راسخ، در یک مسأله بین‌المللی ایستاده است و بر اساس مصداق «من اصبح و لم یهتّم بامور المسلمین...»، اهتمام به امور مسلمین دارد؛ آن هم با همه وجود و در هر جایی که این مسلم باشد، ولو در اروپا! مردم ما چه می‌دانند مردم بوسنی هرزگوین، مردم سارایوو چه کسانی، چگونه مردمی و با چه احساساتی هستند؟! ما تا به حال چه ارتباطی با هم داشتیم؛ به جز اسلام، احساس اسلامی و احساس این که ملت مسلمانی زیر ستم قرار گرفته است؟!!

این احساس، مردم ما را به حرکت و امی دارد؛ مردم ما را به اهتمام به امور آنها وامی دارد. اگر لازم است به خیابانها بیایند، با گروههای میلیونی به خیابانها می‌ریزند. اگر لازم است کمک کنند و پول بدهند. به حسابهای مربوط پول می‌ریزند و کمک می‌کنند. اگر چیز دیگری هم در راه حمایت از برادران مسلمان لازم باشد، باز هم ملت ما سینه را سپر می‌کند و آماده، می‌ایستد. این، یک نمونه از ملتی است که اعتقاد به وحدت اسلامی، به برادری اسلامی و به خویشاوندی اسلامی دارد. حال اگر همه ملت‌های مسلمان با هم چنین باشند، ببینید چه چیزی در دنیا پیش می‌آید! این، وحدت اسلامی است. وحدت بالاتر، بعد از وحدت میان آحاد یک کشور و یک ملت: وحدت امت اسلامی است.

🕌 ابراز احساسات کشورهای اسلامی نسبت به مسائل بین‌المللی اسلامی

اگر سران کشورها، در همه کشورهای اسلامی به ملتها برای ابراز احساساتشان نسبت به مسائل بین‌المللی

اسلامی میدان و راه بدهند و آنها را هدایت کنند، و آنها همان وضعی را پیدا کنند که ملت ایران دارد، ببینید چه حادثه‌ای در دنیا اتفاق می‌افتد! فکر می‌کنید اگر چنین وحدت و همدلی و همدستی‌ای بین ملت‌های مسلمان باشد، دیگر دشمن جرأت می‌کند یک ملت مسلمان را مثل همین ملت بیچاره و مظلوم بوسنی هرزگوین، آن‌گونه در حلقه محاصره قرار دهد؟! آیا دیگر مجامع بین‌المللی جرأت می‌کنند مسأله را با حرف و زبان، از سر، باز کنند؟ واقعاً حادثه عجیبی در دنیا اتفاق می‌افتد! این همه ادعای طرفداری از حقوق انسان می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به یک عده مردم مسلمان می‌رسد، همه از یاد می‌روند! این چه عنادی است که دشمنان و قدرتهای جهانی با اسلام دارند؟! این چه جنگ صلیبی‌ای است که امروز علیه اسلام و مسلمین به راه انداخته‌اند، که انسان در همه جا نشانه‌های آن را مشاهده می‌کند؟! این چه مظلومیتی است که مسلمانان در همه نقاط عالم - هر جایی که دشمنان بتوانند نسبت به آنها اعمال کنند - مشاهده می‌شود؟! این، ناشی از چیست؟ ناشی از این است که بین مسلمانان تفرق است؛ بین امت اسلامی تفرقه است؛ بین دولتهای مسلمان تفرقه است و این تفرقه، کار دشمن است.

کسانی که از اجتماع مسلمین متضررند

ما کشورهای اسلامی، با هم اصطکاک منافع نداریم. یک مجموعه اسلامی، یک بلوک اسلامی، برای همه خوب است، نه برای یک جمع خاص. کشورهای بزرگ اسلامی هم از یک مجموعه اسلامی سود می‌برند؛ کشورهای ضعیف و کوچک و فقیر هم سود می‌برند. این، به نفع همه است. به نفع همه اطراف قضیه است. پس به ضرر کیست؟ چه کسی از اجتماع مسلمین متضرر است؟ آن قدرتهایی که می‌خواهند اغراض فاسد خودشان را روی ملت‌های مسلمان اعمال کنند؛ یعنی قدرتهای بزرگ، امریکا، سیاست‌های استعماری. ما از اول انقلاب تا امروز، کشورهای مسلمان را به وحدت دعوت کردیم؛ کشورهای منطقه اسلامی و مجموعه‌های کوچکتر را به وحدت دعوت کردیم. ما نگفتیم بیایید وحدت کنیم تا ما از این وحدت استفاده کنیم. ما اگر همواره سعی کرده‌ایم برادری و رفاقتان را با دولتهای اسلامی حفظ کنیم، نه برای این است که دولت یا ملت ایران، احتیاج ویژه‌ای به این همراهی دارد؛ نه. برای این است که همه دنیای اسلام از این رابطه سود ببرد.

وحدت برای انتفاع دولتهای اسلامی

ملت ایران ملتی قوی است. دولت ایران دولت مستحکمی است؛ چون به آحاد ملت خود متکی است. ما را که در جنگ تحمیلی عراق دیدید! دیدید چگونه رفتار کردیم! دیدید ملت ما چگونه عمل کرد! ما که از تهاجم دشمن باکی نداریم! چه کسی می‌تواند بگوید که عراق وقتی هشت سال با ما می‌جنگید، امریکا و ناتو پشت سرش نبود؟! امروز همه حقایق آشکار می‌شود: به عراق سلاح می‌دادند، پول می‌دادند، نقشه جنگی می‌دادند، خبر ماهواره‌ها را می‌دادند، برایش جاسوسی می‌کردند و همه به نفع عراق کار می‌کردند.

دولتهای عربی خلیج فارس، از روی ترس به عراق کمک می کردند. چه کسی می تواند اینها را منکر شود؟ کدام دولت از این دولتهای منطقه هست که بتواند بگوید در این جنگ هشت ساله، به عراق کمک نکرده است؟ نتیجه چه شد؟ آیا ملت ایران یک قدم عقب نشینی کرد؟ آیا ملت ایران احساس ضعف کرد؟ آیا رهبر ایران، که مثل کوه در مقابل همه دنیا ایستاد، احساس ترس کرد؟ آیا ملت و رهبر و مسؤولین کشور، به خاطر دشمنیها رابطه شان روز به روز صمیمانه تر نشد؟ ما که از تهاجم دشمن باکی نداریم! ما می گوئیم وحدت، برای این که شما منتفع شوید؛ همه دولتها منتفع شوند؛ دنیای اسلام منتفع شود. وحدت، این است! امروز می شنوید که در خلیج فارس، باز سر و صداهایی درست کرده اند: بهانه ای به اسم جزیره ابوموسی و از این حرفها. این حرفها چیست؟! اینها کار کیست؟! کیست که دست استعمارگران دیروز - همان دستهای پلید - را در این ماجرا نبیند؟! کیست که دست قدرتهای حاضر در خلیج فارس را، دست امریکارا، دست استعمارگر پیرمنحوس، یعنی دولت انگلیس را، در این ماجرا نبیند؟! چه می خواهند اینها؟ چرا می خواهند بین همسایه ها اختلاف بیندازند؟ چرا می خواهند برای توجیه حضور خودشان در خلیج فارس، برادران را با هم دشمن کنند؟ این کشورها اگر با یکدیگر همدست باشند، مشت می خواهند شد و آن وقت دشمن جرأت نمی کند در مقابل آنها بایستد و به این کشورها زور بگوید. می خواهند این همدستی از بین برود و این مشت باز شود. چرا؟ چه کسانی هستند؟ معلوم است که دست قدرتهای بیگانه است. ما تصورمان این است. ما خیال می کنیم در این قضایا، شیوخ منطقه اگر گناهی داشته باشند، گناهشان غفلت از حقایق است. آنها هم دلشان می خواهد اتحاد و اتفاق باشد.

🔗 توصیه به دولتهای خلیج فارس و همسایه ها

ما توصیه مان به دولتهای خلیج فارس و همسایه ها این است که دشمن را ببینند؛ دشمن را بشناسند؛ کید دشمن را بشناسند؛ دست دشمن را بشناسند و بدانند کیست که می خواهد در این منطقه اختلاف بیندازد؟ این اختلاف، بیشتر به ضرر خود آنهاست. حوادث دو، سه سال پیش منطقه را دیدید؟ دیدید نتیجه کمک به عراق چه شد؟ نتیجه حضور قدرتمندان امریکا و انگلیس و دیگران را در این منطقه دیدید؟ چقدر منطقه و دولتهای جنوب خلیج فارس تحقیر شدند و هنوز هم می شوند! ملتها چقدر تحقیر شدند! علاج همه اینها، اتحاد کلمه است. والا دولت ایران که از چیزی نمی ترسد. ملت ایران هم از چیزی نمی ترسد. ما در انقلاب متولد شدیم، با انقلاب پیش رفتیم و در مقابل دشمنیها رشد کردیم. بیشتر از آنچه که دنیا تا امروز با ما دشمنی کرده است، ممکن نیست با کسی دشمنی کرد. با کدام ملت این قدر دشمنی کرده اند؟ با این وجود، ملت ایران مانده است؛ انقلاب مانده است؛ جمهوری اسلامی مانده است و همیشه به فضل الهی خواهد ماند. این، آن پیام وحدت اسلامی است که برای همه، مایه عزت، مایه کرامت و مایه آرامش است. این، آن آرزوی ماست.

الزامات رسیدن به وحدت

ما آرزو داریم که این یک میلیارد مسلمان، حقیقتاً یک واحد باشند؛ نه این که دولتها و کشورها وجود نداشته باشند. چنین چیزی، علی الظاهر، تا قبل از ظهور ولّی عصر ارواحناده، نخواهد شد. اما می‌گوییم در یک جهت حرکت کنند. با یک روحیه حرکت کنند. ملتها و دولتهای مسلمان، با یک دل حرکت کنند. و این، عزّت و قدرت آنهاست. عزّت و قدرت، در سایه اسلام است. عزّت و قدرت، در سایه همبستگی و همدلی اسلامی شما ملت ایران است. عزّت و قدرت در سایه تقوا و تمسک به قرآن است. عزّت و قدرت، در سایه نرسیدن از غیر خداست. اینها را اگر ما رعایت کردیم، دیگران باشند یا نباشند؛ همراه ما باشند یا مقابل ما باشند، خدای متعال پشتیبان ما خواهد بود. و ما این راه را به فضل الهی ادامه خواهیم داد و می‌دانیم که خدای متعال با ماست و توجّهات ولّی عصر ارواحناده، ان شاء الله شامل حال شما ملت است.

وجود مقدس نبی مکرم اسلام محور وحدت امت اسلام

- وحدت، صدقه جاریه انقلاب
- دو خصوصیت دشمن اسلام و مسلمین
- عقب نشینی ابرقدرت دنیا در مقابل جمهوری اسلامی
- بهترین وسیله دشمن علیه اسلام
- علیه هم کار نکردن منابع دنیای اسلام
- ضرورتی حیاتی برای مسلمین
- وظیفه علما و متفکرین دنیای اسلام
- استفاده دشمن از کسانی که حتی غرض و مرض ندارند

وجود مقدس نبی مکرم اسلام محور وحدت امت اسلام*

وحدت، صدقه جاریه انقلاب

یکی از صدقات جاریه انقلاب که به برکت ذهن بیدار امام راحل رضوان الله تعالی علیه تحقق پیدا کرد، این بود که ایام ولادت نبی اکرم علیه و علی آله الصّلاة و السلام، به عنوان ایام وحدت معرفی شد. از این جهت این مسأله جالب است که وحدت اسلامی یک آرزوست. بعضی واقعاً این آرزو را دارند، بعضی هم یک حرفی می‌زنند؛ لقلقه لسانی است. به هر صورت این آرزو، یک راه عملی لازم دارد.

هیچ آرزویی بدون مجاهدت و تلاش تحقق پیدا نمی‌کند و وقتی که ما به راههای عملی برای این مقصود و این آرزو فکر می‌کنیم، یکی از بهترینها و بزرگترینها، همین شخصیت عظیم الشان عالم خلقت، یعنی وجود مبارک پیامبر گرامی و مرکزیت این بزرگوار برای عواطف و عقاید عامه مسلمین است. در بین حقایق و معارف اسلامی، چیزی که به این صورت مورد توافق آراء و عقاید و نیز عواطف همه مسلمین باشد، شاید نداشته باشیم یا خیلی نادر باشد؛ چون عواطف هم نقش زیادی دارد. به غیر از بعضی اقلیتها و جمعیتهای جدا شده از عامه مسلمین که به عواطف چندان اهمیت نمی‌دهند و کاری به محبت، توجه و توسل ندارند، عامه مسلمین، با عواطف نسبت به نبی اکرم علیه و علی آله الصّلاة و السلام سروکار دارند. بنابراین، وجود این بزرگوار می‌تواند محوری برای وحدت باشد.

دو خصوصیت دشمن اسلام و مسلمین

من می‌خواهم امروز با حضور مسؤولان عالی رتبه کشور و برجستگان دنیای اسلام از کشورهای مختلف،

همین نکته را مورد توجه ویژه‌ای قرار دهم.

برادران عزیز؛ خواهان عزیز و گرامی! امروز مسأله وحدت برای مسلمین یک نیاز قطعی است. امروز دشمن اسلام و مسلمین، دو خصوصیت دارد که در طول تاریخ این دو خصوصیت را نداشته است. یکی این که به شدت به مال، به سیاست، به تبلیغات، به انواع و اقسام ابزارهای اثر گذاری و نفوذ و ضربه زدن، مجهز است. دشمن اسلام کیست؟ جبهه استکبار، از صهیونیسم تا آمریکا، تا کمپانیهای نفتی، تا قلم به مزدان و روشنفکرانی که برای آنها کار می‌کنند، در سرتاسر جهان مجهزند. هیچ وقت جبهه مقابل اسلام، این قدر به همه ابزارها مجهز نبوده است.

خصوصیت دیگر این است که همین جبهه مجهز، امروز نسبت به خطری که اسلام برای آن دارد و بیداری اسلامی برای آن به وجود می‌آورد، به شدت حساس است و این حساسیت، ناشی از این است که می‌بیند اسلام می‌تواند از مرز یک توصیه اخلاقی فراتر برود و در موضع فکری که نظامی را به وجود می‌آورد، ظاهر شود. دشمنان اسلام دیدند که اسلام توانست یک انقلاب به وجود بیاورد؛ دیدند که اسلام توانست یک نظام مستقر و پایدار به وجود بیاورد؛ دیدند که اسلام توانست یک ملت را به خود آگاهی برساند، آنها را از حالت هزیمت روحی، به استقرار و اتکاء به نفس و اعتزاز به خود و دین خود تبدیل کند و برساند؛ دیدند که اسلام می‌تواند یک ملت را آن قدر مقتدر و قوی کند که همه آن ابزارهایی که گفتیم، در مورد این ملت بی اثر و کند شود.

عقب نشینی ابرقدرت دنیا در مقابل جمهوری اسلامی

تقریباً هفده سال بعد از پیروزی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تنها ابرقدرت مدّعی ابرقدرتی در دنیا، در مصاف سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی وادار به عقب نشینی شد. این مسأله‌ای است که امروز آن را مشاهده می‌کنند. این مسأله از چشم تحلیلگران استکبار جهانی پوشیده نیست. اقتدار اسلام خودش را نشان می‌دهد. دیدند در دنیای اسلام، هر گروهی که به دنبال اصلاح محیط، جامعه و کشور خود است، به اسلام متمسک می‌شود. قبل از پیروزی اسلام در ایران، در کشورهای مختلف، گروههایی که می‌خواستند اصلاح طلبی را شعار خود بکنند، به مارکسیسم یا به ناسیونالیسمهای تند متمسک می‌شدند؛ ولی امروز در کشورهای اسلامی که نگاه کنید، روشنفکران، جوانان، روحانیون، دانشگاهیان و گروههای مختلف مردم، اگر داعیه اصلاح داشته باشند، متمسک به اسلام می‌شوند. این توانایی و ظرفیت بالای اسلام است. اینها را دشمن می‌بیند؛ لذا حساس شده است.

بهترین وسیله دشمن علیه اسلام

دنیای اسلام، در مقابل دشمن اسلام و مسلمین، با این دو خصوصیت قرار دارد: مجهز بودن بیش از همیشه و حساسیت نسبت به اسلام بیش از همیشه. این دشمن چه کار خواهد کرد؟

بهترین وسیله‌ای که این دشمن دارد، این است که بین مسلمین، اختلاف ایجاد کند؛ بخصوص بین آن بخشهایی که می‌توانند به دیگر مسلمین، الهامبخش باشند فاصله بیندازد. شما ببینید امروز در کشورهای مختلف اسلامی، چقدر پول از دلارهای نفتی و غیر آن خرج می‌شود، برای این که کتاب بنویسند و عقاید عجیب و غریب را به شیعه نسبت دهند. من یک وقت بخش معظمی از این کتابها را جمع کردم، دیدم خیلی کتاب نوشته می‌شود. زیر کترین عناصر تبلیغاتی، در تهیه و تنظیم این کتابها، برای ایجاد اختلاف، تلاش می‌کنند؛ برای این که آن بخش از جامعه اسلامی را که پرچم اسلام بلند کرده است و قلّه و اوج آن هم ایران اسلامی است - و نیز بقیه جاهایی که به مدد اسلام توانستند به جنگ حوادث زندگی بروند و با قدرتها پنجه بیندازند - از بقیه دنیای اسلام جدا کنند.

☞ علیه هم کار نکردن منابع دنیای اسلام

امروز در دنیای اسلام، پول زیاد است، فکر زیاد است، نیروی انسانی قابل‌ی وجود دارد، جمع کثیری از علما، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و شخصیت‌های سیاسی قابل در دنیای اسلام هستند و بخش عمده‌ای از منابع عظیم مالی و منابع زیرزمینی - معادن خداداد زیرزمینی - در اختیار کشورهای اسلامی است. اگر اینها با هم همسو باشند، یا لاقلاً علیه هم کار نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد! دشمن کاری می‌کند که در دنیای اسلام، همه این منابع انسانی و مالی، در مقابل هم قرار گیرد، رژیم عراق را تحریک کردند؛ هشت سال یک جنگ خانمان برانداز در این منطقه به وجود آوردند، بعد هم کمکش کردند که اگر بتواند این نهال نورسته را به کلی از بیخ و بن برکند، که البته نتوانستند. «ضرب الله مثلاً کلمة طيبة كشجرة طيبة، اصلها ثابت»، این خصوصیت کلمه اسلامی است، قابل ریشه کن کردن نیست: «و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها»^۱

☞ ضرورتی حیاتی برای مسلمین

امروز هم از لحاظ سیاسی، حداکثر تلاش را می‌کنند؛ لذا استنتاج من، فهم و برداشت من و توصیه من به عنوان یک خدمتگزار؛ به عنوان آدمی که توطئه دشمن را می‌بیند و حس می‌کند، به برادران مسلمان این است که امروز اتحاد بین مسلمین، برای مسلمین یک ضرورت حیاتی است. شوخی و شعار نیست؛ جداً باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند. البته وحدت امر پیچیده‌ای است؛ ایجاد اتحاد یک کار پیچیده است. اتحاد بین ملت‌های اسلامی، با اختلاف مذاهب می‌سازد، با اختلاف شیوه‌های زندگی و آداب زندگی می‌سازد، با اختلاف فقه‌ها می‌سازد. معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی، این است که در مسائل مربوطه به جهان اسلام، همسو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند و در داخل این ملت‌ها، سرمایه‌های خودشان را علیه یکدیگر به کار نبرند. یکی از عواملی که می‌تواند در این زمینه مرکز باشد، عبارت است از وجود مقدس نبی اکرم صلی الله



علیه و آله و سلم. مسلمین و روشنفکران اسلامی باید بر روی شخصیت و تعالیم این بزرگوار و محبت به این بزرگوار، با دید همه گیر نسبت به اسلام سرمایه گذاری کنند. از جمله عواملی که می تواند محور این وحدت قرار گیرد و همه مسلمین می توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل بیت پیغمبر است. اهل بیت پیغمبر را همه مسلمین قبول دارند. البته شیعه اعتقاد به امامت آنان دارد؛ غیر شیعه، آنان را به معنای امامت در اصطلاح شیعی، امام نمی داند، لکن از بزرگان اسلام که می داند، خانواده پیغمبر که می داند، مطلع از معارف و احکام اسلامی که می داند. مسلمین باید در عمل به کلمات ائمه علیهم السلام و اهل بیت پیغمبر، اتفاق کلمه کنند. این یکی از وسایل وحدت است.

🕌 وظیفه علما و متفکرین دنیای اسلام

البته این، یک کار فنی است؛ کار آسانی نیست و مقدماتی دارد. کسانی که اهل فتند، اهل حدیثند، اهل علوم وابسته به حدیثند، می دانند که مقدمات این کار چیست. باید معیارهای درک حدیث، تلقی و تحمل حدیث و معیارهای صحت و اعتبار حدیث، مورد توافق قرار گیرد. باید بر روی رجال حدیث توافق شود. در گذشته، عمدتاً دستگاه خلافت بنی عباس و مقداری هم بنی امیه، طوری ترتیب دادند که معارف اهل بیت را از ذهنیت دنیای اسلام بیرون کنند؛ لذا روایات آنان کم نقل شده است. محدث، حدیث را نقل می کند و برای او فرقی ندارد که حدیث را از حسن بصری، از قتاده و از دیگران نقل می کند. چرا از جعفر بن محمد علیه الصلاة والسلام نقل نکنند؟! دستگاه خلافت امثال هارون، مأمون، معتصم، متوکل و امثال اینهاست که مانع می شدند، راهها را می بستند، بعضی هم رجال حدیث را متهم می کردند؛ لذا یکی از کارهایی که باید بشود، تلقی مشترک در این زمینه های مقدمات حدیث است. علما در این زمینه وظیفه دارند؛ متفکرین اسلامی در این زمینه وظیفه دارند.

چقدر جای دریغ و افسوس است که ذهن متفکر اسلامی که برای عزت مسلمین و برافراشتن پرچم اسلام باید قلم بزند و تلاش کند، به دنبال مسائل اختلافی، ایجاد اختلاف، ایجاد دعوا و خلأ بین مسلمین برود، قلم بزند و کار کند؛ یکی را متهم و یکی را از دین خارج نماید! علما در این زمینه، برای انجام وحدت و فراهم کردن مقدمات وحدت وظیفه بزرگی دارند؛ نه فقط علمای یک طرف، بلکه علمای هر دو طرف.

🕌 استفاده دشمن از کسانی که حتی غرض و مرض ندارند

برادران و خواهران! گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف - هم در بین شیعه، هم در بین سنی - از آدمهایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می کند. در جامعه شیعه حرکتی انجام می گیرد که برای برادر مسلمان غیر شیعه تحریک کننده و حساسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه سنی انجام می گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حساسیت برانگیز و نفرت برانگیز است. چه کسی این کارها را می کند؟! امروز دشمن واحدی در مقابل ماست؛ علاوه بر این که کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد،

کعبه واحد، حجّ واحد، عبادت واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسأله اتحاد بین مسلمین یک امر جدی است. با این مسأله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حسّاس است که در یک عمر اثر می گذارد. نباید بگذارید دیر شود. جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار، از روز اول در این زمینه قدم برداشته است. امام بزرگوار ما رضوان الله علیه، پیشوای این راه بود و بزرگان، مسؤولان، گویندگان، نویسندگان، دستگاههای مختلف و متفکرین دنیای اسلام هم تلاشهای زیادی کردند. نگذارید این تلاشها ضایع شود.



هدف از اختلاف افکنی دشمن، جداسازی ملت‌های مسلمان از ملت ایران

❦ ولادت پیامبر (ص)، رحمتی مستمر

❦ علت طرفدار پیدا کردن دعوت اسلامی در جهان

❦ خصومت با اسلام و ارزش‌های اسلامی در سطح جهان

❦ مسأله امروز دنیای اسلام

❦ اهداف مشخص و تعریف شده استکبار برای

دنیای اسلام

❦ کمک به اهداف استکبار همانند جنگ با آیات

الهی در صدر اسلام

❦ همه قدرت ملی ایران در مقابل استکبار

هدف از اختلاف افکنی دشمن، جداسازی ملت‌های مسلمان از ملت ایران*

❏ ولادت پیامبر (ص)، رحمتی مستمر

این ولادت بزرگ، ولادت برترین نمونه‌های رحمت الهی برای بشریت بود؛ چون وجود آن بزرگوار و ارسال این پیامبر بزرگ، رحمت حق تعالی بر بندگان بود. این ولادت، ولادت رحمت است. دنیای اسلام باید این نکته را درک کند که این رحمت، یک رحمت منقطع نیست؛ بلکه یک رحمت مستمر است. آن روز، بسیاری از افراد بشر، از روی جهالت یا به خاطر عصبیتهای خودخواهانه، با این مظهر نور و هدایت بشر جنگیدند؛ با این که پیامبر (ص) برای برداشتن بار از روی دوش بشریت، به جهان آمده بود: «ویضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت علیهم»^۱. چه بارهای سنگینی بر دوش آحاد بشر آن روز بود! چه غله‌های سنگینی بر گردن بشر افکنده شده بود! امروز هم همین طور است. اگر کسی ادعا کند که بر دوش بشریت امروز، بارهایی سنگینی می‌کند که از بار دوش انسانهای جاهل جزیره‌العرب در آن روز، سنگینتر است، سخن گزافی نگفته است. این ظلمی که به آحاد بشر می‌شود، این حق‌کشی‌ای که در جوامع بشری انجام می‌گیرد، این غلبه دادن مادیت بر زندگی بشر و راندن معنویت از محیط زندگی انسانها که امروز به زور و با شیوه‌های مختلف بر آحاد بشر تحمیل می‌شود، اینها بار بر دوش بشریت است. آنچه که امروز بشریت در دوران تمدن صنعتی و زیر تشعشع مادیگری جذّاب و فریبنده احساس می‌کند، سنگینتر و سخت‌تر و - در مواردی - تلختر است از آنچه که در ظلمات جاهلیت هنگام ظهور اسلام، حس می‌کرد و بر دوش او سنگینی می‌نمود! اگر امروز بشریت متوجه این رحمت شود - رحمت وجود اسلام، رحمت تعالیم نبوی، این سرچشمه جوشان وحدت - و آن را بیابد و خود را از آن سیراب کند، بزرگترین مشکل بشر

* بیانات در دیدار کارگزاران نظام و شخصیت‌های خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۰۵/۱۳

برطرف خواهد شد.

علت طرفدار پیدا کردن دعوت اسلامی در جهان

اگر چه همین امروز هم، تمدنهای موجود عالم، بلاشک از تعالیم اسلام بهره‌مند شده‌اند و بدون تردید آنچه از صفات و روشهای خوب و مفاهیم عالی در بین بشر وجود دارد، متخذ از ادیان الهی و تعالیم انبیا و وحی آسمانی است و بخش عظیمی از آن، به اسلام متعلق است؛ لیکن امروز بشر به معنویت و صفا و معارف روشن و حق و دلپذیر اسلام - که هر دل با انصافی آن معارف را می‌پذیرد و می‌فهمد - نیازمند است. لذاست که دعوت اسلامی در جهان، طرفدار پیدا کرده است و بسیاری از غیر مسلمین هم دعوت اسلامی را پذیرفته‌اند. پذیرش دعوت اسلام، به معنای پذیرش دین اسلام به طور رسمی نیست. این، یک مرحله از آن است. یک مرحله دیگر این است که مردم جهان، پیام و معارف و حقایق و پیشنهاد اسلام در یک مسأله را بپذیرند. امروز آن روزی است که وقتی ملتها در مقابل پیام اسلام قرار می‌گیرند، احساس چیزهایی می‌کنند که برای آنها مفید است و خلأهای زندگی آنها را پر می‌کند. آنچه اسلام در مورد ارزش و اهمیت و اهداف انسان بیان می‌کند، آنچه اسلام در مورد خانواده و زن و هدف علم و روابط جوامع با یکدیگر و مناسبات اجتماعی اقویا و ضعفا با هم می‌گوید، چیزهایی است که امروز مردمی که در زیر تمدنهای گوناگون زندگی می‌کنند، وقتی به اینها نگاه می‌کنند، احساس می‌نمایند که گره‌های زندگیشان با این چیزها باز و برطرف خواهد شد. لذا پیام اسلام پرجاذبه است. به همین دلیل هم است که برخورد استکبار جهانی و دستگاههای تبلیغی عالم - که به همان مراکز زورگویی و ظلم و انسان ستیزی وابسته‌اند هستند - با پیام اسلام، یک برخورد خشن بسیار خصمانه است.

خصوصیت با اسلام و ارزشهای اسلامی در سطح جهان

از وقتی که نظام جمهوری اسلامی - که نشان دهنده تحقق اسلام در سطح زندگی یک کشور و نشان دهنده تحقق پیشنهاد سیاسی اسلام است - در عالم تحقق پیدا کرد و جمهوری اسلامی در ایران به وجود آمد، خصوصیت با اسلام و ارزشهای اسلامی در سطح جهان، از سوی قدرتهای ستمگر و مستکبر مضاعف شد. تا وقتی که اسلام فقط در مساجد و در کنج دلهاست، تا وقتی که اسلام قدم در صحنه سیاست و مبارزه و حکومت و صحنه‌های عظیم بین‌المللی نگذاشته است، مراکز ظلم و طغیان جهانی، از آن احساس خطری نمی‌کنند که بخواهند با آن در بیفتند و پنجه بیندازند. از روزی که نظام اسلامی، پرچم حکومت را در این کشور بلند کرد و مسلمین از اقطار عالم، به ندای امام راحل عظیم ما رضوان الله علیه پاسخ گفتند و به سمت آن اظهار ارادت و علاقه کردند و گروههای زیادی در این جهت حرکت کردند و شعار احیای مجدد اسلام، برای مسلمین یک شعار روز شد، دشمنیها هم بیشتر گردید.

مسئله امروز دنیای اسلام

آنچه که من در این ایام و در این هفته و به مناسبت این ولادت بزرگ می‌خواهم عرض کنم، این است که اولاً مسلمانان باید قدر این چشمه جوشان رحمت را بدانند و تبلیغ دشمن و برخورد خصومت آمیز و فتنه‌انگیزی استکبار، آنها را از این حقیقت روشن و درخشان منصرف نکند.

نکته دوم این است که استکبار از روزی که احساس کرد این حقیقت در ایران پایدار و مستقر و متمکن شده است و فهمید که نمی‌تواند آن را ریشه کن کند و این نهضت و حرکت و بنا را از بین ببرد، تلاش خصمانه خود را طور دیگری شروع کرد و آن این بود که مسلمین عالم را از این انقلاب و از این ملت و از این رهبری عظیم و حکیمی که دنیا به عظمت او اعتراف کرده بود، جدا کند؛ یعنی جداسازی ملت‌های دیگر از ملت ایران؛ جداسازی زمینه‌های مستعد حیات اسلامی از این حرکت بالفعل و موجود که می‌توانست مشوق آنها شود؛ جدا کردن کشورهای عربی و غیر عربی؛ جدا کردن کشورهای که نظامها و رژیم‌های آنها، ارتباطات دوستانه‌ای با استکبار و مراکز استکباری دنیا داشتند. اینها را در برنامه جدی خود - در سطح سیاسی و دولتی و حکومتی - قرار داد و متأسفانه در این سطح، برخی از دولت‌ها کاملاً فریب و بازی خوردند و در دامی که برای آنها گسترده شده بود، افتادند.

استکبار می‌خواست دولتها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولتها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود؛ اما بعضی از دولتها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملت‌ها هم مسئله اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد. عده‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند. عزیزان من! امروز در دنیای اسلام، مسئله این است.

اهداف مشخص و تعریف شده استکبار برای دنیای اسلام

آن روحانی‌نمایی که در یک کشور دوردست، به عنوان خطبه جمعه یا غیر جمعه می‌ایستد و به جای این که به آمریکا و اسرائیل و دشمنان دنیای اسلام و کفر و استکبار حمله کند، به فرقه‌ای از فرق مسلمین حمله می‌کند؛ این کار ساده و بی‌مقدمه و بی‌ارتباط به حیات دوباره اسلام نیست. آن کسی که علناً و آشکارا، مقدسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است. امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از هدفهای مشخص و تعریف شده استکبار است. روی این، برنامه‌ریزی و کار و سیاستگذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند.

داخل ایران هم مواردی وجود دارد؛ چون می‌بینند در ایران برادران مسلمان شیعه و سنی، در یک صف

واحد، در زیر یک پرچم واحد، با یک شعار واحد، در یک جبهه واحد، در کنار هم و با هم هستند. در جنگ تحمیلی هشت ساله، از کسانی که می‌خواستند برون‌داز تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند. در ایران، خونها درهم آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد. استکبار، نمی‌تواند این را ببیند. برای هر فرقه‌ای، بهانه‌ی درست می‌کنند. ساده‌ترین و فریب‌بخورترین افراد را در هر فرقه‌ای پیدا می‌کنند و چیزی در دهانش می‌گذارند، تا برود آنچه را که او می‌خواهد، برایشان تکرار کند!

🕌 کمک به اهداف استکبار همانند جنگ با آیات الهی در صدر اسلام

همه باید مراقب باشند. هر کسی که امروز به این هدف استکبار کمک کند - یعنی ملت ایران را از ملتها و کشورهای دیگر جدا کند - در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام جنگیدند؛ چه امروز و چه در زمان پیامبر. «کان حقیقاً علی الله ان یدخله مدخله»^۲ هر کس که امروز به هدفهای استکبار در قبال ایران اسلامی کمک کند، مثل همان کسی است که در زمان ظهور و نزول اسلام، با آیات الهی جنگید.

🕌 همه قدرت ملی ایران در مقابل استکبار

امروز این حرکت، حرکتی به سمت احیای اسلام و زنده کردن احکام منزوی شده اسلام و قرآن است. این حرکت، حرکت عظیمی است که در این جا اتفاق افتاده است. مسلمانان در همه جا می‌خواهند این حرکت را انجام دهند. اگر به کشورهای اسلام در شرق و غرب دنیای اسلام نگاه کنید، این واقعیت را مشاهده می‌کنید؛ منتها استکبار جهانی، امریکا، کمپانیهای گوناگون و صاحبان زر و زور مانع هستند. آن جایی که تسلیم زر و زور نشده است و نمی‌شود؛ آن جایی که همه قدرت ملی در مقابل استکبار قرار گرفته است، ایران اسلامی است.

این هفته وحدت، این هفته مشترک الاحترام بین مسلمین را قدر بدانید. همه سعی کنند وحدت و اتحاد نیروها و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمین را - که رمز سعادت و مایه سربلندی مسلمین و بزرگترین حربه ملتها در مقابل استکبار جهانی است - مغتنم بشمارند و قدر بدانند.

ضرورت وحدت برای حل مصائب دنیای اسلام

ریشه مصائب دنیای اسلام ❁

نگاهی به وضع دنیای اسلام ❁

علت طمع و دست اندازی قدرتها به امت اسلامی ❁

توصیه و مطالبه‌ی جدی از دولتها و ملت‌های اسلامی ❁

احتیاج امت اسلامی به وحدت برای حیات اسلام ❁

بار سنگینی که در برهه حساس به دوش ماست ❁

ضرورت وحدت برای حل مصائب دنیای اسلام*

ریشه مصائب دنیای اسلام

آنچه که من امروز در این جمع نخبگان و برگزیدگان امت اسلام می‌خواهم عرض کنم، مسأله‌ی وحدت و اتحاد بین مسلمانهاست. امروز دنیای اسلام و امت اسلامی با مصائب بزرگی مواجه است. درست است که بسیاری از این مصائب از درون دل خود ما مسلمانها برخاسته است؛ ما کوتاهی و تنبلی کردیم و با خودخواهی‌ها و دنیاطلبی‌های خودمان راه امت اسلامی به سوی قله‌ی تکامل انسانی را نیپیمودیم، که باید برگردیم؛ باید حرکت کنیم؛ باید توبه کنیم؛ اما شکی نیست که در دورانه‌های اخیر تاریخ، بخش بسیار مهمی از این عقب‌ماندگی‌ها، مصیبت‌ها و مشکلات نیز ناشی از نظم باطل جهانی امروز و دیروز است. نظام جهانی، نظام اقتدارگرایی است؛ نظام تکیه‌ی بر زور است؛ نظام زندگی انسان نیست؛ نظام زندگی جنگلی است.

نگاهی به وضع دنیای اسلام

به وضع دنیای اسلام نگاه کنید! ما سالها مسأله‌ی فلسطین را به‌عنوان زخم عمیق پیکر اسلامی همواره به یاد خودمان می‌آوردیم، امروز عراق هم اضافه شده است! ببینید که قدرتمندان با تکیه‌ی به زور چه می‌کنند. همه‌ی حرفهای غیرمنطقی و غلط را با اتکاء به زور و با اتکاء به منطق سلاح و قدرت سیاسی و پولی به شکل حرف قابل دفاع و منطقی در دنیا مطرح و عمل می‌کنند. جرائمی را که در عرف همه‌ی ملت‌های جهان جنایت و جرم است، علنی انجام می‌دهند و گاهی برای ظاهرسازی نامی هم روی آن می‌گذارند، در حالی که می‌دانند کسی آن را قبول نمی‌کند؛ اما گاهی حتی اسم و نقابی هم روی آن نمی‌گذارند. دولت غاصب صهیونیست

صریحاً اعلام می‌کند که من زبندگان فلسطینی را ترور می‌کنم و دولت امریکا هم رسماً و علناً از او حمایت می‌کند! این وضع نظام امروز جهانی است.

تروریسم - که مبارزه‌ی با آن بهانه‌ی برای قدرتمداری و اعمال زور دولت مستکبر امریکا شده است - صریحاً به‌عنوان یک کار مجاز و مشروع در زبان آنها و در عمل حکام صهیونیست تحقق پیدا می‌کند، و همه هم با تکیه‌ی بر زور و قدرت سلاح، اشغال و تصرف نظامی عراق و تحقیر و به ذلت کشاندن یک ملت با فرهنگ و بزرگ، جرم بین‌المللی است؛ اما آنها این کار را صریحاً و تحت عناوین حقوق بشر و دفاع از دموکراسی و آزادی انجام دادند، که هیچ‌کس هم در دنیا باور و قبول نمی‌کند؛ چون رفتار اشغالگران در داخل عراق درست عکس این موضوع را نشان می‌دهد و پیداست که به حقوق انسانها و به حق مردم برای تعیین حکومت هیچ اعتنایی ندارند و برای آن هیچ ارزشی قائل نیستند؛ خودشان نصب می‌کنند، خودشان حاکم معین می‌کنند، خودشان قانون می‌گذرانند و خودشان متخلف از قانون را بدون هیچگونه محاکمه‌ی مجازات می‌کنند؛ آن هم مجازات کشتار، ببینید در عراق چه می‌گذرد! این وضع امروز امت اسلامی است.

عزت طمع و دست‌اندازی قدرتها به امت اسلامی

امت اسلامی تنها به این جرم که چون در یک نقطه‌ی ثروتمند دنیا قرار گرفته است، چون گردش چرخ تمدن کنونی دنیا متوقف بر امکاناتی است که در این نقطه از دنیا بوفور موجود است، مورد طمع و دست‌اندازی قدرتها قرار گرفته که در این راه هرگونه جنایتی را برای خودشان مجاز می‌شمارند؛ این وضع امت اسلامی است! آیا امت اسلامی در مقابل این دست‌اندازی قدرتمندان نمی‌تواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما می‌توانیم دفاع کنیم؛ ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم. ما جمعیت بزرگی هستیم؛ ما ثروت عظیمی داریم؛ ما انسانهای برجسته و سرمایه‌ی معنوی‌ی داریم که به مردم ما قدرت ایستادگی در مقابل زورگویان را می‌دهد؛ ما فرهنگ و تمدن باسابقه‌ی داریم که در دنیا کم‌نظیر است؛ ما خیلی امکانات داریم، بنابراین بالقوه می‌توانیم دفاع کنیم. اما چرا دفاع نمی‌کنیم؟! چرا عملاً در میدان، کاری از ما بر نمی‌آید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم؛ چون به بهانه‌های گوناگون ما را از هم جدا کرده‌اند. لشکر منظم عظیم و مجهزی به نام امت اسلامی را به گروه‌هایی که هم و غمشان مقابله و مبارزه‌ی با هم و ترسیدن از هم و تعرض به هم و پنجه‌زدن به صورت یکدیگر است، تقسیم کرده‌اند. در این شرایط، معلوم است که این لشکر کارآیی نخواهد داشت.

توصیه و مطالبه‌ی جدی از دولتها و ملت‌های اسلامی

امروز وقت آن رسیده است که دنیای اسلام بازنگری کند؛ بر روی مسأله‌ی وحدت بجد فکر کند. امروز تهدید امریکا در این منطقه متوجه یک کشور و دو کشور نیست؛ متوجه همه است. امروز تهدید سرمایه‌داران صهیونیست پشت سر دستگاه حاکمه‌ی امریکا، به بلعیدن یک قسمت از منطقه‌ی ما اکتفا نمی‌کند؛ همه‌ی

منطقه را می‌خواهند ببلعند و امروز صریحاً هم این حرف را می‌گویند. «طرح خاورمیانه‌ی بزرگ»، معنایی جز این ندارد. از پنجاه و چند سال پیش که دولت غاصب صهیونیست تشکیل شد و از حدود صد سال پیش که این فکر در مجامع غربی و اروپایی شکل گرفت، نیت همین بود که می‌خواهند این منطقه را ببلعند؛ ببرند؛ لازم دارند. مردم این منطقه برایشان مهم نیستند؛ همه مورد تهدیدند. وقتی همه مورد تهدیدند، عاقلانه‌ترین راه این است که همه به فکر بیفتند و دست‌ها را در دست هم بگذارند. توصیه و مطالبه‌ی جدی ما از دولتها و ملت‌های اسلامی این است که روی این مطلب فکر و کار کنیم، که زحمت و مقدماتی دارد؛ باید مقدماتش تأمین شود. البته دشمن هم بیکار نمی‌ماند و از ابزارهای قدیمی تفرقه‌انگیز استفاده می‌کند؛ از قومیتها، مذهب و طایفه‌گری استفاده می‌کند و موضوعاتی را که اسلام تأکید کرده که عمده نشوند، آنها را عمده می‌کند.

🔗 احتیاج امت اسلامی به وحدت برای حیات اسلام

اسلام تأکید کرده است که قومیتها، ملاک تشخیص و هویت نیستند؛ «انّ اکرمکم عندالله اتقاکم». اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند؛ نگفته است برادرانی که سنی اند یا شیعه‌اند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان «انّما المؤمنون اخوة» هستند. هر کسی به این کتاب و به این قرآن و به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛ اینها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است. اما ما خنجرها را پشت سر مخفی می‌کنیم برای زدن به سینه‌ی برادران! در همه‌ی بخشها هم مقصرینی هستند. جلوی اینها را باید گرفت و با اینها باید مقابله کرد. امروز امت اسلام برای حیات، سربلندی و نجات خود و برای برافراشتن پرچم اسلام، به وحدت احتیاج دارد.

🔗 بار سنگینی که در برهه حساس به دوش ماست

کدام منطق است که در مقابل این مسائل بتواند مقاومت کند، تا اختلاف ایجاد شود؟ وحدت بر همه‌ی ضرورتها و اولویتها ترجیح دارد و از آنها اولی‌تر و مقدمتر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی‌فهمیم؟! بار سنگینی بر دوش ماست و این برهه، برهه‌ی حساسی است. اگر دشمنان بتوانند با اعمال قدرت این منطقه را تصرف کنند، دنیای اسلام باز هم مثل دوران استعمار، صد سال دیگر عقب خواهد افتاد و صد سال دیگر فاصله‌ی امت اسلامی با دنیای مدرن و صنعتی بیشتر خواهد شد. ما باید جوابش را بدهیم؛ امروز ما مسؤول هستیم؛ امروز دولتها، نخبگان، زیدگان، رجال فرهنگی و دینی مسؤولند؛ همه‌ی ما در مقابل وحدت دنیای اسلام مسؤولیم. امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) از مهمترین حرفهایی که از قبل از پیروزی انقلاب تا آخرین دوران زمان زندگی خود بر زبان داشت و تأکید می‌کرد، وحدت امت اسلامی، اتحاد مسلمانها و بزرگ نکردن بهانه‌های کوچک بود، و ما امروز می‌بینیم و می‌فهمیم که توصیه‌ی بسیار حکیمانه و بسیار درستی بوده است.

وحدت دنیای اسلام
در گرو حرکت ره‌نمایانه‌ی نخبگان و مسئولین

- ❖ راهی که امت اسلامی باید همت کند و آن را انجام دهد
- ❖ علت فاجعه‌هایی که علیه ملت فلسطین انجام می‌گیرد
- ❖ چیزی که پیغمبر از ما میخواهد
- ❖ نقطه‌ای که مسلمانها باید به آن نزدیک شوند

وحدت دنیای اسلام در گرو حرکتِ ره‌نمایانه‌ی نخبگان و مسئولین*

این روزها برای ما و امت اسلامی، روزهای بزرگی است؛ هم ولادت رسول مکرم اسلام است، هم ولادت حضرت ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق (علیهما السلام) است. و به مناسبت این ولادت بزرگ - میلاد پیامبر - جمهوری اسلامی این هفته را هفته‌ی وحدت اعلام کرده است.

آنچه در رابطه‌ی نبی مکرم و امت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، از جمله، مسأله‌ی سرنوشت امت اسلامی و حوادث و جریاناتی است که بر این امت بزرگ می‌گذرد - «لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم» - در همه‌ی ادوار تاریخ این طور است. آنچه بر امت اسلامی می‌گذرد، برای روح مطهر نبی مکرم حایز اهمیت است؛ آن دو چشم بصیر و بینا، نگران حال امت اسلامی است.

راهی که امت اسلامی باید همت کند و آن را انجام دهد

دورانهای سختی را این امت گذرانیده و فراز و نشیبهای متعددی را در تاریخ دیده است و امروز به یک نقطه‌ی تعیین‌کننده رسیده است. اگر امروز امت اسلامی همت کند، می‌تواند راهی را انتخاب کند که قلم بطلانی بر عقب‌ماندگیها و مشکلات و سختیها و ذلت‌های دنیای اسلام بکشد. پیشوای این حرکت هم نخبگان جامعه‌اند؛ چه نخبگان سیاسی، چه نخبگان علمی و فرهنگی - در حوزه‌ی دین، در حوزه‌ی دانشگاه - که می‌توانند انتخاب این راه را به امت اسلامی توصیه کنند و نشان دهند.

راه دیگر این است که امت اسلامی در همان غفلتی که دشمنان اسلام خواسته‌اند، بماند؛ در همان غفلت

بمانیم و دچار اختلافات، تنگ نظریها، خودخواهیها و دنیاطلبی و بی مسئولیتی نخبگان شویم؛ و اگر این طور شود، مسیر سعادت دنیای اسلامی حداقل ده سال دیگر از دسترس امت اسلامی دور خواهد ماند؛ خاصیت این زمان ما این طور است؛ روز انتخاب امت اسلامی است. درست است که حرکت در راه رشد و صواب، یک امر دفعی نیست - تدریجاً و در میان مدت و بلندمدت نتیجه می دهد - اما حرکتِ ره نمایانه ی نخبگان و مسئولان، و تصمیم گیری آنها در همه ی دنیای اسلام، هر روز که تأخیر بیفتد، به ضرر امت اسلامی خواهد بود؛ همه باید احساس مسئولیت بکنند. امروز روز اتحاد دنیای اسلام است. شما ببینید برای به هم زدن همین اتحاد ضعیف کنونی، دشمن چقدر سرمایه گذاری می کند. اوضاع عراق را نگاه کنید؛ اوضاع دیگر مناطق اسلامی هم کم و بیش با همان توطئه ها دست به گریبان است، برای اینکه بین طوایف اسلامی، فرّق اسلامی، اقوام اسلامی و ملت های اسلامی، به بهانه های مختلف اختلاف بیندازند: اینها، آنها را بکشند؛ آنها، اینها را بکشند؛ اینها، بعضی آنها را در دل پیورانند؛ آنها، متقابلاً کینه ی اینها را به دل بگیرند؛ نتیجه این بشود که از دشمن اصلی دنیای اسلام، طراحان تسلط و سیطره بر این منطقه از دنیا، غافل بمانند.

🕌 علت فاجعه هایی که علیه ملت فلسطین انجام می گیرد

اگر دنیای اسلام متحد باشد، نباید امروز فلسطین تنها بماند؛ نباید امروز دولت برخاسته ی از رأی ملت فلسطین زیر فشار قرار بگیرد و به قطع کمکها، در صورتی که از اصول خود منصرف نشود، تهدید بشود. دنیای اسلام بایستی با صدای واحد و با کلمه ی واحد، حمایت خودش را از ملت فلسطین و مسئولان فلسطینی اعلام کند و از پافشاری آنها بر اصولشان پشتیبانی کند. اگر این بشود، آن کسانی که خودشان بانی بدبختی ملت و کشور فلسطین هستند، دیگر نمی توانند این طور در میدان طلبگاران حرف بزنند. این همه فاجعه علیه ملت فلسطین انجام می گیرد، آقایان اروپایی های بشر دوست و طرفدار حقوق بشر)!) صمّ بکم؛ گویی کردند، کورند و نمی بینند. آن وقت دولت فلسطینی به رأی و خواست مردم سر کار می آید، علیه اش حرف می زنند و موضع گیری می کنند. این، به خاطر تفرّق دنیای اسلام است؛ این، به خاطر خودخواهیهای نخبگان و سیاستمداران دنیای اسلام است.

🕌 چیزی که پیغمبر از ما میخواهد

ما باید بیدار شویم؛ ما باید امروز بفهمیم که تصمیم ما، سرنوشت تاریخی دنیای اسلام را تعیین می کند. البته این تصمیم، فقط مربوط به شخص خود ما و امروز خود ما نیست. امروز هیچ راهی در مقابل امت اسلامی وجود ندارد، مگر اینکه به قدرت خود ایمان بیاورد و از ادامه ی انظلام پرهیز کند و تصمیم بگیرد زیر بار زور گویی نرود. ما ملت های اسلامی را دعوت نمی کنیم به اینکه شمشیر به دست بگیرند و با کشورهای دنیا جنگ کنند؛ ما آنها را توصیه می کنیم به اینکه حق خود، قدر خود، عزت خود، عزت

ملتهای خود، تاریخ و میراث ارزشمند خود را بشناسند، قدر آن را بدانند و به آن تکیه کنند؛ اجازه ندهند که دنیای کفر و استکبار - که امروز در مشیت صهیونیست‌هاست - آنها را تحقیر کند؛ این حرف ماست. «عزیز علیه ما عنتم» سختی شما و سختی دنیای اسلام و ملت اسلامی، بر پیغمبر سخت است. «حریص علیکم» می‌خواهد شما هدایت شوید؛ می‌خواهد شما سعادت‌مند شوید و می‌خواهد شما از این صراط مستقیم الهی - که برای سعادت دنیا و آخرت، پیش پای شما گذاشته است - استفاده کنید و پیش بروید؛ پیغمبر این را از ما می‌خواهد.

نقطه ای که مسلمانها باید به آن نزدیک شوند

ما عرض می‌کنیم وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهمترین نقطه‌ی ایجاد وحدت است. قبلاً هم این را عرض کردیم که دنیای اسلامی می‌تواند در این نقطه به هم پیوند بخورد؛ اینجا، جایی است که عواطف همه‌ی مسلمانها در آنجا متمرکز می‌شود؛ این، کانون عشق و محبت و دنیای اسلام است. حالا شما ببینید قلمهای پول گرفته‌ی از صهیونیست‌ها، همین کانون را مورد توجه قرار می‌دهند و به آن اهانت می‌کنند؛ برای اینکه اهمیت اهانت به امت اسلامی و تحقیر دنیای اسلام، کم‌کم از بین برود. این، نقطه‌ی اصلی است؛ سیاستمداران، نخبگان علمی و فرهنگی، نویسندگان، شعرا و هنرمندان ما روی این نقطه تکیه کنند و همه‌ی مسلمانها با این شعار به هم نزدیک شوند. موارد مورد اختلاف را در نظر نگیرند، یکدیگر را متهم نکنند، یکدیگر را تکفیر نکنند و یکدیگر را از حوزه‌ی دین خارج نکنند. دلها در سراسر امت اسلامی، به یاد پیامبر و به عشق پیغمبر طراوت پیدا می‌کند؛ همه‌ی ما دل‌باخته و عاشق آن بزرگواریم. این هفته، حقیقتاً هفته‌ی وحدت است؛ این ایام حقیقتاً ایام اتحاد مسلمانهاست. مسئولان سیاسی، وظیفه‌شان سنگین است؛ مسئولان فرهنگی، نویسندگان و علما، باید از طرح مسائل اختلاف‌آفرین و تفرقه‌افکن بپرهیزند؛ هم سنتی و هم شیعه، همه، باید روی این نقطه‌ی اتحاد تکیه کنند. و توقع از علما و زبده‌گان و نخبگان سیاسی است که خطورت زمان را بفهمند، اهمیت اتحاد مسلمانان را بفهمند و توطئه‌ی دشمنان را برای شکستن این اتحاد و همدلی بفهمند.

ضرورت تهیه منشور وحدت دنیای اسلام

- ❖ مسئله‌ی اول در دنیای اسلام
- ❖ بیماری‌ای که دشمن در بدن دنیای اسلام نفوذ داد
- ❖ عملی کردن وحدت اسلامی
- ❖ مراد از وحدت اسلامی
- ❖ چگونگی تمسک به حبل‌الله
- ❖ مهمترین مسئله‌ی دنیای اسلام
- ❖ فرصتی بزرگ برای دنیای اسلام
- ❖ غفلت مسلمانان از توانایی خود، عامل آورده شدن فلسطینی‌ها
- ❖ یکی از بزرگترین هنرهای امام(ره)
- ❖ خوشحالی ملت ایران از انجام وعده الهی

ضرورت تهیه منشور وحدت دنیای اسلام*

این جلسه، بسیار جلسه‌ی مهم و با عظمتی است. شما از مجموعه دنیای اسلام در این جا گرد آمدید. بدون شک آینده‌ی دنیای اسلام را باید از برنامه‌های زبدگان دنیای اسلام شناخت؛ زبدگان علمی و زبدگان دینی و زبدگان سیاسی. این جمع و جماعت‌های برجسته‌ی دنیای اسلام اگر با نگاه حقیقت‌بین و دردشناس به امت اسلامی نگاه کنند و دنبال علاج باشند، امت اسلامی آینده‌ی خوبی خواهد داشت. اگر ما وظایف خودمان را نشناسیم، یا به آن عمل نکنیم، باز هم سالهای طولانی دنیای اسلام به همان دردهایی که امروز دچار آن هست، دچار خواهد بود. وظیفه‌ی ما سنگین است.

مسئله‌ی اول در دنیای اسلام

موضوع بحث شما اقلیت‌های اسلامی در کشورهای غیراسلامی است. البته موضوع مهمی است و جای آن هست که درباره‌ی این موضوع، مجمع تقریب و برجستگان دنیای اسلام فکر و برنامه‌ریزی کنند. من از آنچه که در این زمینه شما انجام دادید، تقدیر می‌کنم؛ ولیکن نکته‌ای را می‌خواهم عرض بکنم و آن، این است که مسئله‌ی اول مادر دنیای اسلام، «وحدت امت اسلامی» است. اگر ما بتوانیم بر کید دشمن فائق بیاییم و نقشه‌ی او را در ایجاد اختلاف خنثی کنیم، بسیاری از مشکلات ما برطرف خواهد شد. مشکل اقلیت‌های اسلامی هم از جمله‌ی این مشکلاتی است که برطرف خواهد شد. ما دچار یک بیماری مهلکی هستیم که باید همت کنیم و این بیماری را از خودمان دفع کنیم. اختلافات بین دنیای اسلام و ناهماهنگی‌ها و دامن زدن به دشمنی‌ها، بیماری بسیار خطرناکی است. و من به شما

عرض کنم که اگر در طول زمانهای گذشته این بیماری به طور طبیعی در جسم دنیای اسلام و امت اسلامی وجود داشت، امروز دستهای سیاسی بشدت به دنبال تشدید این بیماری هستند. ما نمونه‌های آن را در دنیای اسلام داریم می‌بینیم، که انسان به خود می‌لرزد. ما از دشمنهای بیرونی نمی‌ترسیم. هیبت آمریکا و قدرتهای استکباری تا حالا ما را دچار ترس و تردید نکرده؛ لشگرکشی‌های خصمانه، تبلیغاتی و سیاسی و نظامی و اقتصادی ما را مطلقاً در موضع انفعال قرار نداده و قرار نخواهد داد؛ اما از این بیماری درون دنیای اسلام، ما به خودمان می‌لرزیم و می‌ترسیم. این را علاج کنید.

بیماری ای که دشمن در بدن دنیای اسلام نفوذ داد

از وقتی پرچم اسلام در ایران بلند شد و جمهوری اسلامی با هدف تحقق بخشیدن به اهداف اسلامی تشکیل شد، دشمنان اسلام نقشه‌ی اختلاف را با دقت طراحی کردند و دنبال می‌کنند؛ چون وقتی مسلمانها احساس شرف و عزت کردند، وقتی دیدند می‌شود پرچم اسلام را بلند کرد، وقتی روح هويت اسلامی در آنها بیدار و زنده شد، وقتی توده‌های مسلمان شعار اسلام را در همه جا سر دادند، فهمیدند که خطر برای منافع استکبار در این منطقه‌ی عظیم اسلامی، خطر جدی است و منافع متجاوزانه‌ی آنها تهدید می‌شود.

دنیای اسلام، تقریباً با یک میلیارد و نیم جمعیت، با امکانات فراوان اقلیمی و جغرافیایی و طبیعی و انسانی و سرمایه‌های بی‌نظیری که در اختیار دارد، می‌تواند یک مجموعه عظیم و متحد را تشکیل بدهد. امروز بیش از دویست سال است که کیسه‌ی استعمار غربی از این منطقه پیوسته پُر می‌شود؛ چه در دوران استعمار، چه در دوران استعمار نو، چه در دوران جدید، به شکلی این منطقه در خدمت اهداف سیاسی دنیای استکبار بوده، که در رأس آن امریکاست. اگر امت اسلامی وحدت خود را به دست بیاورد، اگر قدرت اسلامی به معنای حقیقی کلمه خود را نشان بدهد، اگر استقلال اسلامی، استقلال حقیقی، در این مناطق به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، تسلط و سیطره‌ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دشمن قطع خواهد شد. اینها به این راضی نیستند و با همه‌ی وجود تلاش می‌کنند این اتفاق نیفتد. راهی که آنها پیدا کردند، ایجاد اختلاف است و این بیماری متأسفانه در جسم دنیای اسلام نفوذ کرده. من از شما درخواست می‌کنم به این مسأله به طور جدّ بیندیشید.

عملی کردن وحدت اسلامی

ما اسم وحدت اسلامی را خیلی می‌آوریم و همه دم از وحدت اسلامی می‌زنیم؛ همه دم از برادری اسلامی می‌زنیم؛ در عمل هم مجموعه‌ای از زبندگان دنیای اسلام، حقیقتاً احساس برادری می‌کنند - الان در این جلسه، روح برادری و اخوت موج می‌زند - ما همه یکدیگر را از خود می‌دانیم و بین خودمان فاصله‌ای قائل نیستیم. این، واقعیتی است؛ اما ما نماینده و نشان دهنده‌ی واقعتهای دنیای اسلام در صحنه‌ی سیاست،

در صحنه‌ی حکومتها، در میان توده‌های مردم، به معنای واقعی کلمه، نیستیم. دشمنان بذر اختلاف را در بین امت اسلامی می‌پاشند و سیاسیون ناخالص، تعصبهای غلط، ندیدن آفاق بلند دنیای اسلام و محدود شدن در ظرفهای کوچک، زمینه رشد این تعصبهاست.

بعضی از دوستان به عراق اشاره کردند. ببینید در عراق چه اتفاقی دارد می‌افتد. امروز در عراق، در برخی از کشورهای دیگر، کسانی از برادران سنی و شیعه در مقابل هم قرار دارند و متقرباً الی الله با هم دشمنی می‌کنند! چرا؟ چه کسی این انگیزه‌های باطل را در میان اینها تزریق کرده؛ اینها که از اسلام نیست. بیایید وحدت اسلامی را عملی کنید و منشوری را که همه‌ی علمای اسلام، همه‌ی روشنفکران دنیای اسلام، همه‌ی برجستگان سیاسی با اخلاص دنیای اسلام آن را تأیید و تصدیق کنند و برای عملی کردن آن تلاش کنند، تهیه کنید، تا دیگر مسلمانی جرئت نکند متکلم به کلمه‌ی توحید را که در یک مذهب یا در یک جناح دیگر است، تکفیر کند؛ تا برادران با هم باشند.

✎ مراد از وحدت اسلامی

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «ولاتنازعوا فتفشلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.

✎ چگونه تمسک به حبل الله

قرآن می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به این که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جميعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید. و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر این که مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمانها و همدست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى». این، اعتصام به حبل الله را برای ما معنا می‌کند. تمسک به حبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت.

امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می‌کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت

خود، در موضعگیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست. در همین تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان در این یک ماه اخیر - که به این حماسه بزرگ اسلامی از سوی حزب الله منتهی شد و نصرت الهی بر اینها نازل شد - امریکا صریحاً وارد میدان جنگ شد و فقط به حمایت زبانی و مالی و سیاسی اکتفا نکرد و برای رژیم صهیونیستی تسلیحات فراهم کرد، فرستاد و کمک کرد. در واقع این جنگ را امریکاییها خواستند و آنها شروع کردند. امروز طاغوت اعظم آمریکا بیهوش است. در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروهی و ثقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با امریکا بشتابند، دعوت نمی کنیم؛ ما دعوت می کنیم که تسلیم امریکا نشوند. ما دعوت می کنیم که با دشمن اسلام و مسلمین همکاری نکنند. یکی از اقسام همکاری نکردن همین است که به وسوسه های آنها در زمینه ی وحدت امت اسلامی اعتنا نکنند و امت اسلامی را با اتحاد خودش حفظ کنند.

مهمترین مسئله ی دنیای اسلام

امروز به نظر ما مهمترین مسئله ی دنیای اسلام، مسئله ی اتحاد است. اگر این اتحاد انجام شد، ما پیشرفت علمی هم می توانیم پیدا کنیم؛ پیشرفت سیاسی هم می توانیم پیدا کنیم. شما می بینید دشمنان دنیای اسلام چه فشاری بر روی مسئله انرژی هسته ای در ایران دارند. آنها می دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آنها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند. یک کشور اسلامی ای که نشان داده که تسلیم سیاستهای امریکا نیست؛ نشان داده که از امریکا نمی ترسد. این کشور اسلامی باید به پیشرفت مهمترین تکنولوژی امروز دنیا - یعنی تکنولوژی هسته ای - مجهز نباشد. آنها به خاطر این، فشار را وارد می کنند. البته ما تصمیم خودمان را گرفته ایم. ملت ایران در طول بیست و هفت سال بعد از انقلاب، با تجربه فهمیده است که تنها راه خلاصی از کید دشمنان، توکل به خدا و صبر در میدان و مجاهدت است. ما این راه را تا امروز رفته ایم و ثمرات شیرین آن را چشیدیم و به حول و قوه ی الهی در ادامه هم همین راه را با قوت تمام خواهیم رفت، که آثارش را هم می بینیم.

فرصتی بزرگ برای دنیای اسلام

برادران و خواهران عزیز! امروز دنیای اسلام در یک وضع استثنایی است. می توان گفت قرنهاست که این فرصتی که امروز دنیای اسلام دارد، گیر دنیای اسلام نیامده است. امروز فرصت بسیار بزرگی در مقابل ماست؛ ملت های اسلامی بیدار شده اند، موج بیداری اسلامی به زوایای دنیای اسلام کشیده شده، ملت های اسلامی به حقوق خودشان واقف شده اند و بسیاری از رهبران اسلامی - ولو تظاهر نکنند - در باطن خودشان سرشار از بغض و دشمنی با استکبارند، که این را ما می بینیم. در بسیاری از کشورهای اسلامی سران و رهبران و سیاستمداران و مسؤولان، بسیار دلگیر و ناراحت از رفتارهای امریکا و قدرتهای استکباری

هستند. این، یک فرصت بزرگ برای دنیای اسلام است و از این فرصت باید استفاده کرد. یک وظیفه سیاستمداران دارند، یک وظیفه هم رهبران فکری و فرهنگی دارند. این وظیفه‌ی دوم از وظیفه‌ی اول کم‌اهمیت‌تر نیست. علمای اسلام، روشنفکران و اساتید دنیای اسلام، متفکران برجسته‌ی دنیای اسلام، این کسانی که تربیونهای مردمی در اختیار آنهاست و می‌توانند افکار مردم خودشان را بسازند، وظیفه‌ی بزرگی دارند و باید قدرت ملی، قدرت توده‌ی مردم در دنیای اسلام را بدرستی به آنها تفهیم کنند. چند قرن است - از اول دوران استعمار تا حالا - که دستگاه استکبار خواسته است به ملت‌های مسلمان تفهیم کند که از شماها کاری ساخته نیست؛ شماها توانایی مقابله‌ی با ما را ندارید. البته استعمار توانسته این مسئله را در مدتی طولانی به جمع زیادی از مردم مسلمان بباوراند و خیانت بعضی از سیاستمداران هم به این کمک کرد. نتیجه‌ی این باور غلط، گرفتاریهای بزرگی شد که در رأس آن، مسئله‌ی قدس شریف و مسئله‌ی فلسطین است.

🔸 غفلت مسلمانان از توانایی خود، عامل آورده شدن فلسطینی‌ها

الان نزدیک به شصت سال است که فلسطین، خانه‌ی اسلام، متضمن قبله‌ی اول مسلمانان، از دست مسلمانها، از دست صاحبان خودش، خارج شده و فلسطینی‌ها آواره در کشورها شده‌اند و یا در خانه‌ی خودشان، در زیر فشار آن غاصب مدعی هستند که با پُرویی تمام آنجا نشسته و دشمنان اسلام هم از طرف او را تأیید می‌کنند. این غصه‌ی بزرگ، این مصیبت بزرگ، به خاطر این به وجود آمد که مسلمانها از توانایی‌های خودشان غافل بودند. اگر این بیداری‌ای که امروز در دنیای اسلام هست، در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ میلادی وجود داشت، قضیه‌ی فلسطین اتفاق نمی‌افتاد و دولت غاصب انگلیس، آن روز جرئت نمی‌کرد یک کشور اسلامی را یکجا از مردمش غصب کند و به یک بیگانه بسپارد. حالا امروز باید از آنچه خسارت خورده‌ایم، بتدریج جبران کنیم. و این کار با برنامه‌ریزی ممکن است؛ این کار با عقل و تدبیر ممکن است؛ این کار با عزم راسخ ممکن است؛ ولی با میل به انفعال و تسلیم، هیچ وقت دنیای اسلام به اهداف خود نخواهد رسید؛ با ترس از دشمن و بی‌اعتقادی به نیروی مردم، هرگز مقاصد دنیای اسلام و امت اسلامی برآورده نخواهد شد.

این توده‌های میلیونی مردم که در کشورهای اسلامی می‌بینید، یک قدرت عظیمی است که اگر این قدرت فعال بشود، هیچ قدرت بیگانه‌ای در مقابل آن نمی‌تواند ایستادگی کند. نمونه‌اش همین اتفاقی است که افتاد و خدای متعال حجت را بر ما تمام کرد. حادثه‌ی لبنان و پیروزی واضح حزب‌الله که حقیقتاً مصداق «کم فئةً قليلةً غلبت فئةً كثيرةً باذن الله و الله مع الصابرين» بود، حجت را بر ما تمام کرد. البته دشمنان اسلام نیروی مردم را انکار کردند و سیاستمداران را به نیروی ملت‌های خودشان بی‌اعتقاد کردند.

یکی از بزرگترین هنرهای امام(ره)

به نظر ما یکی از بزرگترین هنرهای امام راحل ما این بود که این نیروی مردم را شناخت و آن را کشف کرد و از آن بهره گرفت؛ و به مردم اعتماد کرد. وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می آمدند می بردند، می خوردند و استفاده‌ی سیاسی و مالی می کردند. آن روزی که بعضی از کشورهای عرب تصمیم گرفتند که از نفت علیه اسرائیل استفاده کنند، شاه ایران دل صهیونیستها را گرم کرد و گفت من به شما نفت می دهم. وضع ایران در آن روز این گونه بود و کسی امیدی نداشت؛ اما امام راحل ما (قدس الله نفسه الزکیه) وقتی همت گماشت و بر این مبارزه عزم کرد، هیچ نیرویی جز نیروی مردم نداشت. او به این نیرو معرفت پیدا کرد؛ به این نیرو تکیه کرد و خدای متعال هم که همه چیز دست اوست - که «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» - دلها را منقلب کرد. وقتی دلها متوجه به این حقیقت شد، نیروها به میدان آمدند و قدرت رژیم طاغوتی و وابسته شاه متزلزل شد و نظام اسلامی در این کشور سر بلند کرد. ما در حساسترین نقطه‌ی دنیای اسلام و بر سر چهارراه قرار داریم و بیشترین نقطه اعتماد امریکا و استکبار در این منطقه، بر رژیم سلطنتی شاه بود.

نیروی مردم را باید شناخت. این نیرو، نیروی عظیمی است. برای به میدان آوردن این نیرو، همت و عزم و اخلاص و مجاهدت لازم است. اگر مردم داخل میدان شوند و سیاستمداران و زمامداران کشورها با توده‌های میلیونی مردم کشورهایشان نزدیک شوند، هیچ قدرتی نمی تواند در مقابل آنها ایستادگی کند و هیچ تهدیدی روی آنها تأثیر نخواهد گذاشت. البته بدون جهاد، بدون تحمل سختی، انسان به جایی نمی رسد و امت اسلامی باید سختی‌هایی را تحمل کند، تا بتواند به اهداف بلند خودش برسد؛ اینها وظایف مهم امروز ما در دنیای اسلام است.

خدا را شکر می کنیم که دلهای جماعت کثیری از ملت‌های مسلمان و برجستگان و علما و زبندگان را به سمت راه درست هدایت کرده است. اساس کار این است که نگذارید ملت‌ها ناامید شوند؛ نگذارید افق را در مقابل آنها تیره و تار کنند و نگذارید هیبت استکبار، سایه سنگین خود را بر روی دلها و عزمها و اراده‌های ما بیندازد؛ و نگذارید اختلاف ما را ناتوان کند. امروز انسان متأسفانه می بیند که حرف‌های امریکا و انگلیس از زبان بعضی از سیاستمداران دنیای اسلام تکرار می شود! همان چیزی که آنها می خواهند، اینها تکرار می کنند و به آتش اختلاف شیعه و سنی و اختلافات فرقه‌ای دنیای اسلام دامن می زنند. این، درست بر طبق آن چیزی است که دشمنان اسلام می خواهند. باید با این کار مقابله کرد.

خوشحالی ملت ایران از انجام وعده الهی

از خداوند متعال می خواهیم که همه‌ی ما را بر آنچه که رضای اوست، موفق بدارد و کمک کند تا ان شاء الله بتوانیم تکلیفمان را انجام بدهیم. ما در جمهوری اسلامی از انجام وعده‌های الهی، با همه‌ی وجود خوشحال

هستیم و پی در پی انجاز وعده‌های الهی را می‌بینیم. البته ماها را تهدید می‌کنند و دائماً تهدید هست؛ هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد - از اول انقلاب، جمهوری اسلامی را تهدید کردند؛ اما جمهوری اسلامی با ایستادگی خود، توانسته این تهدیدها را خنثی کند، بعد از این هم همین جور خواهد بود؛ بعد از این هم تهدیدها خنثی خواهد شد - و هر یک از کشورهای مسلمان که در مقابل تهدیدهای استکبار بایستند و خود را نبازند، این تجربه موفق را دارند که پیروزی را به چشم ببینند؛ انجاز وعده‌های الهی را به چشم خودشان مشاهده کنند.

ما دست برادری به سوی همه‌ی امتهای اسلامی، به سوی همه‌ی رهبران فکری و رهبران سیاسی دنیای اسلام دراز می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم که این پیوند برادری را بیش از پیش مستحکم کنند و امیدواریم خدای متعال چشم دنیای اسلام را به پیروزیهای بیشتری، در زمینه‌های مختلف، ان شاء الله روشن کند.

غدیر وسیله‌ی ائتلاف و برادری مسلمانها

❖ دشمن می‌خواهد مسئله غدیر را مایه‌ی برادر

کشی قرار دهد

❖ اصرار استکبار در دنیای اسلام

❖ راه شکست وارد کردن به بیداری اسلامی

توسط دشمن

❖ وظیفه جامعه‌ی اهل تسنن در برار اخلاف

افکنی دشمن

❖ نقشه دشمن برای از بین بردن بیداری اسلامی

غدیر وسیله‌ی ائتلاف و برادری مسلمانها*

❏ دشمن می‌خواهد مسئله غدیر را مایه‌ی برادر کشی قرار دهد

یک نکته‌ای که در کنار این لازم است پیروان اهل بیت و نیز همه‌ی مسلمانان در نظر داشته باشند، این است که: ما از حادثه و واقعه‌ی غدیر - که نشانه‌ی عظمت اسلام و جامعیت اسلام است - به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف اسلام استفاده نکنیم. این را من بالخصوص امروز و این روزها موظفم و مقیدم که به همه‌ی ملت عزیزمان و همه‌ی مسلمانها در هر نقطه‌ی دنیا عرض بکنم که مراقب باشند امروز برای تضعیف اسلام، دشمنان به دنبال همین نقطه‌ی خاص، همین چیزی که منشأ عظمت اسلام است، هستند؛ یعنی مسئله‌ی شیعه و سنی، قبول غدیر و انکار غدیر. دشمن می‌خواهد مسئله‌ی غدیر را یک مایه‌ی برادر کشی و جنگ و خونریزی قرار بدهد؛ در حالی که غدیر می‌تواند وسیله‌ی ائتلاف و برادری مسلمانها با هم باشد. مرحوم شهید مطهری (رضوان الله علیه) قبل از انقلاب یک مقاله‌ی مفصلی درباره‌ی کتاب «الغدیر» علامه‌ی امینی نوشتند و ثابت کردند که الغدیر علامه‌ی امینی، وسیله‌ی وحدت مسلمین است. بعضی خیال می‌کردند کتاب الغدیر ممکن است مایه‌ی افتراق بشود. ایشان می‌گویند اگر درست فکر کنیم، درست عمل کنیم و سنجیده پیش برویم، کتاب الغدیر مایه‌ی وحدت دنیای اسلام است. برادران اهل سنت ما هم می‌توانند در یک محیط خالی از پیش داوری به منابع غدیر مراجعه کنند؛ یا می‌پذیرند، یا نمی‌پذیرند. در هر دو صورت، چه بپذیرند و چه نپذیرند، این معنا مسلم است که قضیه‌ی غدیر هیچ‌گونه جنگ و دعوی بین پذیرنده و نپذیرنده به وجود نمی‌آورد و اختلافات را ایجاد نمی‌کند. برای شیعیان هم همین طور است. شیعیان هم خدا را شکر کنند که از طرف پروردگار به نعمت این اعتقاد و معرفت متنعم

شدند. آن برادرهایی هم که این حقیقت را قبول نکردند، یا مراجعه نکردند، یا اطلاع ندارند و یا نتوانستند ذهنه‌ایشان را قانع کنند، آنها هم اعتقادی ندارند. این، اختلاف و درگیری را ایجاد نمی‌کند.

✪ اصرار استکبار در دنیای اسلام

امروز اصرار استکبار در دنیای اسلام بر ایجاد تفرقه است. راه‌های دیگر را رفتند؛ اما ناکام ماندند. شما ملاحظه کنید آمریکا در دو، سه تصرفی که در منطقه‌ی خاورمیانه کرد، در همه بی‌استثنا شکست خورد؛ نه در عراق، نه در لبنان، نه در افغانستان و نه در فلسطین، آن مقصودی که امریکای مستکبر دنبال می‌کرد - آن هم با هزینه‌های بسیار سنگین و انبوه (پول، سلاح، نیروی انسانی و سیاست) - برای اینکه بتواند مقاصد خودش را در این چهار نقطه تحقق ببخشد، نتوانست و در هر چهار نقطه ناکام ماند؛ به مقصودهایش نرسید و دارد سختیهای شکست را مزه و احساس می‌کند. یک روزی - سه، چهار سال قبل - ما این حرفها را می‌زدیم، اما امروز خود امریکاییها می‌گویند و خود سیاستمدارانشان هم این را تکرار می‌کنند. بنابراین از راه‌های دیگر دستشان بسته شده است.

✪ راه شکست وارد کردن به بیداری اسلامی توسط دشمن

چند راه برای شکست وارد آوردن به بیداری اسلام - که منشأ آن هم، برافراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی در ایران است - در مقابل آنها باقی مانده است. یک راه عمده‌ی آنها همین مسئله‌ی شیعه و سنی است که بگویند جمهوری اسلامی ایران، جمهوری شیعه است و آن را در مقابل جامعه‌ی بزرگ اهل تسنن قرار دهند؛ تعصبات و احساسات مذهبی را وارد میدان کنند. این، چیز بسیار خطرناک و مهمی است و دارند این کار را می‌کنند. دستهای سیاست بیکار نیستند. ما همه‌ی همتان باید این باشد که این خواست استکباری را خنثی کنیم. همه باید هشیار باشند؛ ملت ما، زیدگان ما، مبلغان ما، روحانیون پُر تلاش و خدوم ما، همه و همه توجه بکنند که حرکتی و اظهاری که به این نقشه‌ی دشمن کمک بکنند، از آنها نباید سر بزنند.

✪ وظیفه جامعه تشیع در برابر تفرقه افکندن دشمنان

ما دیدیم در داخل جامعه‌ی خودمان که کسانی از طرف دشمنان تحریک شدند - با نشانه، نه از روی حدس؛ حقیقتاً از طرف دشمنان تحریک شدند - تا به عنوان دفاع از تشیع، به عنوان زدن سنگ تشیع به سینه، کارهایی بکنند و حرفهایی بزنند که طرف مقابل را، جامعه‌ی اهل سنت را، آشفته کند؛ دل‌های آنها را منقلب بکند. دشمن با این وسیله وارد میدان شد؛ پول خرج کرد. این را ما دیدیم، اطلاع داریم. جامعه‌ی شیعه باید با متانت راه خودش را ادامه دهد. ما «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین» را رها نمی‌کنیم؛ ما تمسک به ولایت علی بن ابیطالب (علیه السلام) - که نعمت بزرگ

خداست - را محکم نگه می داریم؛ اما با کسی که به این حبل متین تمسک نکرده است، دعوا هم نمی کنیم. این وظیفه‌ی جامعه‌ی تشیع است. آنچه که دشمن می خواهد، این است که با هم اختلاف کنیم.

🕌 وظیفه جامعه‌ی اهل تسنن در برابر اختلاف افکنی دشمن

وظیفه‌ی جامعه‌ی تسنن هم همین طور است. برادران اهل تسنن هم بدانند که نقشه‌ی دشمن، ایجاد اختلاف است، ایجاد تعصب است، برادر کشی است؛ به کمتر از برادر کشی هم راضی نمی شوند. ببینید الان در بغداد و شهرهای مختلف عراق چه می کنند! مسجد شیعه، مسجد برائا، حرم مطهر امامین عسکریین، مسجد کوفه، هر جا دستشان برسد، هر جا یک جمعی که فکر می کنند آنها شیعه‌اند، آنجا انفجارات درست می کنند و انسانهای بی گناهی را به قتل می رسانند. این را دشمن می خواهد. دشمن دارد آنها را تغذیه‌ی مالی می کند؛ سرویسهای جاسوسی امریکا و اسرائیل پشت سر این گروههای افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست؛ اما رؤسایشان می دانند. این را امریکا می خواهد. لذا آنها هم بایستی بیدار و متوجه باشند.

🕌 نقشه دشمن برای از بین بردن بیداری اسلامی

امروز بیداری اسلامی و حرکت به سمت دستیابی به ارزشهای والای اسلامی، یک جان تازه‌ای گرفته است. در همه‌ی دنیای اسلام، بخصوص جوانها، باسوادها، دانشگاهیها، دانشجویها، طبقه‌ی فهمیده و همه‌ی عامه‌ی مردم، میلشان به اسلام و حاکمیت ارزشهای اسلامی، با سی، چهل سال قبل قابل مقایسه نیست. بیداری اسلامی شروع شده است. آنها هم از همین می ترسند؛ می خواهند همین را نابود کنند. نگذارند این بیداری اسلامی، این حرکت عمومی در دنیای اسلام، به وسیله‌ی نقشه‌ی دشمن خنثی بشود که عبارت است از: به جان هم انداختن شیعه و سنی. در دعوای مذهبی وقتی که دو طرف با تعصب با یکدیگر مشغول بحث و جدل می شوند، بسیاری از حرفهای منطقی لگدمال خواهد شد. حرفهای منطقی را هم دیگر کسی نمی شنود. نگذارند؛ بخصوص روشنفکرانشان و علمایشان مراقب باشند، نصیحت کنند و اعلان کنند این اتحادی را که ما دنبالش هستیم و مکرر گفته ایم. سیاستمدارانشان هم همین طور؛ رؤسای کشورهای اسلامی بدانند: عزت و اقتدار اسلام، قوت آنهاست؛ قوت جمهوری اسلامی، مایه‌ی پشتگرمی آنهاست. از اول پیروزی انقلاب، تبلیغات سیاسی دشمنان انقلاب، بنا را بر این گذاشت که مسلمانان اطراف جمهوری اسلامی را از دولت جمهوری اسلامی بترساند؛ سعی شان این شد که کشورهای عربی، کشورهای خلیج فارس، آن طرف تر و آن طرف تر را از جمهوری اسلامی بترسانند. بیست و چند سال است اینها دیده‌اند که جمهوری اسلامی به هیچ همسایه‌ای، به هیچ غیر همسایه‌ای و به هیچ کشوری تعرض نکرده است؛ اگر تعرضی هم شد، از طرف یک دولت عربی شد. همین صدام بدعاقتب هم به ما حمله کرد،

هم به کویت حمله کرد؛ اگر فرصت پیدا می کرد، به کشورهای دیگر عربی هم حمله می کرد. از طرف ایران، هیچ گونه تعرض و تجاوزی به هیچ کدام از این کشورها نشده است؛ این را دیده اند. باید بدانند عزت اسلام و عزت جمهوری اسلامی، مایه ی قوت آنهاست. امریکا از ضعف دولتهای اسلامی استفاده می کند و به آنها زور می گوید. اگر قوی باشند و پشتگرمی داشته باشند، نمی تواند زور بگوید. امریکا به دولت غاصب صهیونیست باج می دهد، از دولتهای عرب باج می گیرد! اگر دولتهای عرب به یک قدرت عظیم متکی باشند، مجبور نخواهند بود دیگر باج بدهند.

موانع همدلی و اتحاد در دنیای اسلام

- ❖ تلاش سالها پیش از انقلاب برای نزدیک شدن دل‌های شیعه و سنی
- ❖ مانع رسیدن اختلافات به مردم عامی، توسط علما
- ❖ تکیه بر جستگان مبارزه با استعمار و استکبار بر وحدت امت اسلامی
- ❖ عوامل اختلاف افکن نه شیعه اند و نه سنی
- ❖ طراحی برنامه‌های جدید دشمن بعد از انقلاب اسلامی
- ❖ انقلاب اسلامی، جدی‌ترین مدافع فلسطین
- ❖ شیعه و سنی باید بیدار باشند
- ❖ گوش نکردن اصحاب عقاید مختلف به وسوسه دشمن
- ❖ امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست

موانع همدلی و اتحاد در دنیای اسلام*

تلاش سالها پیش از انقلاب برای نزدیک شدن دلهای شیعه و سنی

مسئله‌ی «همدلی امت اسلامی در زمان ما»، نکته‌ی مهمتری است. ما نه فقط بعد از دوران انقلاب، بلکه از سالها پیش از انقلاب برای اینکه دلهای شیعه و سنی به هم نزدیک شود و اهمیت این وحدت برای همه معلوم شود، تلاش می‌کردیم. من در بلوچستان - سالهای قبل از انقلاب هنگامی که آنجا تبعید بودم - به مرحوم مولوی شهاداد (از علمای معروف بلوچستان بود که آقایان بلوچ ایشان را می‌شناسند؛ مرد فاضلی بود. آن زمان ایشان در سراوان بود و ما در ایرانشهر بودیم) پیغام فرستادم که بیا باید فرصتی است بنشینیم و مبنای یک اتحاد عملی، حقیقی و واقعی قلبی بین اهل سنت و شیعه به وجود آوریم. ایشان هم متقابلاً از این قضیه استقبال کرد؛ منتها بعد به مسائل انقلاب رسید؛ بعد از انقلاب در اولین کنگره‌ی نماز جمعه‌ای که ما تشکیل دادیم، عده‌ای از علمای اهل سنت حضور داشتند؛ از جمله ایشان هم بود؛ بحثهایی شد و در همین زمینه‌ها صحبت کردیم.

مانع رسیدن اختلافات به مردم عامی، توسط علما

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است، و مخصوص شیعه و سنی هم نیست. بین فرقه شیعه، خودشان؛ بین فرقه سنی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید هم بین فرقه فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل

اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند. علما می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند؛ لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک است. در دنیا این همیشه بوده؛ همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی می‌کردند که مانع بشوند؛ علما و زبندگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیر علمی کارشان به درگیری برسد؛ لیکن از یک دوره‌ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمی‌خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنی همیشه مربوط به استعمار بوده؛ نه، احساسات خودشان هم دخیل بوده؛ بعضی از جهالتها، بعضی از تعصبات، بعضی از احساسات، بعضی از کج‌فهمیها دخالت داشته؛ لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد.

تکیه بر جستگان مبارزه با استعمار و استکبار بر وحدت امت اسلامی

لذا شما می‌بینید برجستگان مبارزه‌ی با استعمار و استکبار، روی مسئله‌ی «وحدت امت اسلامی» تکیه‌ی مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سیدجمال‌الدین اسدآبادی (رضوان‌الله تعالی علیه) معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف‌الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله‌ی با استعمار نگذارند این وسیله‌ی راحت در دست استعمار، به یک حربه‌ی علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه‌ی وحدت اسلامی اصرار می‌کرد. استعمار، به این نقطه چشم دوخت و از آن حداکثر استفاده را کرد.

من می‌خواهم این را بگویم: در این کار، انگلیسیها از بقیه‌ی دشمنان استعماری، متبخرترند؛ در ایران، ترکیه و کشورهای عربی، و در شبه‌قاره‌ی هند، اینها سالها زندگی کرده‌اند، و با رموز کار آشنا هستند که چگونه می‌شود سنی را علیه شیعه تحریک کرد و چگونه می‌شود شیعه را علیه سنی تحریک کرد؛ اینها خوب بلدند. و کرده‌اند. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این حرکت استعماری شدت گرفت؛ ما این را شاهد بودیم، از اول انقلاب نشانه‌هایش را می‌دیدیم و هشدار می‌دادیم؛ و این روزهای اخیر، یا سالهای اخیر به خاطر اینکه جمهوری اسلامی توانست یک هدف بزرگی را به دست آورد و به یک قله‌ی بزرگی برسد و آن قله عبارت بود از «بیداری دنیای اسلام»، انگیزه و داعی اختلاف‌افکنان و جبهه‌ی استکبار برای ایجاد اختلاف، شدیدتر و قویتر شد. لذا همه‌کاری می‌کنند.

امروز در عراق، می‌خواهند شیعه و سنی را به جان هم بیندازند؛ در پاکستان، این کار را می‌خواهند بکنند؛ در افغانستان این کار را اگر بتوانند، می‌کنند؛ در اینجا اگر بتوانند، می‌کنند. هر جا بتوانند، می‌کنند؛ ما اطلاع پیدا کردیم حتی ایادی آنها به لبنان رفتند برای اینکه بتوانند بین شیعه و سنی اختلاف بیندازند؛ مشغول تلاشند.



عوامل اختلاف افکن نه شیعه اند و نه سنی

این عواملی که اختلاف افکنی می کنند، نه شیعه اند، نه سنی؛ نه به شیعه علاقه دارند، نه به تسنن؛ نه مقدسات شیعه را قبول دارند، نه مقدسات سنی را. چند روز پیش از این، بوش - رئیس جمهور امریکا - در سخنرانی اش به منفجر کردن حرم عسکریین (علیهما السلام) در عراق اشاره کرد؛ که منفجر کردند و اینها را تندروان سلفی کردند و شیعه را تحریک کردند و موفق شدند. این کار جلو چشم خود امریکاییها انجام گرفته! حرم عسکریین را در همان شهری انجام دادند که مسلط بر امور امنیتی آن شهر و نیروهای مسلح در حال تردد در آن شهر، امریکایی بودند؛ جلو چشم امریکاییها! مگر می شد بدون اطلاع آنها، بدون اجازه‌ی آنها و بدون تدبیر آنها این کار انجام بگیرد؟ خودشان این کار را کردند.

اسم می آورند از تروریستهای عراق به عنوان القاعده و سلفی، در حالی که خودشان تحریک کننده هستند. عناصر بعثی قدیمی در عراق را خود سرویسهای امریکایی و اسرائیلی دارند تحریک می کنند برای ایجاد انفجار در هر نقطه‌ای که بتوانند انجام بدهند. ناامن ترین شهرهای عراق - یعنی همین منطقه‌ی بغداد و بعضی شهرهای دیگر - همان شهرهایی است که دستگاه امنیتی امریکا، همه‌ی امور آنجا را به عهده دارد، و آلا در بسیاری از مناطق عراق که امریکاییها آنجا کمتر حضور دارند و نیروهای عراقی هستند، امنیت بیشتر است؛ ناامنی، مال خود اینهاست، اینها انگیزه دارند.

طراحی برنامه های جدید دشمن بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب در ایران، اینها برنامه‌های جدیدی طراحی کردند برای اینکه اینطور وانمود کنند که این انقلاب، انقلاب شیعه است؛ در حالی که انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزشهای اسلامی را، توحید را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی می کند و موفق شد. علی‌رغم همه‌ی دشمنیها ما موفق شدیم. انقلاب اسلامی روح غرور اسلامی را، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمانها زنده کرد. آنها با این دشمنند، با این مخالفند؛ و آلا اگر ما انقلابمان یک انقلاب شیعی بود که از دنیای اسلام جدا می شدیم و ما به دنیای اسلام کاری نداشتیم، آنها هم به ما کاری نداشتند، آنها با انقلاب دشمنی نمی کردند. آنها دیدند این انقلاب، انقلاب اسلامی است.

انقلاب اسلامی، جدی ترین مدافع فلسطین

جدی ترین دفاع را از فلسطین، انقلاب اسلامی کرد. هیچ کس، هیچ کشوری، هیچ دولتی و هیچ مردمی، از فلسطین و مبارزات فلسطینیها و انتفاضه‌ی فلسطین، مثل ملت ایران و دولت ایران و نظام اسلامی دفاع نکردند. کمک معنوی، کمک مادی؛ ما هر چه توانستیم، کرده ایم. آن وقتی که شورویها آمدند و وارد

افغانستان شدند، همه‌ی این دولتهای مسلمانی که در این منطقه بودند، با ملاحظات گوناگون سکوت کردند. امام (رضوان الله علیه) صریح پیغام داد به شوروی‌ها که: باید شما از افغانستان خارج شوید. من خودم در یک مجمع بین‌المللی بزرگ حضور داشتم - که آنجا غیرمتعهدها و تعداد زیادی از کشورهای اسلامی هم بودند - شاهد بودم که هیچ‌کدام از آنها اسمی از ورود شوروی به افغانستان نیاوردند و فقط من آنجا در نطقم شدیداً حمله کردم؛ چون در آنجا یک عده‌ای چپها و دولتهای سوسیالیست و طرفدار شوروی بودند، به ملاحظه‌ی آنها هیچ‌کدام از کشورهای اسلامی، کلمه‌ای حرف نزدند؛ فقط ما گفتیم؛ ما آنجا هم به امریکا حمله کردیم، هم به شوروی حمله کردیم؛ بدون تفاوت؛ آنها از این ناراحتند. چون این انقلاب، انقلاب اسلامی است؛ نگاه نمی‌کند که ملت فلسطین شیعه‌اند یا سنی؛ از آنها دفاع می‌کند. از حرکت عظیم لبنانیها دفاع می‌کند، از هر جمع مسلمانی در هر نقطه‌ی از عالم که برای اسلام حرکت کنند و کار کنند، دفاع می‌کند؛ آنها از این ناراحتند. چون انقلاب، اسلامی است ناراحتند. و الا اگر ما مرزها را می‌بستیم و می‌گفتیم ما به کشورهای سنی کاری نداریم، به گروه‌های سنی کاری نداریم، با ما هیچ کاری نداشتند؛ نه امریکا، نه اسرائیل، نه انگلیس. آنها علیه جمهوری اسلامی‌اند، چون جمهوری اسلامی برای اسلام است، برای امت اسلامی است. از وقتی جمهوری اسلامی تشکیل شد، این مسئله‌ی ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی از سوی استکبار روز به روز تشدید شد و فعالیت آنها هم تشدید شد.

شیعه و سنی باید بیدار باشند

ما باید بیدار باشیم؛ هم شیعه، هم سنی باید بیدار باشند؛ بخصوص علما. مردم دور از محیط علمایی، ممکن است دچار توهمات بشوند، دچار اشتباهاتی بشوند؛ اما علما نمی‌توانند در این قضیه بی تفاوت بمانند؛ بگویند خوب، اینها عوامند، ما که نمی‌کنیم؛ نه، علما بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند. امروز بیداری اسلامی شروع شده، عزت اسلامی آشکار شده، هزیمت دشمن در میدانهای مختلف - که آقایان اسم آوردند - روز به روز بیشتر آشکار شده است. استکبار در فلسطین شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در عراق شکست خورد، در افغانستان شکست خورد؛ و در هیچ‌کدام از اینها به مقاصد و اهداف خودش نرسید.

جمهوری اسلامی هم روز به روز در حال پیشرفت است؛ ما از لحاظ علمی، از لحاظ صنعتی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ قوت مدیریت در این بیست و هفت سال، روز به روز جلوتر رفته‌ایم. مردم با نظام، پیوندشان روز به روز مستحکمتر شده است. این، دشمن را ناراحت و عصبانی می‌کند و به عکس‌العمل وادار می‌کند.

ما امروز باید خیلی مراقب باشیم که دشمن از این نقطه‌ی حساس - در واقع باید گفت از این نقطه‌ی وضعی که در دنیای اسلام وجود دارد - نتواند استفاده کند.

🕌 گوش نکردن اصحاب عقاید مختلف به وسوسه دشمن

دوستان ما درست گفتند؛ مسئله، مسئله‌ی این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند؛ نه، هر کسی عقیده‌ی خودش را دارد، هر کسی تابع استدلال است و به هر عقیده‌ای رسید، درست است. مسئله این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه‌ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند. دشمنان ما هر کدام هر چه بلدند «یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» به همدیگر یاد می‌دهند؛ انگلیسیها به امریکاییها یاد می‌دهند، اسرائیلیها به آنها یاد می‌دهند.

🕌 امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب‌ترین صفت برای اینها نادانی است، اگر چه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهم‌ترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم که مردم ما «و لتصغی الیه افئدة الذین لایؤمنون بالأخرة و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون» بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرفهای دشمنان می‌شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه‌ی علما، وظیفه‌ی سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولت‌ها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند.

دولت‌ها هم باید نهایت کمک را به همین اتحاد و یگانگی و همدلی بکنند. این امت اسلامی، اگر وزن واقعی خود را پیدا بکند، آن وقت پشتیبان این دولت‌ها خواهد بود و دولت‌های اسلامی دیگر مجبور نخواهند شد به خاطر ضعف و ترسشان به دامن امریکا یا انگلیس پناه ببرند؛ چون امت اسلامی پشت سر آنهاست.

عوامل درونی و بیرونی ضد وحدت /
میلاذ پیامبر (ص) رمز اتحاد مسلمین

یکی از وظایف بزرگ و درجه اول مسلمانها
عامل عزیز شدن ملت‌های مسلمان
دو عامل عمده در مقابل وحدت که باید علاج شود:

۱- عامل درونی

۲- عامل بیرونی

بزرگترین عامل تفرقه در مسائل دنیای اسلام
مسئولیت مهم سیاستمداران و اندیشمندان دنیای
اسلام

عوامل درونی و بیرونی ضد وحدت / میلاد پیامبر (ص) رمز اتحاد مسلمین *

یکی از وظایف بزرگ و درجه اول مسلمانها

آنچه که امروز من بر روی آن تکیه میکنم، که یکی از وظائف بزرگ و درجه‌ی اول ما مسلمانهاست، مسئله‌ی اتحاد و وحدت است. ما این هفته‌ی منتهی به هفدهم ربیع الاول را از اول انقلاب به هفته‌ی وحدت نامگذاری کردیم، علت هم این است که روز دوازدهم ربیع الاول به روایت مشهور بین برادران اهل سنت روز ولادت است؛ و روز هفدهم ربیع الاول به روایت مشهور بین شیعه روز ولادت است. بین این دو روز را به عنوان هفته‌ی وحدت از اول انقلاب، ملت ایران و مسئولین کشور نامگذاری کردند و این را یک رمز و نماد اتحاد بین مسلمانان قرار دادند. ولی حرف کافی نیست؛ اسم گذاری کافی نیست؛ عمل باید بکنیم؛ باید برویم به سمت وحدت. امروز دنیای اسلام محتاج وحدت است. عوامل تفرقه هم وجود دارد؛ باید بر آن عوامل فائق آمد؛ باید بر آن عوامل پیروز شد.

عامل عزیز شدن ملت‌های مسلمان

همه‌ی مقصودهای بزرگ محتاج مجاهدتند. هیچ مقصود بزرگی نیست که بدون مجاهدت حاصل شود. اتحاد بین مسلمانها هم بدون مجاهدت حاصل نخواهد شد. وظیفه‌ی ماست که برای اتحاد دنیای اسلام مجاهدت کنیم. این اتحاد میتواند بسیاری از گره‌ها را باز کند؛ میتواند جوامع اسلامی و ملت‌های مسلمان را عزیز کند. ببینید وضع کشورهای اسلامی چگونه است. ببینید وضع مسلمانان که امروز یک چهارم نفوس بشری را در دنیا تشکیل میدهند، چگونه است؛ تأثیرشان در سیاست‌های عالم، حتی در مسائل درون

خودشان، چگونه بمراتب ضعیفتر و کمتر است از تأثیر قدرتهای بیگانه و قدرتهای دارای سوءنیت. این، فقط به خاطر بیگانه بودن قدرتها نیست - که ما خودمان و مخاطبانمان را از آنها بر حذر میداریم - آنها دارای سوء نیت اند؛ دارای انگیزه‌های سلطه‌طلبی هستند، میخواهند ملت‌های اسلامی را در مقابل خودشان ذلیل کنند، خرد کنند، وادار به اطاعت محض کنند. خوب، این پنجاه و چند کشور اسلامی، این ملت‌های مسلمان، برای اینکه در مقابل یک چنین سوء نیت واضح و بزرگ و قلدرانه‌ای بایستند، راهشان چیست؟ جز وحدت؟ باید با هم نزدیک بشویم.

❁ دو عامل عمده در مقابل وحدت که باید علاج شود:

❁ ۱- عامل درونی

دو عامل عمده و کلی در مقابل وحدت وجود دارد، باید اینها را علاج کرد. یک عامل، عامل درونی ماست: تعصبات ما، پایبندی‌های ما به عقاید خودمان؛ هر گروهی برای خودش. باید بر این فائق آمد. ایمان به مبادی خود و اصول و عقائد خود چیز بسیار خوب و پسندیده‌ای است؛ پافشاری بر آن هم خوب است؛ اما این نباید از مرز اثبات به مرز نفی و همراه با تعرض و دشمنی و عداوت تجاوز کند. برادرانی که در مجموعه‌ی امت اسلامی هستند، احترام یکدیگر را حفظ کنند؛ عقاید خودشان را هم میخواهند حفظ کنند، حفظ کنند؛ اما احترام به دیگران، حدود دیگران، حقوق دیگران و حرمت افکار و عقاید آنها را نگه دارند و بحث و مجادله را برای مجالس علمی بگذارند. علما و اهل فن، میخواهند بنشینند مباحثات مذهبی کنند، بکنند؛ اما مباحثه‌ی مذهبی عالمانه و در محفل علمی، با بدگویی به یکدیگر در علن، در سطح افکار عمومی، در مخاطبه‌ی با افکاری که قدرت تجزیه و تحلیل علمی ندارند، فرق میکند؛ این را بایستی علما مهار کنند؛ مسئولان باید مهار کنند. همه‌ی گروه‌های مسلمان در این مورد وظیفه دارند. شیعه هم وظیفه دارد، سنی هم وظیفه دارد؛ باید به سمت اتحاد بروند. این یک عامل که عامل درونی است.

❁ ۲- عامل بیرونی

یک عامل بیرونی هم دست مغرض تفرقه‌افکن دشمنان اسلام است. نباید از این غفلت کرد. نه فقط امروز، بلکه از آن روزی که قدرتهای مسلط سیاسی در دنیا احساس کردند که میتوانند روی ملت‌ها اثر بگذارند، این دست تفرقه‌افکن به وجود آمده و امروز از همیشه شدیدتر است. وسائیل ارتباط جمعی، وسائیل مدرنی که امروز وجود دارد، این هم کمک میکند. اینها آتش افروزند؛ آتش افروزند؛ برای تفرقه شعار درست میکنند. باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. متأسفانه یک عده‌ای هم در داخل ملت‌های مسلمان و کشورهای مسلمان، میشوند وسیله برای اعمال غرض آن دشمنان اصلی.

خیلی عبرت آموز است، شما ملاحظه کنید: دو سال قبل از این، وقتی که جوانان مقاومت لبنان و حزب‌الله

لبنان بر اسرائیل غلبه کردند و رژیم صهیونیستی را آنجور ذلیل کردند و این در دنیای اسلام برای مسلمانها یک شکوفائی و یک پیروزی به شمار آمد، بلافاصله دستهای تفرقه‌افکن شروع کردند مسئله شیعه و سنی را مطرح کردن؛ تعصبات مذهبی را تشدید کردن؛ چه در خود لبنان، چه در منطقه‌ی خاورمیانه و چه در همه‌ی دنیای اسلام. کأنه مسئله‌ی شیعه و سنی تازه به وجود آمده است! برای اینکه امت مسلمان را که در سایه‌ی آن پیروزی بزرگ به یک همدلی نزدیک شده بود، اینها را با مسئله‌ی شیعه و سنی از هم دور کند. این مال دو سال قبل است.

دو ماه قبل از این، یک پیروزی دیگر برای امت اسلام به وجود آمد و آن پیروزی مقاومت فلسطین بر دشمن صهیونیست در غزه بود، پیروزی بزرگ و درخشان. کدام پیروزی از این بالاتر که یک ارتش مجهز که یک روز توانسته بود سه تا ارتش بزرگ کشورها را در سالهای شصت و هفت تا هفتاد و سه‌ی میلادی شکست بدهد، بیست و دو روز تلاش کند و نتواند این جوانهای مقاوم و این مجاهدان مؤمن را در غزه وادار به عقب‌نشینی کند و آنها را شکست بدهد؟ ناکام، دست خالی مجبور شد برگردد، بعلاوه بر اینکه در دنیا هم آبروی رژیم صهیونیستی و حامیانش و در رأس آنها آمریکا رفت؛ آبروشان بر خاک ریخت. این پیروزی بزرگی برای مسلمانها بود؛ مسلمانها را به یک همدلی نزدیک کرد. اینجا دیگر مسئله‌ی شیعه و سنی را نمیتوانستند مطرح کنند. حالا آمده‌اند مسئله‌ی قومیت را مطرح کرده‌اند؛ مسئله‌ی عربیت و غیر عربیت؛ دعوای بین اینکه مسئله‌ی فلسطین مختص به عربهاست و اصرار بر اینکه مختص به عربهاست، برای اینکه غیر عرب حق ندارد در مسئله‌ی فلسطین دخالت کند! چرا؟ مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اسلامی است؛ عرب و عجم ندارد.

بزرگترین عامل تفرقه در مسائل دنیای اسلام

در مسائل دنیای اسلام اگر پای قومیت به میان آمد، بزرگترین عامل تفرقه به وجود آمده است. وقتی پای قومیت را در مسائل دنیای اسلام به وجود می‌آورند، عرب را جدا کنند، فارس را جدا کنند، ترک را جدا کنند، کرد را جدا کنند، اندونزیایی را جدا کنند، مالزیایی را جدا کنند، پاکستانی و هندی را جدا کنند، چی باقی میماند؟ این چوب حراج زدن به امت اسلامی و نیروها و توانهای امت اسلامی نیست؟ این ترفندهای استکبار است که متأسفانه در دنیای اسلام، کسانی اسیر این ترفندها میشوند. نمیخواهند بگذارند شیرینی پیروزی در آن قضیه‌ی لبنان و در این قضیه‌ی غزه در کام مسلمانها بماند؛ فوراً یک عامل اختلاف و تفرقه‌ای را مطرح میکنند، به وجود می‌آورند، برای اینکه جدا کنند.

مسئولیت مهم سیاستمداران و اندیشمندان دنیای اسلام

امت اسلامی باید بیدار باشد؛ باید در مقابل اینها بایستد. وظیفه‌ی درجه‌ی اول هم بر دوش سیاستمداران است. مسئولان و زمامداران کشورهای اسلامی بهوش باشند. این فریاد ممکن است از گلوئی بعضی از

سیاستمداران خودی خارج شود؛ اما ما اشتباه نمیکنیم. ما در شناخت عامل اصلی خطا نخواهیم کرد. از گلوی اینهاست، اما مال اینها نیست؛ فریاد، فریاد دیگران است، مربوط به قدرتهای استکباری دنیاست. آنها هستند که مخالف وحدت امت اسلامی اند. اگر از حنجره‌ی کسانی از داخل امت اسلامی هم خارج شود، اینها فریب خورده‌اند. این صدا، صدای اینها نیست. این صدای آنهاست؛ این صدا را میشناسیم. در درجه‌ی اول، سیاستمداران و مسئولان و باز در درجه‌ی مهم و بالا، اندیشمندان، کسانی که با مغز و دل مردم سر و کار دارند؛ علمای دین، روشنفکران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شعرا، ادبا، دانشمندان دنیای اسلام، این وظیفه‌ی بزرگ را بر عهده دارند که به مردم، سرانگشتانی را که میخواهند در این وحدت اختلال کنند و این رشته‌ی مستحکم الهی را از دست مسلمانها بگیرند، معرفی کنند. قرآن به ما صریحاً میگوید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً»^۱ با همدیگر اعتصام به حبل الله پیدا کنید. اعتصام به حبل الله را تک تک هم میشود انجام داد؛ اما قرآن میگوید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً»؛ با هم باشید. «و لا تفرقوا»؛ تفرق پیدا نکنید، حتی در اعتصام بحبل الله؛ چه برسد به اینکه بعضی بخواهند اعتصام بحبل الله کنند، بعضی بخواهند اعتصام بحبل الشیطان بکنند. حتی اعتصام بحبل الله هم که همه بخواهند بکنند، «جميعاً» با هم، همدلانه این کار انجام بگیرد. این مسئله‌ی بزرگ دنیای اسلام است. امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی آحاد امت اسلامی و همه‌ی ملت‌های اسلامی و همه‌ی دولت‌های اسلامی توفیق بدهد که این مسئله‌ی مهم را با وزن آن، با همان مقدار اهمیت آن تلقی کنند و آن را در عمل اجرا کنند. و رضوان الهی و رحمت الهی باد بر روح امام بزرگوار ما که فریاد وحدت را در دوران ما و در زمان ما، او بود که بلند کرد و مسلمانان را به این اتحاد دعوت کرد.

امت اسلامی نیازمند باز تولید حقائق اسلامی

❁ ولادت پیامبر(ص)، یک روز فراموش نشدنی

برای تاریخ بشر

❁ نیاز امت اسلامی به باز تولید حقائق اسلامی

❁ دورا هکار برای جبران ضعف دنیای اسلام

❁ وظیفه تأثیر گذاران امت اسلامی

❁ بلند شدن فریاد تفرقه از سوی دشمنان دنیای اسلام

❁ دو نقطه‌ی بسیار روشن، در بیانات امام(ره)

❁ عامل دور شدن کشورهای اسلامی از یکدیگر

❁ برکت دادن خدای متعال به حرف حق

❏ ولادت پیامبر (ص)، یک روز فراموش نشدنی برای تاریخ بشر

این روز برای مسلمانان، یک روز بسیار پربرکت است؛ همچنانی که در آن روزی که این وجود مقدس قدم به این عالم نهاد، نوری بود در دل ظلمات متراکم؛ «ظلمات بعضها فوق بعض».^۱ امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در تشریح آن روزها و آن اوضاع و آن وضع تیره‌ی بشریت در آن هنگام میفرماید: «و الدنيا كاسفة النور ظاهرة الغرور».^۲ نور انسانیت از دل مردم و از دل جوامع زدوده شده بود؛ نه فقط در محیط عربستان، بلکه حتی در دل امپراتوری‌های بزرگ و حکومت‌های متمدن آن زمان؛ یعنی دولت ایران باستان و روم قدیم. غرور و خطای در فهم حقیقت، در همه‌ی انحاء زندگی بشر ظاهر و آشکار بود. انسان‌ها راه را نمیشناختند، هدف را نمیشناختند. البته مؤمنینی هم در آن وقت بودند که راه درست را می‌رفتند. این به معنای این نیست که همه‌ی آحاد بشر در آن روز گناهکار و خطاکار بودند؛ اما وضعیت عمومی دنیا این بود. چهره‌ی عمومی عالم، چهره‌ی ظلمت بود؛ چهره‌ی ظلم بود؛ چهره‌ی فراموش‌شدگی همه‌ی نشانه‌های انسانیت بود. در یک چنین وضعیتی، نور وجود پیغمبر به اراده‌ی حق عزیز متعال به تابش درآمد. این برای تاریخ بشر یک روز فراموش نشدنی است. یادآوری آن به معنای این نیست که ما بخواهیم اثر آن را در عالم تجدید کنیم. چه ما بخواهیم، چه نخواهیم، این حادثه، این پدیده‌ی عجیب و عظیم، اثر خودش را در تاریخ بشر گذاشته است. اگر در دنیا نامی از شرافتهای انسانی، فضیلت‌های اخلاقی و برجستگی‌های وجود انسان دیده میشود، به خاطر همین وجود مبارک است؛ به خاطر همین بعثت است که کمال همه‌ی بعثتها و جامع همه‌ی فضیلت‌های پیامبران است.

* بیانات در دیدار به مناسبت ولادت حضرت رسول اعظم (ص) ۱۳۸۸/۱۲/۱۳

۱. نور: ۴۰

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۸۹

نیاز امت اسلامی به باز تولید حقائق اسلامی

ما امت اسلام باید این پدیده را، این حادثه را برای خودمان یک درس قرار بدهیم. قبل از آنکه به دیگران پردازیم، به خودمان پردازیم. امروز امت اسلامی بشدت نیازمند باز تولید حقائق اسلامی است، باز تولید آن حوادث شگرف و عظیم است. امروز ما امت اسلامی نهایت احتیاج را به چراغ هدایت وجود پیامبر مکرم داریم. امت اسلامی از لحاظ حجم جمعیت، یک مجموعه‌ی برجسته است - یک و نیم میلیارد انسان تشکیل دهنده‌ی امت اسلامی است - مناطق استقرار این جمعیت عظیم، از لحاظ وضع جغرافیائی، از لحاظ خصوصیات طبیعی، از لحاظ منابع حیاتی، جزو حساس ترین و مهمترین مناطق عالم است؛ در عین حال با اینکه هم از استعداد انسانی، هم از استعداد طبیعی هیچ چیز کم ندارد، این امت امروز یک مجموعه‌ی سرگردان است. دلیل سرگردانی آن همین است که شما مشاهده میکنید. گرفتاری‌های بزرگ عالم، عمدتاً در همین کشورهای مسلمان است. فقر در میان امت اسلامی است، بی‌عدالتی و تبعیض در میان ماست، عقب‌ماندگی علمی و فناوری در میان ماست، هزیمت فرهنگی و ضعف فرهنگی مال امت مسلمان است. قدرتمندان عالم، حق امت مسلمان را به‌آسانی و بروشنی ضایع می‌کنند و امت اسلامی نمیتواند از حق خودش دفاع کند.

دوراهکار برای جبران ضعف دنیای اسلام

امروز شما نگاه کنید به وضعیت فلسطین؛ فلسطین یک نمونه است. البته نمونه‌ی بسیار مهمی است، اما فقط مخصوص فلسطین نیست. نگاه کنید به فلسطین، ببینید امت اسلامی یک جراحت بزرگی را در وجود خود دارد و آن، مسئله‌ی ملت بزرگ فلسطین و سرزمین تاریخی و مقدس فلسطین است. چه بر سر این سرزمین آوردند؟ چه بر سر این ملت آوردند؟ چه میکنند با این مردم؟ ماجرای غزه مگر قابل فراموش شدن است؟ مگر از ذهن امت اسلامی قابل زودده شدن است؟ فشارها، بی‌رحمی‌ها، قساوتها و ظلمهائی که همین امروز نسبت به مردم غزه میشود، حتی بعد از آن جنگ بیست و دو روزه که دولت صهیونیست ناکام شد و نتوانست مقاصد خودش را عمل کند، تا امروز همچنان این ظلم بر مردم غزه میرود و امت اسلامی نمیتواند از آنها دفاع کند. امت اسلامی در مقابل این پدیده آنچه‌ان قرار گرفته است که گوئی این مربوط به او نیست، غصب حق او نیست، ظلم به او نیست. ما چرا اینجوری ایم؟ چرا امت اسلامی به این وضعیت دچار شده است؟ یک سرطان خطرناک مهلکی به نام دولت جعلی صهیونیستی اسرائیل در این منطقه به دست دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی به وجود آمده است. حامیانش که در ظلم و گناهان بزرگ او شریک هستند، همچنان از او حمایت میکنند و امت اسلامی نمیتواند از خودش دفاع کند؛ این ضعف ماست. چرا؟ این ضعف را باید با برگشت به اسلام، با محور قرار دادن تعالیم رسول مکرم اسلام جبران کنیم.

📌 وظیفه تأثیر گذاران امت اسلامی

امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم؛ این وظیفه‌ی یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان قدرت تأثیر گذاری دارند. چه دولتها، چه روشنفکران، چه علما، چه فعالان گوناگون سیاسی و اجتماعی، هر کدامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی هستند، وظیفه دارند امت اسلامی را بیدار کنند و این حقائق را به آنها بگویند؛ این وضعیت تلخ را که دشمنان اسلام به وجود آوردند، برای آنها روشن و تبیین کنند؛ آنها را دعوت کنند به اینکه در صدد انجام وظیفه بر بیایند؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ماست.

برادران عزیز! خواهران عزیز! از هر جا که هستید، با هر مذهبی که هستید، بدانید دشمنان اسلام و مسلمین امروز بیشترین تکیه‌شان بر روی ایجاد اختلاف و تفرقه است. میخواهند نگذارند دلها به هم نزدیک شود؛ چون میدانند اگر دستها در هم فشرده شد، دلها به هم نزدیک شد، امت اسلامی به فکر علاج مشکلات بزرگ خود بر خواهد آمد. منشأ بسیاری از این مشکلات - که یکی از آنها همین قضیه‌ی فلسطین است، یکی از آنها همین قضیه‌ی دولت جعلی صهیونیست است - قدرتمندان عالمنند. دشمن میدانند که متمرکز خواهیم شد و همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی نیروها را در این راه به کار خواهیم برد تا با این تجاوز آشکاری که دارد صورت میگیرد، مقابله کنیم؛ لذا نمیگذارد دلها به هم نزدیک شود.

📌 بلند شدن فریاد تفرقه از سوی دشمنان دنیای اسلام

امروز فریاد تفرقه از سوی دشمنان اسلام بلند میشود. مسئله‌ی شیعه و سنی را امروز آمریکائی‌ها و انگلیسی‌ها مطرح میکنند؛ این برای ما ننگ است. تحلیلگران آمریکائی و انگلیسی و غربی، جزو مسائلی که مطرح میکنند، روی آن مطالعه میکنند، روی آن تأکید میکنند، این است که بیائیم اسلام سنی را از اسلام شیعی جدا کنیم و بین اینها درگیری به وجود بیاوریم. دشمن میخواهد این کار را بکند؛ همیشه همین جور بوده است. همیشه دشمنان دنیای اسلام سعی کرده‌اند از اختلافات مذهبی و قومی و جغرافیائی و منطقه‌ای حداکثر استفاده را بکنند. امروز ابزارهای مدرن را در استخدام این کار به کار گرفته‌اند؛ این را باید ما متوجه باشیم، بیدار باشیم. میخواهند ما را به همدیگر مشغول کنند تا از آن نقطه‌ی اصلی که ما باید متوجه به آن باشیم، منصرف کنند. میخواهند اقوام مسلمان، ملت‌های مسلمان، مذاهب مسلمان، از شیعه و سنی و غیر اینها را متوجه به هم کنند تا مسئله‌ی اسرائیل فراموش شود. ماجرای غصب فلسطین باید ما را به هم نزدیک میکرد. اینها دارند از همین مسئله برای دور کردن ما استفاده میکنند. در همین ماجرای فلسطین، بین دنیای اسلام ایجاد اختلاف میکنند؛ دولتها را در مقابل هم قرار میدهند. مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی روشنی است. هیچ مذهبی از مذاهب اسلامی تردید ندارد که آن وقتی که سرزمین اسلام، سرزمین مسلمین، مورد تعرض قرار گرفت، مورد تجاوز قرار گرفت، دفاع بر همه‌ی مسلمانان واجب است. همه‌ی مذاهب اسلامی در این متفقند؛ این محل اختلاف نیست. این

مسئله‌ی متفق‌علیه را محل تردید قرار می‌دهند، مسلمانها را شقه شقه و دسته دسته می‌کنند، تعصبات مذهبی و طائفی را در دلها زیاد می‌کنند، آتش آن را برافروخته می‌کنند، برای اینکه خودشان براحتی مشغول باشند.

ما باید بیدار باشیم؛ حرف جمهوری اسلامی این است. جمهوری اسلامی از اول تشکیل، جزو سطور اولی اصلی اهداف خودش، یکی این را قرار داد: اتحاد مسلمانان و نزدیک کردن دل‌های آنها به یکدیگر، و یکی هم مسئله‌ی فلسطین را.

🔗 دو نقطه‌ی بسیار روشن، در بیانات امام(ره)

در بیانات امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) این دو نقطه، دو نقطه‌ی بسیار روشن و واضحی است: یکی مسئله‌ی اتحاد مسلمین در همه‌ی موضوعات و کم کردن اختلافات و کمرنگ کردن اختلافات، و مانع شدن از اینکه اختلافات فکری و فقهی و کلامی و امثال اینها دو طرف را به عداوت بکشد و با هم دشمنی کنند، یکی هم مسئله‌ی فلسطین.

جمهوری اسلامی پای این حرف ایستاده است. ما هزینه‌هایش را هم داریم می‌دهیم. ملت ما به عنوان یک واجب، به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی به این قضیه نگاه می‌کنند و میدانند که اگر این سرطان مهلک و خطرناک از پیکر جامعه‌ی اسلامی بیرون آورده شود، بسیاری از مشکلات جوامع اسلامی حل خواهد شد و بسیاری از همکاری‌ها به وجود می‌آید.

🔗 عامل دور شدن کشورهای اسلامی از یکدیگر

امروز کشورهای اسلامی یک مجموعه‌ی بزرگ را تشکیل می‌دهند؛ می‌توانند در میان خودشان تبادل علم کنند، تبادل ثروت کنند، تبادل تجربه کنند، تبادل معرفت کنند، یکدیگر را به پیشرفت کمک کنند و خودشان را به قله برسانند. این غده‌ی سرطانی را این وسط گذاشته‌اند و موجب شده‌اند که کشورهای اسلامی از هم دور شوند. البته ملتها با هم دشمنی ندارند؛ متأسفانه مسئولان در مواردی مقصرند.

🔗 برکت دادن خدای متعال به حرف حق

این را باید به عنوان یک درسی، یک یادآوری و تذکر مهمی در ولادت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) در ذهن خودمان نگه داریم، از آن درس بگیریم، از آن عبرت بگیریم، و نزدیک بشویم؛ همچنان که نزدیک هم شده‌ایم. امروز خوشبختانه فریاد رسای دفاع از اتحاد امت اسلامی و بیداری اسلامی در دنیای اسلام، در کشورهای مختلف، در میان ملت‌های مختلف، انعکاس‌های بسیار مطلوب و مثبتی داشته است. خدای متعال به حرف حق برکت می‌دهد؛ می‌رویانند نهالی را که در سرزمین حق نشانده شده است. این حرف، امروز در دنیا وقع دارد. امروز در دنیا پذیرش وجود دارد نسبت به این سخن حقی که جمهوری

اسلامی با صدای رسا و با همهی وجود آن را بیان میکنند. دولت، ملت، مسئولین، همه و همه در این مسائل اصولی، حرفشان یکی است، فریادشان یکی است. سخن جمهوری اسلامی در این زمینه‌ها سخن واضحی است و بحمدالله انعکاس هم دارد.

امیدواریم خداوند متعال کمک کند که امت اسلامی روزبه‌روز بر رشد خود، بر اعتلای خود، بر پیشرفت خود بیفزاید؛ وحدت را که عامل مهمی در همه هست، بیشتر از پیش در میان خود ان شاءالله تقویت کند.

اتحاد و اتفاق بين مسلمانان، فريضه‌ی فوری امروز

- ❖ اثرات حاکم بودن قرآن در جوامع بشری
- ❖ دنیای اسلام تشنه و محتاج حقایق قرآن
- ❖ نقطه‌ی مقابل آموزش قرآنی
- ❖ حنجره‌ی الهی و حنجره شیطانی
- ❖ کسانی که در دنیای اسلام به نفع شیاطین و ابلیسها کار میکنند
- ❖ تکلیف مسلمانها مقابل دشمنان غربی

اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، فریضه‌ی فوری امروز *

اثرات حاکم بودن قرآن در جوامع بشری

این مسابقات و این جلسات بهانه است برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح قرآن. تلاوت هم یک وسیله‌ای است برای رسیدن به حقیقت قرآن، فرا گرفتن معارف قرآن، شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه‌ی قرآن؛ هدف اینهاست.

اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریعتر خواهد بود؛ راه ما روشنتر خواهد بود؛ هدف این است.

دنیای اسلام تشنه و محتاج حقایق قرآن

و امروز برادران عزیز! خواهران عزیز! دنیای اسلام تشنه و محتاج حقایق قرآن است. یک روزی بود که در کشورهای اسلامی، از شرق اسلامی تا غرب اسلامی، اگر جوانانی، برجستگانی میخواستند صدای آزادیخواهی بلند کنند، مکاتب چپ را مطرح میکردند، شعارهای سوسیالیستی و کمونیستی میدادند. امروز در دنیای اسلام، از شرق اسلام تا غرب اسلام، اگر کسانی بخواهند شعار عدالت بدهند، شعار آزادی و استقلال بدهند، شعار عزت بدهند، قرآن را سر دست میگیرند؛ این خیلی باارزش است؛ و درست هم

همین است. به قرآن باید نزدیک شویم، با قرآن انس پیدا کنیم. البته حرف زدن، آسان است؛ عمل کردن، سخت است؛ مجاهدت لازم دارد.

یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»^۱. این خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همهی مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل میکنیم؟

نقطه‌ی مقابل آموزش قرآنی

نقطه‌ی مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده‌ی دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولت‌های اسلامی و حکومت‌های اسلامی فریب می‌خورند؛ آنها هم داخل بازی دشمن میشوند؛ فریب دشمن را می‌خورند، برای دشمن کار میکنند؛ گاهی دانسته، گاهی هم ندانسته.

امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه‌ی فوری است. ببینید از جنگ و اختلاف چه مفاسدی به وجود می‌آید؛ ببینید در دنیای اسلام، تروریسم کور به بهانه‌ی اختلافات مذهبی، چه فجایعی به راه می‌اندازد؛ ببینید با این اختلافاتی که بین ما مسلمانان به وجود آوردند، رژیم صهیونیستی غاصب چه نفس راحتی میکشد. هر وقتی کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی بخواهند به هم نزدیک شوند، یک توطئه‌های درست میکنند، یک حادثه‌های به وجود می‌آورند. اینها باید چشم ما را باز کند، اینها باید ملت‌های مسلمان را بیدار کند، اینها باید چهره‌ی رؤسا و حاکمان بااخلاص را از حاکمان دستنشانده‌ی دشمنان ممتاز کند. اینجا صحنه‌ی امتحان است.

حنجره‌ی الهی و حنجره شیطانی

امروز هر حنجره‌های که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره‌ی الهی است، ناطق من الله است. هر حنجره‌های و زبانی که ملت‌های مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیت‌ها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است. «من اصغی الی ناطق فقد عبده فان کان الناطق عن الله فقد عبد الله و ان کان الناطق ینطق عن لسان ابلیس فقد عبد ابلیس»^۲. آنهایی که از زبان ابلیس حرف می‌زنند، خودشان و مستمعین خودشان را به طرف جهنم می‌برند؛ خودشان را هم دچار هلاکت میکنند. «ألّم تر الی الذّین بدّلوا نعمت الله کفرا و احلّوا قومهم دار البوار. جهنّم یصلونها و بئس القرار»^۳. «یقدم قومه یوم القیامه فأوردهم النار»^۴. که درباره‌ی فرعون است.

🕌 کسانی که در دنیای اسلام به نفع شیاطین و ابلیسها کار میکنند

کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور میکنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار میکنند، به نفع ابلیسها کار میکنند. امروز می بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کار تلها و تراستها، همه دارند پول خرج میکنند، نقشه ریزی میکنند برای اسلامستیزی. قرآن را آتش میزنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار میدهند، کاریکاتور درست میکنند، کتاب مینویسند، در پایتختهای بزرگ اروپا علیه مسلمانها هیجانانگیزی قومی درست میکنند - می بینید دیگر؛ اینها چیزهای روشن و واضحی است - اینها معنایش چیست؟ معنایش اسلامستیزی است.

🕌 تکلیف مسلمانها مقابل دشمنان غربی

امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بستهند. خب، اینجا تکلیف مسلمانها چیست؟ مسلمانها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانائی را روزبهروز افزایش دهند. یکی از مهمترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملت های مسلمان درس است.

این جمعیتی که اینجا جمع شده اید و این مسابقاتی که راه انداخته اید، یک نمونه ای، یک نمودار کوچکی از اتحاد مسلمانها است؛ اینها را قدر بدانید. این دور هم نشستن و این انس با یکدیگر و این ایجاد تفاهم را باید قدر دانست. می بینید همه عاشق قرآنید، همه دلبسته ی قرآنید، همه دلبسته ی وجود مبارک خاتمالانبیائید، همه کسانی هستید که دوست دارید با قرآن زندگی کنید و دوست دارید در قیامت با قرآن محشور شوید؛ این وجه اشتراک کوچکی نیست، این وجه اشتراک بزرگی است؛ این بیشتر از مهمی و جوه اختلاف است.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹